

بهارستان

مجلس، چالش‌ها و مسائل اولویت‌دار کشور



بهارستان

مجلس، چالش‌ها و مسائل اولویت‌دار کشور



بهارستان
مجلس، چالش‌ها و مسائل اولویت‌دار کشور
سرپرست مولفان: سیدعلیر ضافاطمی
زیرنظر: معاونت پژوهش و فناوری سازمان بسیج دانشجویی
ناشر: مرکز اسناد سازمان بسیج دانشجویی
نوبت چاپ: اول - زمستان ۱۳۹۸
شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه
قیمت ۳۰۰,۰۰۰ ریال
نشانی: تهران - خیابان طالقانی - تقاطع مفتح - سازمان بسیج دانشجویی
تلفن: ۰۹۱۹۳۳۷۲۱۸۴ - ۸۸۳۸۱۵۱۶
پست الکترونیکی: bso.publication@gmail.com
چاپ: شرکت پیام آوران نشر روز
شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۹۶۷۰-۰-۲





فهرست مطالب

۹	مقدمه
۱۵	کمیسیون آموزش و تحقیقات
۱۸	مسائل اولویت دار حوزه آموزش و پرورش
۱۸	نارسا بودن نظام مشاوره و نظام هدایت تحصیلی دانش آموزان
۱۹	فقدان نظام انگیزشی در نیروی انسانی
۱۹	عدم حاکمیت سیاست واحد
۲۰	کم توجهی به آموزش های فنی و حرفه ای
۲۰	فقدان نظام سنجش معتبر دانش آموزان و مدارس
۲۱	مسائل اولویت دار حوزه آموزش عالی
۲۱	تعدد مراجع سیاست گذاری و مجری در حوزه علم و فناوری
۲۱	بودجه نامرتب و مستقل از عملکرد دانشگاه و فارغ التحصیلان
۲۲	تعارض منافع در نظام تصمیم گیری برای آموزش عالی
۲۳	مطالعه بیشتر
۲۵	کمیسیون اجتماعی
۲۷	ورشکستگی صندوق های بازنشستگی ، یک بحران اجتماعی در ابعاد بزرگ
۲۹	جلوگیری از هم پوشانی نهادهای مختلف در ارائه خدمات به طبقه محروم
۲۹	سیاست گذاری در خصوص کاهش آسیب های اجتماعی
۳۲	کنترل و نظارت بر اقتصاد رفتاری بازیگران در حوزه اجتماعی
۳۳	پیری جمعیت
۳۳	مطالعه بیشتر
۳۵	کمیسیون اقتصادی
۳۸	مسائل اولویت دار حوزه بانک
۳۸	کنترل خلق پول بانک ها
۳۹	کنترل بانک ها در افزایش سود سپرده
۴۰	هدایت اعتبار
۴۰	کنترل دارایی موهومی بانک ها
۴۱	ساماندهی تراکنش های بانکی
۴۲	مسائل اولویت دار حوزه ارز





- ۴۲ برقراری پیمان دوجانبه
۴۲ آزادسازی نرخ ارز با توجه به قدرت خرید
۴۳ مطالعه بیشتر

۴۵ کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی

- ۴۸ رفع پارادوکس گفتمانی در حوزه دیپلماسی عمومی
۴۸ توسعه دیپلماسی اقتصادی
۵۰ تقویت منطقه‌گرایی
۵۱ تعیین تکلیف در نوع مواجهه با سازمان‌ها و نهادهای بین‌المللی
۵۳ استراتژی کشور در مواجهه با تحریم
۵۴ مطالعه بیشتر

۵۵ کمیسیون انرژی

- ۵۸ تشکیل وزارت انرژی برای یکپارچه‌سازی تصمیم‌گیری
۵۹ ساخت پالایشگاه و استفاده از پتانسیل صادرات فرآورده
۶۰ صادرات گاز
۶۱ بهره‌برداری از مخازن مشترک در زمان تحریم
۶۲ قیمت‌گذاری انرژی
۶۳ مطالعه بیشتر

۶۵ کمیسیون برنامه، بودجه و محاسبات

- ۶۸ جلوگیری از فرار مالیاتی، جبران کسری بودجه دولت
۶۹ جلوگیری از معافیت‌های مالیاتی غیرضروری
۷۰ اجرای قوانین مالیاتی
۷۰ افزایش پایه‌های مالیاتی
۷۱ ورشکستگی صندوق‌های بازنشستگی، عامل کسری بودجه
۷۲ تکمیل پایگاه اطلاعاتی سازمان امور مالیاتی
۷۳ مطالعه بیشتر

۷۵ کمیسیون بهداشت و درمان

- ۷۷ رفع مسئله تعارض منافع در حوزه بهداشت و درمان
۷۹ رسیدن به شفافیت با پرونده الکترونیک
۷۹ پیگیری نظام ارجاع و پزشک خانواده
۸۰ رفع مسئله کمبود پزشک و انحصار
۸۱ مطالعه بیشتر





۸۳

کمیسیون صنایع و معادن

۸۶

مسائل اولویت دار حوزه صنعت

۸۶

حمایت از تولید با ممانعت از فعالیت های نامولد رقیب تولید

۸۷

اجرای قانون بهبود مستمر محیط کسب و کار

۸۹

تدوین راهبرد مشخص برای توسعه صنعتی

۹۰

جلوگیری از رانت فراگیر و پایدار برخی صنایع

۹۰

آمایش سرزمینی در روند توسعه صنایع

۹۱

مسائل اولویت دار حوزه معدن

۹۱

اصلاح قانون و توجه ویژه به عملیات اکتشافی

۹۲

ایجاد پنجره واحد حاکمیتی در حوزه معدن کاری

۹۲

تضییع حقوق دولتی و انفال

۹۳

مشکل تأمین مالی در حوزه معدن کاری

۹۴

تأمین امنیت جانی کارگران

۹۵

مطالعه بیشتر

۹۷

کمیسیون عمران

۹۹

مسائل اولویت دار حوزه مسکن

۱۰۰

افزایش تولید و عرضه متناسب با نیاز

۱۰۱

کنترل و کاهش تقاضاهای سرمایه ای و سوداگرانه در بازار

۱۰۳

احیای بافت فرسوده و بازآفرینی شهری

۱۰۴

مسائل اولویت دار حوزه حمل و نقل

۱۰۵

تکمیل شبکه ریلی

۱۰۵

دوخطه سازی خطوط یک طرفه

۱۰۶

برقی سازی خطوط

۱۰۶

قطارهای حومه ای - حمل و نقل شهری

۱۰۷

تکمیل شبکه آزادراهی - حمل و نقل جاده ای

۱۰۹

کمیسیون فرهنگی

۱۱۱

نهاد سازی ، عامل رشد فرهنگ

۱۱۲

ایجاد پنجره واحد حاکمیتی در حوزه سیاست گذاری رسانه

۱۱۳

بستر سازی برای شفافیت مالی در حوزه فرهنگ

۱۱۴

جلوگیری از عملکرد جزیره ای و ارزیابی مبتنی بر عملکرد

۱۱۴

سیاست گذاری در حوزه زنان و خانواده

۱۱۷

مطالعه بیشتر





۱۱۹

کمیسیون قضایی و حقوقی

۱۲۱

نظم و شفافیت در ساختار قوانین و قانون‌گذاری - تنقیح قوانین

۱۲۲

شاخص‌های نگران‌کننده پرونده‌ها در دستگاه قضایی

۱۲۳

رفع معضلات مربوط به پرونده‌های حوزه سند عادی

۱۲۴

تسهیل صدور حکم برای تصادفات جرحی

۱۲۴

مبارزه قانونی با فساد در حاکمیت

۱۲۶

مطالعه بیشتر

۱۲۷

کمیسیون کشاورزی، آب و منابع طبیعی

۱۲۹

مسائل اولویت‌دار حوزه کشاورزی

۱۳۰

الزام اجرای طرح کاداسترو انجام دقیق آمایش

۱۳۰

وجود حلقه‌های متعدد واسطه و دلالتان

۱۳۱

استفاده از پتانسیل زمین‌ها و مراتع ملی

۱۳۱

ساختار مدیریت آب

۱۳۲

امنیت غذایی از طریق خودکفایی پایدار

۱۳۳

مسائل اولویت‌دار حوزه آب و محیط زیست

۱۳۳

مدیریت تأمین محور آب

۱۳۴

برنامه ریزی جهت توسعه صنایع با جانمایی صحیح

۱۳۴

فعال کردن دیپلماسی فعال آب در منطقه

۱۳۵

کنترل و کاهش عوامل آلاینده و تهدیدکننده محیط زیست

۱۳۶

ساختار وزارت نیرو برای مدیریت آب

۱۳۶

مدیریت به هم پیوسته و یکپارچه چرخه آب

۱۳۶

مطالعه بیشتر

۱۳۷

منابع و مراجع



من هیچ تردیدی ندارم و در این معنا هم که مجلس در رأس همه ارگان‌ها واقع است و مجلس، ملت است که متبلور شده است و تحقق پیدا کرده است در یک جای محدود، این هم بی‌اشکال است.^۱

اولین دوره مجلس در هفتم خردادماه سال ۱۳۵۹ شروع به کار کرد. ۳۱ تیرماه ۱۳۵۹ نمایندگان مجلس شورای ملی نام مجلس را به مجلس شورای اسلامی تغییر داده و اکنون چهل سال از عمر این مجلس می‌گذرد. در ۱۰ دوره گذشته، اتفاقات مختلفی در بهارستان رخ داده است؛ از عزل بنی‌صدر در مجلس اول تا تحصن نمایندگان در مجلس ششم، درگیری رئیس‌جمهور و رئیس مجلس در صحن علنی مجلس نهم، تصویب برجام در مجلس نهم و طرح سؤال از احمدی‌نژاد و روحانی اتفاقاتی است که در حافظه تاریخی این ملت باقی خواهد ماند.

بسیاری از کارشناسان سیاسی و فعالان اجتماعی معتقدند مجلس شورای اسلامی که با شعار محوری «مجلس در رأس امور است» ایجاد شد، با گذشت زمان، جایگاه اصلی خود را در صحنه سیاسی و اقتصادی کشور از دست داده و به حاشیه رفته است. اتفاقات زیادی ممکن است منجر به ایجاد این تحلیل شده باشند، اما انتخاب افراد کم‌تجربه و ناآشنا با ساختار مجلس در دوره‌های گذشته، عدم توازن سیاسی در مجلس و حذف اقلیت‌های فکری مربوط به جریان شکست‌خورده به واسطه انتخابات حداکثری (انتخاب بر مبنای حداکثر آراء)، ساختارهای موازی، کاهش پاسخگویی گروه‌های سیاسی، ورود افراد سودجو و منفعت‌طلب به مجلس شورای اسلامی، روابط غیررسمی و لابی‌های موجود در کمیسیون‌ها و صحن، تقویت دوقطبی‌های سیاسی و اجتماعی و نبود روحیه همکاری و عدم ایجاد روحیه جمعی در نخبگان سیاسی، اقتصادی و فرهنگی برای مطالبه صحیح از نمایندگان ملت در مقاطع مختلف، از جمله اتفاقاتی است که موجب انزوای رکنی شده است که امام خمینی علیه‌السلام در مورد آن می‌فرماید:

۱. صحیفه امام، ج ۱۷، ص ۲۴۶.

مجلس باید قوه داشته باشد؛ تنها مرکزی است که تمام قوا باید تبع آن باشند.^۱

مقام معظم رهبری در دیدار خود با نمایندگان مجلس در سال ۱۳۹۷ می‌فرماید:

مجلس بایستی عصاره فضايل ملت باشد؛ فضايل اين ملت هم خیلی زیاد است. مجلس نباید نماد تردید باشد، نماد خودکم‌بینی باشد؛ نباید نماد یأس و نومیدی یا نماد عدم اعتنا و عدم مبالات به مسائل کشور باشد. نباید مجلس نشان بدهد که نگاهش به ظرفیت‌ها و توانایی‌های ملی، نگاه مأیوسانه است. این فضايل ملت که باید این جا عصاره آن‌ها جمع بشود، این چیزها است.

ایشان در ادامه به نکات جالبی در مورد مأموریت اساسی مجلس -قانون‌گذاری- می‌پردازند و جایگاه آن را بالاتر از نظارت می‌دانند. مقام معظم رهبری ملاحظات را نیز برای قانون‌گذاری بیان می‌کنند؛ اولویت داشتن، عملی بودن، عدم تعارض با مصلحت کشور (بالأخص در قبول کنوانسیون‌های بین‌المللی)، حل مشکلات مردم و بالأخص قشر ضعیف جامعه، رعایت جنبه‌های کارشناسی، استفاده از نخبگان بیرون از محیط مجلس و عدم تأثیرپذیری از فرهنگ غربی از جمله ملاحظات ایشان برای ریل‌گذاری در مسیر کشور است.

مجلس نهادی است که اصلاح آن از طریق خود نمایندگان منتخب و به واسطه مطالبه‌گری مردم شکل می‌گیرد. اصلاح ساختاری مجلس یکی از عواملی است که قطعاً به بهبود کارآمدی آن کمک خواهد کرد. اصلاح شیوه برگزاری انتخابات باید موجب افزایش عدالت و تأثیر اراده مردم در تشکیل نظام سیاسی و افزایش پاسخگویی گروه‌های سیاسی شود. عدم توازن سیاسی در مجلس عموماً به ترجیح مصالح سیاسی بر مصالح ملی منجر شده و کارآمدی را کاهش می‌دهد. اصلاح آیین‌نامه داخلی مجلس جهت نظارت بر رفتارهای مالی و سیاسی نمایندگان و رفتارها و سخنان آنان در مجامع عمومی در طول دوره نمایندگی، برای حفظ و

۱. صحیفه امام، ج ۱۲، ص ۱۹۹.

حراست از شأنیت مجلس و جلوگیری از نفوذ افراد سودجو به خانه ملت و برخورد با آنان (حتی در طول دوره نمایندگی) ضروری است.

شفافیت آرای نمایندگان یکی دیگر از عواملی است که می تواند علاوه بر تحقق حق ذاتی مردم در آگاهی و نظارت بر کارگزاران حکومتی، سبب افزایش اعتماد مردم به این نهاد و در نتیجه افزایش مشارکت مردم در انجام وظایف پارلمانی و کمک به پارلمان شود. رأی نماینده به طرح ها و لوایح و تأیید یا رد صلاحیت ها، نتیجه نهایی و خروجی تمامی تلاش های نمایندگی او است که می تواند مورد قضاوت قرار گیرد. از طرفی صندلی مجلس باید جذابیت های زیاد خود را از دست بدهد. حقوق و مزایای بالا و قابلیت دسترسی آسان به اموال نامشروع به واسطه ارتباطات زیاد با مسئولان رده اول کشور از عواملی است که موجب جذابیت این کرسی شده است. شفافیت دارایی های نمایندگان و اقوام درجه یک آن ها در تمامی حساب های بانکی موجب می شود انگیزه فساد پایین بیاید. از طرفی وضع قوانین سخت گیرانه و محدودکننده برای نمایندگان و اطرافیان درجه یک آن ها منجر به داغ شدن صندلی مجلس خواهد شد.

هدف از پژوهش

هدف این پژوهش، استخراج اولویت های مطالبه گری در حوزه های کاری مجلس شورای اسلامی با تمرکز بر دسته بندی مأموریتی مجلس مبتنی بر کمیسیون های آن است. یکی از مسائلی که عموم مردم و حتی قشر نخبگانی جامعه در انتخابات مجلس و بعد از انتخابات با آن مواجه است، عدم آشنایی آن ها با نمایندگان مجلس و عدم آگاهی نسبت به نوع مطالباتی است که باید از نمایندگان خود داشته باشند. این عدم آگاهی ها که اکثراً از نبود منابع کامل و جامع ناشی می شود، موجب اشتباه در انتخاب می شود. عدم کارآمدی نمایندگان مجلس و عدم تعریف انتظارات و معیارهای صحیح از طرف مردم و نخبگان موجب ادامه این چرخه ناصحیح در انتخابات آتی خواهد شد. جریان دانشجویی به عنوان یکی از اصلی ترین اجزای جریان سازی و پیگیری مطالبات در پازل سیاسی کشور نیز

یکی از جریان‌هایی است که به صورت معمول در برابر انتخابات مجلس رویکرد منفعلانه داشته و فقط به بلندگویی برای ایراد سخنان نمایندگان تبدیل می‌شود. جریان دانشجویی برای داشتن یک رویکرد فعال و پرسیدن سؤال‌هایی که در جامعه نیز تسری پیدا کرده و به عنوان معیار و مبنایی برای انتخاب قرار داده شود، نیاز به داده‌های مناسب و طبقه‌بندی شده و اولویت‌بندی شده دارد. در این نوشتار سعی شده است که به اولویت‌دارترین مسائل هر حوزه پرداخته شده و از گزافه‌گویی اجتناب شود. از طرفی پرداختن و مطالبه تمامی مسائل موجود در این نوشتار در زمان واحد میسر نخواهد بود؛ از این رو نوشتار حاضر سعی دارد با تکیه بر نظر‌نخبگان، سرنخ‌هایی جهت تفکر درباره مسائل کشور در اختیار جریان دانشجویی قرار دهد تا این جریان ضمن مواجهه نقادانه با این مسائل، متناسب با ادراک خویش از آن‌ها به گفتمان‌سازی و جریان‌سازی بپردازد. امید است که نوشتار موجود در انتخاب اولویت‌ها و ایجاد جریان اجتماعی مطالبه‌گر برای اصلاح مجلس و پیگیری مسائل اساسی کشور مفید واقع شود.

روش تحقیق و گردآوری

مجلس شورای اسلامی دارای ساختاری کمیسیون محور بوده و وظیفه تصمیم‌گیری، بحث و گفتگو در مورد هر کدام از مسائلی که در کشور وجود دارد به کمیسیون مربوطه محول می‌شود؛ از این رو مسائل اولویت‌دار در نوشتار حاضر مبتنی بر کمیسیون‌های موجود در مجلس شورای اسلامی دسته‌بندی و ارائه شده است. لازم به ذکر است از آنجایی که اصالت در محتوای نوشتار حاضر مبتنی بر بیان موضوعات و مسائل اولویت‌دار کشور در لایه تخصصی و نخبگانی و برنامه‌ریزی برای حل آن‌ها در مجلس آتی بوده است، بیان مسائل مربوط به کمیسیون‌هایی مانند کمیسیون اصل ۹۰ یا کمیسیون شوراها و امور داخلی که در لایه موضوعات ذکر شده در دیگر بخش‌ها نبودند، در این مجال نگنجید.

در این پژوهش ابتدا فهرستی از مسائل کشور با مراجعه به سخنان رهبری، کارشناسان و متخصصان اندیشکده‌های برتر کشور در هر حوزه، اسناد معتبر

و بالادستی، کتب مرجع، مقالات و پژوهش‌های اندیشکده‌های برتر کشور و خبرگزاری‌ها و سایت‌های تحلیلی با شاخص‌های اولویت‌دار بودن، عملی بودن، کارشناسی بودن و ناظر به حل مسائل عمومی مردم احصا شد. لیست تهیه‌شده شامل مسائل متعددی بود که عموماً اهمیت و اولویت بعضی مسائل توسط منابع مختلف تأیید می‌شد. در مرحله بعد، فهرستی از اولویت‌های اساسی از تقاطع‌گیری مسائل ذکرشده در لیست اولیه و برحسب تکرار مسائل در منابع مختلف انتخاب شد. در مرحله پایانی نیز لیست نهایی مجدداً به کارشناسان و متخصصان اندیشکده‌های برتر کشور ارائه شده و مسائل توسط آن‌ها تأیید، نمره‌دهی و اولویت‌بندی شد و در پایان این فرایند، لیست نهایی مسائل حاصل شد. در عین جامعیت موجود، ذکر تعداد محدودی از مسائل در این نوشتار، نافی وجود مسائل پراهمیت دیگر در کشور نبوده و همان‌طور که گفته شد، مسائل موجود از میان انبوهی از مسائل با یک روش علمی و با توجه به اقتضائات زمانی و دانشی، انتخاب شده است. مسائل ذکرشده در هریخش، الزاماً براساس حوزه‌های فعالیت کمیسیون‌ها انتخاب نشده و نظرات کارشناسان و منابع معتبر، ملاک و معیار بوده است و گاهی تعدادی از مسائل اولویت‌دار کشور فقط در یکی از حوزه‌های کاری کمیسیون خلاصه شده و به دیگر حوزه‌های فعالیت کمیسیون پرداخته نشده است.

مسائل ذکرشده در هریخش ممکن است در لایه کلان به بخش‌های دیگر نیز ارتباط پیدا کند؛ به‌عنوان مثال در حوزه آسیب‌های اجتماعی، هر سه کمیسیون اجتماعی، بهداشت و درمان و فرهنگی می‌توانند ورود کنند، اما در نهایت، مسائل مختلف از یک پنجره واحد قابل حل هستند و این نکته لزوم هماهنگی و تعامل کمیسیون‌های مختلف در پیشبرد بعضی اهداف را نشان می‌دهد.

در مورد هر کدام از مسائل، توضیح مختصری نیز بیان شده است تا فهم اولیه از مسئله و اهمیت آن شکل بگیرد. در پایان هر فصل نیز منابع تکمیلی برای مطالعه بیشتر خوانندگان و اشراف بهتر به مسائل ذکرشده در هر حوزه قرار داده شده است. برای تدوین نوشتار حاضر بیش از صد منبع مورد استفاده قرار گرفته و لیست

منابع کتابخانه‌ای، اینترنتی، مصاحبه‌ها و بیش از بیست اندیشکده‌ای که در این نوشتار از آثار، مقالات و نظرات کارشناسی آن‌ها استفاده شده بود نیز در پایان ذکر شده است.

کمیسیون آموزش و تحقیقات

حوزه‌های فعالیت کمیسیون

آموزش و پرورش عمومی

آموزش فنی و حرفه‌ای

آموزش عالی، تحقیقات و فناوری

کمیسیون آموزش و تحقیقات، یکی از کمیسیون‌های تخصصی مجلس شورای اسلامی است. مطابق ماده ۳۴، این کمیسیون برای انجام وظایف محوله در محدوده آموزش و پرورش عمومی، آموزش فنی و حرفه‌ای، آموزش عالی، تحقیقات و فناوری تشکیل شده است.

مقام معظم رهبری مهم‌ترین موضوع تمدنی کشور را تعلیم و تربیت دانسته و معلمان را هویت‌ساز می‌دانند. در بخشی از صحبت‌های ایشان آمده است که:

باید به فکر آن روز [آینده] بود و آن روز دست شماست؛ دست آموزش و پرورش، دست معلمان و مربیان است. شما هستید که باید امروز، آن روز را ترسیم کنید. با چی؟ با تربیت جوان. شما این عامل و این گلوله را پرتاب می‌کنید، خودش به هدف می‌خورد. شما باید ماشه را بچکانید و این، همین کار تربیتی است که شما باید امروز انجام بدهید.

متأسفانه امروزه مسئله تعلیم و تربیت در مقایسه با مسائل سیاسی و اقتصادی اولویت پایین‌تری پیدا کرده و به انزوا رفته است. در رأس نهادهای سیاست‌گذار این حوزه نیز عموماً افرادی با دغدغه‌هایی غیر از تعلیم و تربیت قرار می‌گیرند و سیاست‌های پیگیری شده توسط آنان نیز با یک پشتوانه مبنایی اتخاذ نمی‌شود. مسئله تعلیم و تربیت و مشکلات موجود در این حوزه، مسئله‌ای است که پرداختن به آن از اقتضای این نوشتار خارج بوده و به دو حوزه آموزش و پرورش و آموزش عالی پرداخته خواهد شد.

در سال ۱۳۹۸ حدود چهارده میلیون دانش‌آموز در مدارس مشغول به تحصیل بوده‌اند. تعداد معلمان نیز در سال ۱۳۹۸ از عدد دو میلیون شاغل و بازنشسته عبور کرده است (متأسفانه در سال‌های اخیر تعداد بازنشستگان از تعداد معلمان جدید به مراتب بیشتر است). این اعداد و ارقام - فارغ از نیروهای ستادی وزارت آموزش و پرورش - نشان‌دهنده گستردگی این دستگاه است. دستگاهی که با بیش از ۷۰۰ اداره کل مدیریت می‌شود.

در زمینه کیفیت آموزش، در کشور ما مشکلات زیادی وجود دارد. نتایج آزمون بین‌المللی TIMSS and Pirls حاکی از آن است که یک سوم دانش‌آموزان کشور در مقطع چهارم ابتدایی قادر به خواندن، نوشتن، جمع و تفریق نمی‌باشند.^۱ نکته جالب توجه این است که این آزمون بار دیگر در مقطع هشتم برگزار شده و باز هم نتایج نشان می‌دهد که یک سوم دانش‌آموزان کشور در این مقطع نیز قادر به خواندن، نوشتن، جمع و تفریق نمی‌باشند.^۲ دانش‌آموزان در کنکور سراسری به طور میانگین به ۱۰ درصد سؤالات پاسخ می‌دهند و میانگین اکثر دروس در کشور منفی هست.^۳ از طرفی دانشگاهیان و فارغ‌التحصیلان با علمی که در دانشگاه آموخته‌اند نمی‌توانند وارد بازار کار شوند و اعتبار سنجی و علم‌سنجی‌های انجام شده حاکی از عدم کیفیت آموزش عالی هست.

مسائل آموزش و پرورش

نارسا بودن نظام مشاوره و نظام هدایت تحصیلی دانش‌آموزان

نسبت تعداد مشاوران به دانش‌آموزان در کشور عددی کمتر از ۱ به ۵۰۰ هست. حداقل استاندارد این نسبت در سندهای بالادستی ۱ به ۲۰۰ بوده که همین نسبت نیز از استانداردهای جهانی بسیار فاصله دارد. این بدان معنی است که دانش‌آموزان ما از خدمات مشاوره‌ای مناسب بهره‌مند نمی‌شوند. یکی دیگر از مشکلات نظام مشاوره، عدم انجام هدایت تحصیلی مناسب در کشور است. عواملی مانند وجود بازار کار، در نظر گرفتن علایق، توانایی‌ها، نیاز کشور و نیاز منطقه‌ای و... در هدایت تحصیلی دانش‌آموزان نقش بسزایی دارند. این‌که دانش‌آموز به کدام رشته دانشگاهی برود یا این‌که در کدام حرفه مشغول به تحصیل شود، در حیطه هدایت تحصیلی است که به علل مختلف در کشور نارسا است.

عدم توجه به رشته‌های کاربردی و مهم مانند رشته‌های علوم انسانی، عدم توجه

۱. آزمون TIMSS and Pirls.

۲. آزمون TIMSS and Pirls.

۳. سازمان سنجش آموزش کشور.

به نیاز کشور و بازار کار در رشته‌های تجربی و ریاضی، منجر به ایجاد تقاضای کاذب و دور از مسیر صحیح و آینده‌نگر شده است.

فقدان نظام انگیزشی در نیروی انسانی

زمانی که معلمان کشور نسبت به خروجی و تلاشی که برای تدریس به دانش آموز انجام می‌دهند سنجیده نشوند و تلاش یا کوتاهی آن‌ها برای موفقیت دانش آموز، اثری بر یاد شدن یا کم شدن حقوق و دریافتی آن‌ها نداشته باشد، نظام انگیزشی به درستی مدیریت نشده و تغییری در شیوه رفتار و عملکرد خود انجام نخواهند داد.

این موضوع در مورد نظام استخدام نیز برقرار است؛ زمانی که معلمان به صورت قطعی با گذراندن دوره‌های تدریس در دانشگاه‌های تربیت دبیری در مدارس با حقوق ثابت و مصوب استخدام شوند، هیچ تلاشی برای رقابت و افزایش کیفیت و خروجی بیشتر نمی‌کنند، زیرا عملکرد آن‌ها به درستی و به صورت ساختاریافته سنجیده نشده و خروجی عملکردشان بر دریافتی آن‌ها تأثیری ندارد.

یکی از دغدغه‌های رهبری که در بیانات ایشان نیز منعکس شده، عدم توجه به معیشت معلمان است. به نظر می‌رسد که عدم وجود یک نظام رتبه‌بندی و پرداخت حقوق مبتنی بر عملکرد، پیش نیاز هرگونه تغییر در نظام پرداختی معلمان است.

عدم حاکمیت سیاست واحد

در آموزش و پرورش، نهادهای بالادستی بسیاری از جمله وزارت آموزش و پرورش، شورای عالی انقلاب فرهنگی و مجلس شورای اسلامی در سیاست‌گذاری مدارس و آموزش و پرورش نقش دارند. بسیاری از عدم هماهنگی‌ها، در مصوبات و سیاست‌گذاری سیستم تأثیرگذار بوده و رسیدن به هدف بلندمدت را غیرممکن می‌سازد؛ به عنوان مثال، شورای عالی انقلاب فرهنگی، مصوبات خود را در حد قانون می‌داند که این موضوع در بسیاری از موارد با قوانین وضع شده در مجلس شورای اسلامی تداخل دارد. در شرایط موجود، تعیین دقیق وظایف و اختیارات

دستگاه‌های مربوط به حوزهٔ تعلیم و تربیت ضروری به نظر می‌رسد. از طرفی مشغلهٔ آموزش و پرورش در مسائل جاری ساختار گستردهٔ خود و وجود تعارض منافع و فشارهای سیاسی بیرونی در عزل و نصب‌ها و عدم داده‌کاوی مناسب از تمامی مدارس، موجب شده است که حاکمیت موجود نیز در حوزهٔ آینده‌پژوهی و تدوین برنامهٔ مدونی ناظر به فرصت‌ها و چالش‌های آینده و تغییر نگرش در حوزه‌های تربیتی ناتوان باشد.

کم‌توجهی به آموزش‌های فنی و حرفه‌ای

در وضعیتی که کشور ما از دانش‌آموخته‌های دانشگاهی اشباع شده است و دیپلم گرفتن نه مهارتی به فرد می‌آموزد، نه جایگاهی به او می‌دهد تا بتواند کسب درآمد کند، آموزش‌های فنی - حرفه‌ای مبتنی بر مهارت در جهت‌دهی صحیح به مسیر افراد نقش بسزایی دارند؛ با این تفاوت که افراد بعد از گذراندن دورهٔ فنی - حرفه‌ای می‌توانند دارای شغل باشند. توجه به این آموزش‌ها می‌تواند بسیار راهگشا باشد.

فقدان نظام سنجش معتبر دانش‌آموزان و مدارس

در کشور ما هیچ نظام سنجش معتبری برای دانش‌آموزان و مدارس وجود ندارد. این معضل بسیار ریشه‌ای است؛ به‌طوری‌که نمی‌توان اثر تغییرات و اعمال سیاست‌های جدید در آموزش و پرورش را بر خروجی و دانش‌آموزان به‌طور صحیح ارزیابی کرد. در نتیجه اعمال هرگونه سیاستی قبل از ایجاد یک نظام سنجش برای مدارس و دانش‌آموزان بی‌فایده به نظر می‌رسد.

سنجه‌های موجود از قبیل امتحان نهایی نیز که به‌صورت سراسری برگزار می‌شود، اشکالات فنی بسیار زیادی از جمله: تأثیر سلیقهٔ مصححان در روند تصحیح برگه‌ها، تقلب فراگیر در بعضی حوزه‌های امتحانی و نمرهٔ کامل بسیاری از دانش‌آموزان به علت سطح پایین امتحانات دارد و نتیجهٔ آن قابل قبول نبوده و نمی‌تواند عملکرد دانش‌آموزان را به‌درستی بسنجد.

امتحان‌هایی که در مدارس اخذ می‌شوند نیز به دلایلی نظیر متفاوت بودن سطح

مدارس، اعمال سلیقه شخصی معلمان در نمره دهی و متفاوت بودن سؤالات و درجه سختی آن‌ها نتایج غیر قابل مقایسه‌ای دارند. به همین علت یکی از مهم‌ترین مشکلات در نظام آموزش، عدم وجود سیستم سنجش آن هست.

مسائل اولویت‌دار حوزه آموزش عالی

تعدد مراجع سیاست‌گذاری و مجری در حوزه علم و فناوری

در آموزش عالی همانند آموزش و پرورش، نهادهای متعددی مانند وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، شورای عالی انقلاب فرهنگی، شورای عالی علوم، تحقیقات و فناوری، معاونت علمی رئیس‌جمهور و مجلس شورای اسلامی برای سیاست‌گذاری وجود دارند که هر کدام حسب کارشناسی، فهم یا سلیقه، سکان آموزش عالی را به یک طرف می‌کشند. ایجاد نهادهای موازی در عرصه سیاست‌گذاری و تصمیم‌گیری در دانشگاه‌ها، موازی‌کاری‌ها را بعضاً به تخصم و خنثی‌سازی اقدامات سوق می‌دهد.

بودجه نامرتب و مستقل از عملکرد دانشگاه و فارغ‌التحصیلان

خروجی در نظام آموزش عالی را می‌توان به سه دسته علم، فناوری (حل مشکلات صنعت) و تربیت نیرو برای کار طبقه‌بندی کرد. در حال حاضر اساتید، دانشجویان و دانشگاه‌ها رتبه‌بندی می‌شوند، اما این رتبه‌بندی متأثر از عملکرد خروجی آن‌ها نیست. نظام آموزش عالی باید پاسخ دهد که به چه میزان دانشگاه‌ها به طرف حل مشکلات صنعت می‌روند و چه میزان مشکل صنعت را حل می‌کنند؟ چه میزان از فارغ‌التحصیلان دانشگاهی ما توانایی انجام کار در زمینه تخصصی خود را دارند؟ چند درصد از دانشگاه‌های ما در سراسر کشور به تولید علم کمک می‌کنند؟ این‌ها سؤالاتی است که می‌بایست پاسخ به آن‌ها مبنای سنجش دانشگاه‌ها قرار گیرد.

با وجود صرف بودجه هنگفت در نظام آموزش عالی کشور، نظام انگیزشی اساتید دانشگاه‌ها به نوعی است که مشکلاتی از قبیل بیکاری دانشجویان بعد از فارغ‌التحصیلی و مشکلات ورود به صنعت و تقاضا محور نبودن پژوهش آن‌ها

بر انگیزه اساتید تأثیری نداشته و عملاً هیچ اجباری برای افزایش کارایی وجود ندارد. از طرفی نظام ارتقای اساتید، مقاله محور بوده و مقالات منتشر شده نیز عموماً کمکی به حل مسائل کشور نمی‌کند. این امر در سطح کلان موجب شده حوزه آموزش عالی کشور به جای مأموریت‌گرایی و نتیجه‌گرایی با رویکرد علم‌گرایی محض حرکت کند. ذکر این نکته نیز لازم است که فقدان نهادهای اعتباربخشی غیرحاکمیتی هم به عدم ارزیابی صحیح از دانشگاه‌ها کمک می‌کند.

تعارض منافع در نظام تصمیم‌گیری برای آموزش عالی

در نظام آموزش عالی کشور، اعضای هیئت علمی، «مجری» اصلی سیاست‌های حاکمیت در جهت تحقق مأموریت‌های حوزه آموزش عالی به شمار می‌روند. نکته جالب این جاست که سیاست‌گذاری و قاعده‌گذاری حوزه آموزش عالی را عمدتاً اعضای همان صنفی بر عهده دارند که مجری این سیاست‌ها و قواعد هستند. در چنین شرایطی، طبق ادبیات تعارض منافع، پدیده «اتحاد قاعده‌گذار و مجری» و «اتحاد ناظر و منظور» شکل می‌گیرد. عدم اعمال قواعد سخت‌گیرانه برای اعضای هیئت علمی، عدم اعمال نظارت کافی بر دانشگاه‌ها، تصویب امتیازات ناعادلانه به سود آن‌ها یا اعضای خانواده آن‌ها (از جمله سهمیه نقل و انتقال فرزندان هیئت علمی) و عدم رسیدگی کافی به امور دانشجویان علی‌رغم استفاده از خروجی‌های علمی آنان از نتایج تعارض منافع در نظام آموزش عالی کشور است. شفافیت فرایندها و افشای منافع شخصی افراد از تصمیم‌گیری‌ها، ایجاد رقابت بین عناصر تصمیم‌گیر و ممانعت از تصدی مناصب مدیریتی توسط افراد مجری، می‌تواند آثار تعارض منافع را بهبود بخشد.

مطالعه بیشتر

- سیاست‌های کلی ایجاد تحول نظام آموزش.
- گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس با عنوان «بررسی سند تحول بنیادین آموزش و پرورش»
- بیانات رهبر معظم انقلاب در حوزه آموزش و پرورش
- مقاله روح‌الله فرازی با عنوان «حضور استادان در نظام تصمیم‌گیری» در روزنامه دنیای اقتصاد

کمیسیون اجتماعی

حوزه‌های فعالیت کمیسیون

امور اداری و استخدامی

کار

اشتغال

روابط کار و تعاون

آسیب‌های اجتماعی یکی از چالش‌های جدی نظام و مسئولان کشور و مرتبط با کارآمدی نظام است که به شدت با مسائل امنیتی نیز گره خورده است. آمار بالای زندانیان، بیکاری، طلاق، اعتیاد در سنین مختلف، کودکان کار و پدیده حاشیه‌نشینی بخشی از مهم‌ترین آسیب‌های اجتماعی موجود هستند. شکاف طبقاتی و وضعیت و روند رو به رشد آسیب‌های اجتماعی فرصتی را فراهم می‌کند تا دشمنان نظام اسلامی، مخالفان، محافل و رسانه‌های غربی، هجمه‌های خود علیه نظام را متنوع‌تر و گسترده‌تر نمایند. دشمن مبتنی بر همین آسیب‌ها، سناریوها و راهبردهای خود را علیه نظام اسلامی سازمان‌دهی و متمرکز کرده است.

رهبر معظم انقلاب در بیانات خود مردم را به مثابه‌ی عائله و خانواده‌ی خود دانسته و درمان آسیب‌های اجتماعی را از ریشه‌ای‌ترین کارها می‌دانند. ایشان می‌فرمایند: درست است که ما در کشور در درجه‌ی اول مسئله‌ی اقتصاد را داریم و خود مشکلات اقتصادی هم [به عنوان] یکی از آن عوامل ریشه‌ای این مفاسد، مورد توجه ما است، لکن مسئله‌ی مفاسد اجتماعی یکی از بیماری‌هایی است که هر روزی که بر آن بگذرد و علاج نشود، عمق بیشتری پیدا می‌کند و علاجش دشوارتر خواهد شد. لذا مسئله‌ی فوق‌العاده مهم است.

آسیب‌های اجتماعی آسیب‌هایی است که مردم آن‌ها را مدام در طول روز لمس می‌کنند و نسبت به آن واکنش نشان می‌دهند. عدم توجه به آسیب‌های اجتماعی گاهی سبب خسارت‌های جبران‌ناپذیری در جامعه می‌شود و اثرات فزاینده‌ی آن موجب درگیر شدن تمام جامعه با یک مسئله مانند اعتیاد، فقر یا حتی مشکلات جامعه‌ی کارگری و بازنشستگی می‌شود.

ورشکستگی صندوق‌های بازنشستگی، یک بحران اجتماعی در ابعاد بزرگ

در حال حاضر مستمري بگيران اصلی و تبعی سازمان تأمین اجتماعی از مرز پنج میلیون نفر (آمار منتشرشده این سازمان در مردادماه ۱۳۹۴) گذشته است؛ به این

معنا که در صورت ورشکستگی این سازمان - نظیر سایر صندوق‌ها - مشکلات جدی اجتماعی ایجاد خواهد شد و بروز اعتراضات وسیع اجتماعی در همه صنوف و رده‌ها دور از انتظار نخواهد بود. بدهی‌های دولت به سازمان تأمین اجتماعی از مرز صد هزار میلیارد تومان گذشته است و این سبب می‌شود که دیگر این سازمان نتواند خدمات خود را به‌خوبی ارائه کند. تعداد بالای بازنشستگان و تعداد کم ورودی افراد به بازار کار، بدهی دولت، بنگاه‌های ورشکسته متعلق به صندوق‌ها و بازنشستگی‌های پیش از موعد، بخشی از اساسی‌ترین مشکلات این صندوق‌ها است. در حال حاضر دولت سالانه حدود هشتاد هزار میلیارد تومان (معادل یارانه نقدی پرداخت شده به کل کشور) از محل بودجه عمومی به صندوق بازنشستگی کشوری می‌پردازد و این مبلغ در سال‌های آتی نیز افزایش خواهد یافت و در آینده نه‌چندان دور به بحران اجتماعی بزرگی تبدیل خواهد شد. علاوه بر پیدا کردن راه‌حلی برای پرداخت دیون دولت به صندوق‌ها به‌گونه‌ای صحیح، باید اقداماتی در حوزه سیاست‌گذاری و قانون‌گذاری نیز انجام شود. نظارت بر عملکرد سازمان تأمین اجتماعی به‌نحوی که شیوه اخذ حق بیمه موجب ایجاد مزاحمت برای فضای کسب‌وکار نشود یا به‌طور کلی نظارت بر نحوه سرمایه‌گذاری فعلی صندوق‌های بیمه‌ای - به‌خصوص صندوق تأمین اجتماعی - و همچنین تصویب قوانین در راستای تعمیم و گسترش پوشش بیمه اجتماعی اجباری و افزایش درآمدهای سازمان به‌تبع آن، پرهیز از تصویب قوانین جدید بدون توجه به بار مالی و محاسبات بیمه‌ای مرتبط، اصلاح قوانین موجود برای محدود کردن و کاهش دادن موارد مشمول بازنشستگی پیش از موعد، اصلاح قانون تأمین اجتماعی به‌نحوی که ضمن حفظ درآمدهای سازمان به شکوفایی فضای کسب‌وکار کمک نماید، تصویب قانون در راستای ایجاد صندوق‌های تأمین اجتماعی خصوصی در سطح تکمیلی و کاهش معافیت‌های بیمه‌ای در راستای افزایش درآمدها و گسترش عدالت اجتماعی از راهکارهایی است که در جامعه کارشناسی مطرح می‌شود.

جلوگیری از هم‌پوشانی نهادهای مختلف در ارائه خدمات به طبقه محروم

به‌طورکلی مسئولیت سیاست‌گذاری و حمایت از محرومان (حوزه حمایت‌های اجتماعی) در دولت بر عهده وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی است. از طرفی نهادهای دیگری نظیر سازمان بهزیستی و کمیته امداد امام خمینی (ره) و سمن‌های مختلف در این حوزه فعال هستند. تعدد این نهادها و جزیره‌ای عمل کردن آن‌ها موجب بروز ناهماهنگی‌هایی شده است که در صورت تداوم روند فعلی - عدم مشخص کردن حوزه فعالیت هر نهاد- مشکلاتی نظیر امکان بهره‌مندی برخی افراد از منابع سازمان‌های مختلف (وجود هم‌پوشانی در دریافت خدمات)، عدم امکان بهره‌مندی برخی افراد از منابع این سازمان‌ها، عدم بهره‌گیری کامل از امکانات مؤسسات غیرانتفاعی و مراکز خیریه، احاطه برخی از وظایف به یکدیگر (توسط سازمان‌ها و نهادهای مذکور) و عدم امکان نظارت کامل دولت به منابع تخصیص یافته ایجاد خواهد شد. در این راستا اقدامات زیر با هماهنگی دولت و مجلس ضروری به نظر می‌رسد.

الف) تفکیک دقیق وظایف و کنترل و نظارت دقیق مجلس بر عملکرد دستگاه‌ها و نحوه هزینه‌کرد منابع و اعتبارات تخصیص یافته در این حوزه از اقدامات ضروری است.

ب) ایجاد پنجره واحد به منظور ارجاع افراد جامعه هدف ضروری است. این نکته بدین معنا است که ضرورتی برای ادغام نهادها و سازمان‌های حمایتی وجود ندارد، اما با ایجاد این پنجره به صورت متمرکز می‌توان جامعه هدف را متناسب با وظایف و تکالیف و خدماتی که توسط هر سازمان و نهاد حمایتی ارائه می‌گردد توزیع نمود تا همه افراد بتوانند تحت پوشش حمایتی قرار گیرند.

سیاست‌گذاری در خصوص کاهش آسیب‌های اجتماعی

آسیب‌های اجتماعی گوناگونی در حال حاضر در جامعه وجود دارد و می‌بایست قوای مختلف برای جلوگیری از افزایش و کنترل آن برنامه مشخصی داشته باشند.

• طلاق

در سال‌های اولیه بعد از انقلاب اسلامی، نسبت طلاق به ازدواج کاهش می‌یابد (بدین معنا که رشد تعداد ازدواج‌ها بیش از تعداد طلاق‌ها بوده است) و تا سال ۱۳۸۰ زیر ۱۰ درصد باقی می‌ماند، ولی پس از آن به سرعت افزایش یافته و به ۳۲ درصد در سال ۱۳۹۷ رسیده است. این روند به‌گونه‌ای ادامه یافت که در سال ۱۳۹۶ طلاق به یکی از پنج چالش اصلی اجتماعی کشور تبدیل شد. از جمله مهم‌ترین عوامل طلاق، فقر، بیکاری، اعتیاد و نارضایتی از روابط زناشویی بوده‌اند. طلاق در جامعه پیامدهای منفی مختلفی در ابعاد فردی، خانوادگی، اجتماعی و اقتصادی به وجود می‌آورد که از جمله مهم‌ترین موضوعات می‌توان به ترس از آینده و احساس گناه، ارتکاب جرم و بزهکاری و مشکلات تربیتی فرزندان، اعتیاد و فحشا و خودکشی و همچنین افزایش زنان سرپرست خانوار و به تبع آن افزایش عرضه نیروی کار زن اشاره نمود.

ایجاد اشتغال برای جوانان با توسعه بسترهای کارآفرینی و کاهش فقر و بیکاری، رعایت اصول همسرگزینی و توجه به همسان‌همسری، حل مسئله اعتیاد در جامعه و همچنین حمایت مالی از زوج‌های جوان می‌بایست در دستور کار مجلس قرار بگیرد.

• اعتیاد

آمارهای رسمی حاکی از آن است که مصرف سالیانه مواد مخدر در کشور حدود ۵۰۰ تن است. هر دقیقه دو کیلو مواد مخدر کشف و هر ساعت ۳۰ فروشنده مواد مخدر و معتاد دستگیر می‌شوند. سن مصرف دخیانیات به دوازده سال و میانگین سن معتادان به حدود بیست سال رسیده است. همچنین آمارها نشان می‌دهند که بیش از شصت درصد جرایم، مرتبط با مواد مخدر بوده و بیش از شش میلیون نفر نیز تحت تأثیر این مواد هستند و روزانه هشت نفر در اثر مصرف مواد مخدر جان خود را از دست داده و هفتاد نفر نیز معتاد می‌شوند.

از منظر آسیب‌شناسی، مواد مخدر یک تهدید راهبردی و چندوجهی است که

با مقتضیات زمان، یکی از چهره‌های آن برجسته‌تر از سایر چهره‌ها می‌شود. این مسئله نه تنها امنیت فردی، بلکه امنیت هستی‌شناختی یا وجودی یک جامعه را نیز مورد تهدید قرار می‌دهد. ایجاد زمینه اشتغال، مهم‌ترین عامل پیشگیری از افزایش مصرف مواد مخدر بوده و از طرفی ارتقای فرهنگی افراد جامعه از طریق ارتقای سطح آموزش و کنترل شدید مرزهای کشور نیز بسیار حائز اهمیت است. توجه به امکانات مورد نیاز مردم ساکن محیط‌های دورافتاده و پایین‌شهر و ایجاد امکانات رفاهی، تفریحی (سینما، استخر، شهر بازی و...) که متناسب با نیاز و وضعیت مردم آن مناطق باشد و نظارت هرچه بیشتر مأموران انتظامی در مناطق حاشیه‌ای و ایجاد امکانات رفاهی و مشاغل مورد نیاز روستاییان در روستاها برای جلوگیری از مهاجرت آن‌ها به شهرها نیز بخشی از مواردی است که پیگیری آن می‌تواند به کاهش این آسیب اجتماعی بیانجامد.

• نابرابری و توزیع ناعادلانه ثروت

از اوایل انقلاب، سیاست‌های دولت در زمینه فقرزدایی مانند توجه به تأمین کالاهای اساسی به قیمت یارانه‌ای، زیرپوشش قراردادن افراد نیازمند در قالب سازمان بهزیستی، کمیته امداد امام خمینی (ره) و نظایر آن، ایجاد تعاونی‌های مسکن، گسترش بیمه اجتماعی، گسترش خدمات آموزشی رایگان و مانند آن تا حدودی در کاهش فقر مؤثر بوده است. مسلماً امحاء کامل فقر نیازمند پیش‌شرط‌های فراوانی است که با شرایط خاص و در گرو رشد و توسعه اقتصادی محقق می‌شود. با استناد به گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، متأسفانه در سال‌های اخیر با توجه به کاهش ارزش پول و تورم بالا، ۲۳ تا ۴۰ درصد از مردم کشور زیر خط فقر قرار گرفته‌اند. این اتفاق، تبعات اجتماعی زیادی را ایجاد کرده و منجر به ناهنجاری‌های متعددی در جامعه می‌شود.

از دید کارشناسان، مواردی چون اجرای محلی و منطقه‌ای سیاست‌های کلان و برنامه‌ریزی‌های فراگیر فقرزدایی که منجر به انعطاف‌پذیری برنامه‌ها جهت هماهنگی با امکانات، استعدادها و نیازهای منطقه‌ای و محله‌ها خواهد شد و

همچنین پرهیز از تمرکزگرایی موجود و ایجاد زمینه برای مشارکت گروه‌های هدف و همین‌طور جایگزینی منابع درآمدزا در حوزه اشتغال به جای در اختیار قراردادن کمک‌های نقدی و غیرنقدی، نقش بسزایی در کاهش نابرابری درآمدی و فقر خواهد داشت.

از طرف دیگر، ایجاد سیاست‌های اجتماعی در توانمندسازی و توجه به قابلیت‌های افراد کم‌برخوردار در جهتی که آنان قادر به کنترل شرایط و احیای زندگی خود باشند و ایجاد سیاست اجتماعی در جهت عدم انفعال طبقه فقیر و درگیرکردن آنان با یک زندگی پویا که به تدریج زمینه تحرک و فعالیت آنان را نیز فراهم کند، می‌تواند در این امر بسیار مؤثر باشد.

کنترل و نظارت بر اقتصاد رفتاری بازیگران در حوزه اجتماعی

برای از بین بردن یک معضل اجتماعی راهکارهایی اندیشیده و در نهایت اجرا می‌شوند. در هنگام اجرا باید افراد، سازمان‌ها یا نهادهایی که از این راهکار منتفع می‌گردند بررسی و ارزیابی شوند تا در صورتی که منافعی را دنبال می‌کنند که خود باعث به وجود آوردن معضلات اجتماعی می‌گردند، با آن‌ها مقابله شود. سیاست کلی باید به نحوی شکل بگیرد که برای حل یک مسئله اجتماعی، درآمد افراد با کم شدن آن معضل افزایش یابد؛ یعنی در صورتی سازمان‌ها منتفع گردند که تعداد افراد درگیر در این معضل کاهش یابد. در غیر این صورت سازمان‌هایی که برای کنترل و بهبود آن معضل به وجود آمده‌اند، خود نقش افزایش دهنده آن معضل را خواهند داشت.

برای مثال می‌توان به برخی از کمپ‌های ترک اعتیاد که خود آن‌ها تأثیر بیشتری در افزایش تعداد معتادان - به دلیل توزیع داروهای ترک اعتیاد در بین توزیع‌کنندگان مواد یا استفاده از داروهایی که به ترک اعتیاد فرد مصرف‌کننده کمکی نمی‌کند - دارند اشاره نمود.

پیری جمعیت

جمعیت یک کشور زمینه ساز پیشرفت و بروز استعداد های آن کشور محسوب می شود. جمعیت به عنوان عامل نیروی کار و توسعه اقتصادی - اجتماعی، معیاری از اقتدار یک جامعه و ابزاری بازدارنده در برابر تهدیدات خارجی برشمرده می شود. افزایش جمعیت در بازه های زمانی چند ده سال طبق برنامه ای مشخص اتفاق می افتد. با این حال، آن چه در سال های پس از انقلاب اسلامی و برنامه ریزی همه جانبه اقتصادی، سیاسی و فرهنگی در کشور ما دنبال شد، سیاست کاهش جمعیت بود!

روند فعلی جمعیت در ایران، در آینده کشور را با بحران «پیری جمعیت» روبه رو خواهد ساخت و در آن شرایط علاوه بر هزینه های ناشی از نگهداری و مراقبت از سالمندان، هزینه های ناشی از کمبود نیروی کار داخلی و ضعف در تولید نیز گریبان کشور را خواهد گرفت. غیر از هزینه های سنگین اقتصادی، تبعات منفی اجتماعی زیادی نیز بر کشور تحمیل خواهد شد.

مطالعه بیشتر

- گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس با عنوان «عمده‌ترین مسائل کشور (اولویت‌ها و راهبردهای مجلس شورای اسلامی در دوره دهم)»
- مقاله «نقش رسانه‌ها در پیشگیری از سوء مصرف مواد مخدر»
- مقاله «بررسی تحلیلی روند تحولات طلاق در کشور؛ عوامل و پیامدها»
- درسنامه اعتیاد و راه‌های پیشگیری از آن
- مقاله «پدیده فقر و نابرابری اجتماعی»
- مقاله «مسائل و مشکلات فقر در ایران»

کمیسیون اقتصادی

حوزه‌های فعالیت کمیسیون

اقتصاد و دارایی

بازرگانی داخلی

بازرگانی خارجی

بر همه ما لازم است درباره این که «اقتصاد چیست و چگونه زندگی روزمره مردم ما را تحت تأثیر قرار می دهد؟» چیزهایی بدانیم؛ چراکه اقتصاد، ارتباط تنگاتنگی با زندگی ما دارد. اقتصاد را می توان به عنوان تنها سنگری که انقلاب اسلامی هنوز نتوانسته است آن را فتح کند، شناخت؛ به همین خاطر مقام معظم رهبری در سالیان گذشته عناوین اقتصادی مختلف برای سال ها انتخاب نموده اند و با ایجاد گفتمانی همچون اقتصاد مقاومتی بر اهمیت این مسئله تأکید نموده اند. اگر بخواهیم از اوضاع اقتصادی کشور سخن بگوییم، متأسفانه اخبار خوبی وجود ندارد. در چهار دهه گذشته به دلیل سیاست های نادرست مسئولان و ساختار اقتصادی ضعیف، شاهد تورم دورقمی مزمین در اقتصاد هستیم. این تورم مسلماً بر ارزش دارایی مردم تأثیر گذاشته و سبب کاهش ارزش دست رنج مردم می شود. با توجه به نظرات اقتصاددانان، دلیل اصلی این تورم، رشد افسارگسیخته نقدینگی در کشور است که مسبب اصلی این رشد نیز بانک ها و شبکه بانکی است.

یکی دیگر از مشکلاتی که اقتصاد کشور با آن مواجه است، بی ثباتی و عدم اطمینان در اقتصاد است. زمانی که این دو مؤلفه در اقتصاد وجود داشته باشد، سرمایه گذاری در آن اتفاق نخواهد افتاد و بنابراین نباید انتظار رشد و توسعه را از چنین اقتصادی داشت. یکی از دلایل اصلی بی ثباتی و عدم اطمینان در اقتصاد، ناپایداری در درآمدهای دولت است. نفت، مهم ترین منبع درآمدی دولت ها در دهه های گذشته بوده است. این مسئله منجر به وابستگی شدید درآمد دولت به قیمت نفت و ارزش دلار می شود. همچنین درآمد مفت نفت برای دولت، سبب می شود هیچ دولتی به سمت درآمدهای پایدار نرود.

با این حال اگر بخواهیم مهم ترین مسائل اقتصادی را با توجه به وضعیت کشور شناسایی و مورد بحث قرار دهیم، به عقیده بسیاری از کارشناسان، مسائل حوزه

بانک، بودجه و ارز، مهم‌ترین مسائل اقتصادی کشور هستند. در این بخش مسائل مهم حوزه بانک و ارز مورد بررسی قرار می‌گیرد و مسائل حوزه بودجه در کمیسیون برنامه و بودجه مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

مسائل اولویت‌دار حوزه بانک

کنترل خلق پول بانک‌ها

دیدگاه رایج در مورد بانک که در کتاب‌های اقتصادی نیز مطرح شده است، این است که بانک، یک واسطه مالی است؛ به گونه‌ای که پول افرادی را که نزد او به صورت سپرده قرار داده‌اند به افرادی که متقاضی وام هستند می‌دهد. مطابق این دیدگاه، بانک مرکزی توانایی کنترل پول خلق شده توسط بانک‌ها را دارد. به عبارت دیگر، پول به صورت درون‌زا خلق می‌شود.

اما برخلاف دیدگاه رایج، در واقعیت، بانک‌ها واسطه مالی نیستند. بانک‌ها به دلیل قدرت خلق پولی که دارند، از هیچ، پول خلق می‌کنند. طبق این دیدگاه، بانک جهت اعطای وام، بدون کم کردن مبلغی از یک حساب، اعتبار جدیدی به حساب دیگری تخصیص می‌دهد. بنابراین بانک بدون این‌که سپرده جدیدی جذب کند، با افتتاح حساب و تخصیص وام، خلق پول می‌کند.

با توجه به این قدرت خارق‌العاده، بانک بخش اعظم خلق پول را به فعالیت‌های کم‌ریسک و پُر بازده اختصاص می‌دهد و معمولاً به بازارهای غیرمولد مانند خرید و فروش ملک و زمین، بازار سکه و ارز و... ورود می‌کند. در واقع مسیر حرکت بانک به دلیل منفعتی که دارد، به ضرر اقتصاد کشور است و سبب بی‌ثباتی و نوسان در اقتصاد می‌شود.

خلق پول در صورتی که به صورت کنترل شده باشد و در خدمت بخش‌های مولد و محرک اقتصاد قرار گیرد، می‌تواند سهم بسزایی در رشد و توسعه اقتصاد فراهم کند. با این حال به دلیل ضعف حکمرانی بانک مرکزی، در حال حاضر بیش از نود درصد پول خلق شده خارج از کنترل بانک مرکزی است.

کنترل بانک‌ها در افزایش سود سپرده

با ورود بانک‌های خصوصی در دهه هشتاد به شبکه بانکی، رقابت بانک‌ها بر سود سپرده‌ها شکل گرفت. بانک‌های خصوصی برای افزایش سهم خود در بازار، بدون توجه به دستورات بانک مرکزی اقدام به اعطای سودهای بیشتر از بانک‌های دولتی کردند؛ از این رو توانستند با این روش مقدار قابل توجهی از سپرده‌های بانکی را به خود جذب کنند. به مرور بانک‌های دولتی به منظور جلوگیری از خروج سپرده، اقدام به افزایش سود سپرده نمودند. افزایش سود سپرده سبب بروز مشکلات عظیمی در اقتصاد می‌شود:

• رشد نقدینگی و تورم

سود متعلق به سپرده‌ها به مجموع نقدینگی افزوده می‌شود؛ بنابراین زمانی که سود بیشتری به سپرده‌ها تعلق می‌گیرد، نقدینگی با نرخ بیشتری افزایش می‌یابد. چنانچه رشد نقدینگی متناسب با نیاز واقعی اقتصاد (رشد اقتصادی) نباشد، تورم در جامعه پدید می‌آید. در سال‌های اخیر نیز دلیل جهش قیمتی در اقتصاد، رشد بیش از حد نقدینگی بود.

• کاهش سرمایه‌گذاری

سرمایه‌گذاری در بانک فاقد ریسک است و سود حاصل از آن نیز معاف از مالیات است، به همین دلیل صاحبان سرمایه به سرمایه‌گذاری در بانک تشویق می‌شوند؛ از این رو به مرور زمان بخش تولید با مشکل تأمین مالی مواجه می‌شود و نرخ بیکاری در اقتصاد افزایش می‌یابد. به بیان ساده‌تر، فعالیت‌هایی که بازدهی کمتر از سپرده‌گذاری در بانک دارند، به مرور از بین می‌روند و میزان سرمایه‌گذاری کاهش می‌یابد.

لازم به ذکر است نرخ بالای بهره در شبکه بانکی سبب ایجاد شکاف میان درآمدها و هزینه‌های بانک‌ها شده است و شبکه بانکی را به ورطه فلج سیستماتیک خواهد کشاند.

هدایت اعتبار

هدایت اعتبار مفهوم جدیدی است که اخیراً در کشور توسط برخی از اقتصاددانان مطرح شده است و با هدایت نقدینگی متفاوت است. هدایت نقدینگی به سمت چپ ترازنامه بانک‌ها - سپرده مردم - و به رفتار دارنده پول مرتبط است و می‌توان گفت تقریباً امری ناممکن است، زیرا برای هدایت نقدینگی باید بر تصمیمات مردم در خصوص محل سرمایه‌گذاری تأثیر گذاشت، اما هدایت اعتبار برخلاف هدایت نقدینگی به رفتار دارندگان پول - مردم - ارتباط ندارد، بلکه بر رفتار بانک قبل از خلق اعتبار متمرکز است. در واقع هدایت اعتبار به طراحی یک نظام انگیزشی برای بانک‌ها به منظور جهت‌دهی به رفتار آن‌ها با هدف همگرایی بیشتر خلق پول بانکی با اولویت‌های توسعه می‌پردازد.

مسئولیت اجرای این سیاست به بانک مرکزی ارتباط دارد و ابزار او برای اثرگذاری بر رفتار بانک‌ها، پایه پولی است. با اجرای سیاست هدایت اعتبار، بخش زیادی از ظرفیت وام‌دهی جدید به بخش‌های اولویت‌دار و توسعه‌ای کشور اختصاص می‌یابد و این سبب بزرگ‌تر شدن کیک اقتصاد و خروج کشور از رکود خواهد شد.

کنترل دارایی موهومی بانک‌ها

در حال حاضر ترازنامه شبکه بانکی کشور در وضعیت بسیار نامناسبی قرار دارد. از یک سو بدهی‌های بانک‌ها (که عمدتاً شامل سپرده‌های بخش غیردولتی است) با سرعت بالایی (تقریباً برابر با نرخ سود پرداختی بانک‌ها) در حال رشد است. از سوی دیگر به دلیل کاهش نرخ رشد اسمی اقتصاد، قابلیت رشد ارزش دارایی‌های بانک‌ها (که عمدتاً شامل تسهیلات و سرمایه‌گذاری‌های بانک‌ها است) به شدت محدود شده است.

بخش بزرگی از دارایی‌های بانک از نوع دارایی‌های موهومی هستند. منظور از دارایی‌های موهومی، اقلامی است که اساساً مابازای خارجی ندارند، ولی در ترازنامه بانک‌ها به عنوان دارایی درج شده‌اند؛ به عنوان مثال مطالبات سوخت‌شده بانک‌ها که جاری (یا در بهترین حالت، معوق) فرض شده‌اند و همچنین مستغلات

معامله (و ثبت) شده، با ارقامی به مراتب بیش از ارزش واقعی آن‌ها، نمونه‌هایی از «دارایی‌های موهومی» بانک‌ها است که به دلیل عدم تعهد کافی مدیران بانک و حساب‌برسان مستقل و ضعف نظارت بانک مرکزی شکل گرفته‌اند. وجود دارایی‌های موهومی در بانک، موجب کاهش قدرت بانک در اجابت تقاضای جدید برای دریافت وام و اعتبار خواهد شد، چراکه بخش مهمی از قدرت اعتباردهی وی از ناحیه بقای دارایی‌های موهومی اشغال شده است؛ از این رویکی از چالش‌هایی که نظام بانکی کشور با آن روبه‌رو است، حجم قابل توجه دارایی‌های موهومی است که روز به روز به دلیل عملکرد بسیار بد بانک‌ها در حال افزایش است و باید حجم آن به طور دقیق مشخص شود و راه‌حلی برای تبدیل آن به دارایی‌های جاری پیدا کرد.

ساماندهی تراکنش‌های بانکی

در حال حاضر حدود ۵۰۰ میلیون حساب بانکی در شبکه بانکی کشور وجود دارد؛ یعنی به ازای هر فرد، به طور میانگین بیش از شش حساب وجود دارد. این در حالی است که هیچ‌گونه نظارتی بر این حساب‌ها صورت نمی‌گیرد؛ این عدم نظارت بر حساب‌های بانکی بستری برای فسادهای مالی در اقتصاد مهیا کرده است.

سلطان سکه، سلطان قیر، عابر بانک فوتبال و... اسامی مستعاری هستند که مردم در رسانه‌ها شنیده‌اند و این موضوع، ضعف سیستم بانکی کشور را نمایش می‌دهد. این افراد با اجاره کردن حساب افراد بی بضاعت نظیر کارتن خواب‌ها یا سوءاستفاده از حساب کودکان و سالمندان، مفاسد خود را از چشم نهادهای ناظر دور نگه می‌دارند؛ به این صورت که با خرد کردن پول‌هایشان در حساب‌های متعدد به جای یک حساب، تراکنش‌های خود در روند فساد را پنهان کنند. در واقع این افراد با استفاده از حساب‌های نیابتی اقدام به پول‌شویی و فساد نموده‌اند، بدون این‌که بار حقوقی برایشان ایجاد شود. با این حال برای جلوگیری از پول‌شویی و فرارهای مالیاتی باید در مورد ساماندهی تراکنش‌های بانکی چاره‌ای اندیشیده شود.

مسائل اولویت‌دار حوزه ارز

برقراری پیمان دوجانبه

ضرورت عدم وابستگی به یک نوع ارز خاص و مشخصاً دلار، ایجاب می‌کند که ایران نیز همچون بسیاری از کشورها برای انجام مبادلات خود با برقراری پیمان پولی دوجانبه با کشورهای مختلف، استفاده از پول محلی را جایگزین دلار کند. ایجاد پیمان‌های پولی دوجانبه پس از بحران مالی سال ۲۰۰۸ مورد توجه بسیاری از کشورهای جهان قرار گرفته است.

نکته جالب این است که کشورهایی نظیر چین، کره جنوبی و روسیه که در دسترسی به حساب‌های دلاری یا یورویی با مشکل مواجه نیستند، اصراری بر تکیه بیش از حد به این ارزها ندارند. بنابراین جمهوری اسلامی ایران که به دلیل وضع تحریم‌ها و وجود مشکلات متعدد اقتصادی و سیاسی با بحران ارزی روبه‌رو است، باید بیشتر از سایر کشورها به فکر متنوع‌کردن ارزهای مبادلاتی خود باشد. در واقع پیمان پولی دوجانبه یکی از راه‌های متنوع‌سازی سبد ارزی کشور است و این تنوع‌سازی، ایمنی تجارت بین‌الملل را - علی‌الخصوص در شرایط تحریم - بیشتر می‌کند.

آزادسازی نرخ ارز با توجه به قدرت خرید

یکی از معضلات کشور در این چند دهه سال اخیر، افزایش ناگهانی قیمت ارز است. برخی از اقتصاددانان معتقدند دولت باید از سرکوب نرخ ارز رسمی (مبادله‌ای) دست بردارد و با توجه به نرخ برابری قدرت خرید، قیمت ارز را هر ساله متناسب با تورم افزایش دهد. براساس یک تبیین از تئوری برابری قدرت خرید، نرخ واقعی ارز در یک کشور از طریق معادل‌سازی قیمت یک سبد کالا در خارج با قیمت داخلی آن به دست می‌آید و این قیمت هر ساله باید با توجه به تفاوت تورم دو کشور تغییر کند.

برخی مخالفان این نظریه معتقدند در کشورهای در حال توسعه که امکان شرایط تولید و رقابت به خوبی شکل نگرفته است، افزایش نرخ ارز به تورم دامن می‌زند و

موجب سقوط ارزش پول ملی و رونق گرفتن کسب و کارهای غیرمولد می شود. در مجموع، برابری قدرت، یک نوع نگاه برای پاسخ به چرایی رخ دادن جهش های ارزی و ارائه راه حل برای رفع آن است. در مورد مسئله ارزش گفته ها زیاد است و در بین کارشناسان نیز صحبت های مختلفی مطرح می شود. دولت و مجلس می بایست در این حوزه با شنیدن سخنان کارشناسان مختلف تصمیمات صحیحی را اتخاذ نمایند و از تصمیماتی که عدم انجام آن مورد توافق اکثریت کارشناسان است (مانند دلار ۴۲۰۰ تومانی) اجتناب نمایند.

مطالعه بیشتر

- گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس با عنوان «اعسار پنهان در نظام بانکی ایران، چیستی، ابعاد و ریشه‌ها»
- مقاله دکتر مجید شاکری با عنوان «سیاست‌گذاری هدایت اعتبار، MMT و اقتصاد حرکت‌کننده با سرمایه‌گذاری» در پایگاه خبری-تحلیلی اقتصاد آنلاین
- مقاله دکتر حسین درودیان با عنوان «چرا تجویزهای ضد خلق پول همراه‌کننده است؟ سخنی با مروجان پیشنهادات ضد خلق پول» در مؤسسه مطالعات و تحقیقات مبین
- مقاله محسن یزدان‌پناه با عنوان «درس‌های دوران طلایی سرمایه‌داری برای تلاطم‌های اجتماعی امروز ما؛ نظام اعتباری، هم ریشه بحران و هم ابزار حل آن» در مؤسسه مطالعات و تحقیقات مبین
- گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس با عنوان «بررسی لایحه بودجه سال ۱۳۹۹ کل کشور؛ نکات مهم و محورهای تصمیم‌گیری (ویرایش اول)»
- مقاله «آثار متغیرهای حقیقی و پولی-مالی بر نرخ سود سپرده بانکی ایران»
- مقاله «تأثیر ناطمینانی نرخ ارز بر تقاضای پول در ایران»
- مقاله «رقابت‌پذیری مبتنی بر نرخ ارز مؤثر واقعی در ایران»

کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی

حوزه‌های فعالیت کمیسیون

سیاست و روابط خارجی

دفاع

اطلاعات و امنیت

الگوی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران مبتنی بر یک سری اصول تعریف شده است. اصولی که قواعد عمومی و جاویدان بوده و با گذشت زمان در هیچ شرایطی از اعتبار نمی افتند و اهداف و جهت گیری های سیاست خارجی را شکل می دهند. اصول اساسی، خروجی ایدئولوژی دینی است و مبتنی بر قرآن و سیره اهل بیت علیهم السلام، قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و بیانات امام خمینی رحمته الله علیه می توان اصولی را برای سیاست گذاری در این حوزه برشمرد که همواره می بایست در روح تمامی تصمیمات حاکم باشند و نفی هرگونه سیاست مخالف این قواعد و اصول از وظایف نمایندگان ملت است. نفی سلطه گری و سلطه پذیری، ظلم ستیزی و استکبارستیزی، حمایت از مستضعفان و جنبش های آزادی بخش، حمایت و دفاع از مسلمانان، هم زیستی مسالمت آمیز و صلح طلبی، عدم مداخله در امور داخلی کشورها و احترام متقابل و تعهد به قراردادها و قوانین بین المللی از جمله اصولی است که برای سیاست خارجی در منابع اصیل اسلامی ذکر می شود. جهت گیری کلی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران که می بایست در رفتارها، تصمیمات و اقدامات دستگاه دیپلماسی کشور تجلی نماید نیز در ابتدای انقلاب مشخص شده است. راهبردی که به صورت یک شعار اساسی در آمده و حتی در سردر تمامی دفاتر رسمی وزارت خارجه نیز نمود پیدا کرده است؛ راهبرد نه شرقی و نه غربی. اصل ۱۵۲ قانون اساسی، راهبرد جمهوری اسلامی را عدم تعهد در برابر قدرت های سلطه گر تعریف کرده و هرگونه امتیازدهی به قطب های قدرت جهانی و اتحاد و ائتلاف (مخصوصاً در بُعد نظامی) با آنان را نفی می نماید. اصل ۱۴۶ قانون اساسی نیز تصریح می نماید که استقرار هرگونه پایگاه نظامی خارجی در کشور هرچند به عنوان استفاده های صلح آمیز باشد، ممنوع است. این اصول و راهبردها میزان و معیار هر تصمیم در حوزه سیاست خارجی هستند و باید در چالش های مختلف به آن ها رجوع کرد.

امنیت ملی و حفظ و حراست از تمامیت ارضی و استقلال نظام و صیانت از ملت نیز مطابق اصل سوم قانون اساسی یکی از اصلی‌ترین وظایف دولت است که با نظارت مجلس و تقویت بسترهای سازنده آن (نیروه‌های امنیتی، نظامی و اطلاعاتی) و نصب قوانینی برای جلوگیری از خدشه به آن محقق می‌شود.

رفع پارادوکس گفتمانی در حوزه دیپلماسی عمومی

یکی از اصلی‌ترین شاخصه‌های انقلاب اسلامی، چالش گفتمانی با غرب و کشورهای همسو با غرب در منطقه است. گفتمانی که علی‌رغم قدرت نفوذ بالقوه‌ای که دارد، نتوانسته است حد خوبی از بازدارندگی را برای کشور ایجاد نماید و در منطقه توسعه پیدا کند. انفعال جمهوری اسلامی در بعضی رخداد‌های سیاسی منطقه و جهان به خاطر پارادوکس حاکمیت در ارائه گفتمان انقلاب است و نمی‌توان انتظار داشت که در سایه این تعارض، سیاست فعال و اقدام ایجابی مناسب در حوزه سیاست خارجی شکل بگیرد. حتی گاهی مشاهده شده است که این مشکل منجر به تبدیل یک فرصت به تهدید شده است؛ اتفاقات اخیر در عراق نشان‌گر این موضوع است. حضور نظامی ایران در عراق کافی نبود و می‌بایست در حوزه دولت‌داری و تعامل با شبکه‌های نخبگانی و اجتماعی بهتر عمل می‌شد که در سایه تعارض گفتمانی موجود در حاکمیت، فرصت‌ها تبدیل به تهدید نشوند. در غنی‌بودن ظرفیت گفتمان انقلاب اسلامی شکی نبوده و جذب قلوب انسان‌های آزادی‌خواه از آفریقا تا اروپا و دشمنی ادامه‌دار مستکبران نشانه آن است، اما عدم وجود یک استراتژی عملیاتی مشخص مبتنی بر گفتمان اصلی انقلاب، منجر به رویکرد انفعالی فعلی شده است. رفع پارادوکس فعلی نیاز به همت تمامی ارکان نظام و نمایندگان مردم دارد.

توسعه دیپلماسی اقتصادی

دیپلماسی اقتصادی به آن بخش از فعالیت‌های اقتصادی در روابط خارجی یک دولت اطلاق می‌شود که در شناسایی و ایجاد فرصت‌های اقتصادی - به‌ویژه

در حوزه به کارگیری فرصت ها و مزیت های جهانی و نیز کسب سهمیه در بازارهای صادراتی برای تولید داخلی - تأکید دارد. یکی از سیاست های کارآمد راهبردی برای کسب امتیاز در صحنه رقابت اقتصاد جهانی برای پیشرفت اقتصادی، از تلاقی دو حوزه اقتصاد و سیاست خارجی به عنوان دیپلماسی اقتصادی حاصل می شود. در اسناد بالادستی مانند سیاست های کلی اقتصاد مقاومتی نیز بر اهمیت این حوزه تأکید شده است. بند دوازده سیاست های کلی اقتصاد مقاومتی، افزایش قدرت مقاومت و کاهش آسیب پذیری اقتصاد کشور را از سه طریق زیر میسر می داند.

- توسعه پیوندهای راهبردی و گسترش همکاری و مشارکت با کشورهای منطقه و جهان به ویژه همسایگان؛

- استفاده از دیپلماسی در راستای حمایت از اهداف اقتصادی؛

- استفاده از ظرفیت های سازمان های بین المللی و منطقه ای؛

استفاده از دیپلماسی اقتصادی در زمان تحریم، اهمیت و ضرورت بیشتری پیدا می کند. دیپلماسی اقتصادی به دنبال تبدیل کردن منابع قدرت موجود در حوزه اقتصاد به قدرت واقعی و در نتیجه افزایش اقتدار یک ملت است. نیاز اساسی در این باره مشخص شدن اصول و راهبردهای دیپلماسی اقتصادی است که براساس آن بتوان برنامه ریزی عملیاتی انجام داد و اهداف پیش بینی شده را محقق کرد. با توجه به تأکیدات بسیار بر ضرورت هم افزایی میان حوزه اقتصاد و دیپلماسی در سالیان اخیر، تاکنون سند یا نقشه ای که این هم افزایی را تبیین و تدقیق کند تهیه نشده است.

در راه توسعه دیپلماسی اقتصادی، سفارت خانه ها به عنوان یک منبع بالقوه در کشور میزبان می توانند با شناسایی ظرفیت های بالقوه اقتصادی در کشور میزبان زمینه های سرمایه گذاری های خارجی را برای کشور خود فراهم نمایند. از طرفی تعامل گسترده با کشورهای همسایه، منطقه و اسلامی با توجه به مشترکات تاریخی، زبانی و مذهبی و مرزهای زمینی گسترده و مناسبات دیرینه اقتصادی و سیاسی و ایجاد و استفاده از بستر سازمان ها و نهادهای منطقه ای و فرمانطقه ای نیز

از فرصت‌هایی هستند که به واسطه اراده مسئولان قابلیت پیگیری دارند و نقش مجلس نیز در شکل‌دهی این اراده بی‌بدیل است.

توسعه استفاده از مدل‌های تجاری که به سازوکارهای بین‌المللی وابستگی نداشته باشند؛ مانند استفاده از پیمان‌های دوجانبه تجاری و ارزی و استفاده از ظرفیت‌های صادراتی تحریم‌ناپذیر مانند صادرات گاز (این تحریم‌ناپذیری به واسطه وابستگی‌های امنیتی و اقتصادی و همچنین قراردادهای بلندمدت ایجاد می‌شود) و اقدامات دیگری که با منطق فوق تحقق می‌یابند نیز می‌بایست در اولویت‌های کاری مسئولان در مجلس و دولت قرار گیرد.

تقویت منطقه‌گرایی

رهبر معظم انقلاب در بخشی از سخنان خود در دیدار مجمع عالی فرماندهان سپاه در مهرماه سال ۱۳۹۸ می‌فرمایند:

این نگاه وسیع جغرافیای مقاومت را از دست ندهید؛ این نگاه فرامرزی را از دست ندهید. قناعت نکنیم به منطقه خودمان. «مَا غَزَى قَوْمٌ قَطُّ فِي عَقْرِ دَارِهِمْ إِلَّا ذَلُّوا» این حدیث از معصوم علیه السلام است که آن کسانی که در خانه نشستند تا به آن‌ها حمله بشود، دچار ذلت شدند. این جوری نباشد که یک چهاردیواری را انتخاب کنیم و دیگر کارمان به این نباشد که پشت این دیوار چه کسی است، چه تهدیدی وجود دارد. این نگاه وسیع فرامرزی، این امتداد عمق راهبردی گاهی اوقات از واجب‌ترین واجبات کشور هم لازم‌تر است که مورد توجه قرار بگیرد که خیلی‌ها متوجه به این نیستند، خیلی‌ها توجه به این ندارند.

ویژگی‌های دفاع رو به جلوی ایران تا به حال در حد و اندازه تبدیل شدن ایران به یک بازیگر منطقه‌ای فعال بوده است؛ اکنون این نتیجه به دست آمده و دشمن به دنبال جلوگیری از تثبیت و نهادینه شدن این وضعیت است. اقتضای دکترین جدید راهبردی انقلاب اسلامی این است که فراتر از تثبیت این قدرت در منطقه خود، به دنبال تقویت نقش در ایجاد همان الگوی موفق باشد که انقلاب اسلامی

را تا به این مرحله از قدرت رسانده است. البته در رویکرد منطقه‌گرایی می‌بایست به تمام ابعاد نظامی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی جامعه هدف توجه شود، زیرا غفلت از ابعاد مختلف، می‌تواند منجر به نتایج نامطلوب شود.

تعیین تکلیف در نوع مواجهه با سازمان‌ها و نهادهای بین‌المللی

سازمان بین‌المللی عبارت است از اجتماع نهادهای گروهی از کشورها که به منظور تحقق هدف‌های معین و مشترک در زمینه‌های مختلف اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و... با یکدیگر همکاری می‌کنند. مبنای تأسیس هر سازمان بین‌المللی «معاهده مؤسس» است که به منزله اساسنامه آن سازمان است. این سازمان‌ها معمولاً در ذیل چتر کشورهای بزرگ فعالیت کرده و بدون حمایت آن‌ها کاری از پیش نمی‌برند. سازمان‌های بین‌المللی یا در محدوده منطقه‌ای یا در محدوده جهانی به فعالیت می‌پردازند. سازمان ملل متحد، اوپک و جنبش عدم تعهد از مهم‌ترین سازمان‌های جهانی و سازمان کنفرانس اسلامی از مهم‌ترین سازمان‌های منطقه‌ای هستند که ایران در آن عضویت دارد. جمهوری اسلامی در سازمان تجارت جهانی و سازمان همکاری‌های شانگهای نیز به عنوان عضو ناظر پذیرفته شده است.

مسئله‌ای که در این بخش به آن پرداخته می‌شود، بلا تکلیفی گفتمانی جمهوری اسلامی در مواجهه با این سازمان‌ها و نهادهای بین‌المللی است که گهگاه نیز در حوزه‌های مختلف، پیوستن یا نپیوستن جمهوری اسلامی به این معاهدات مورد بحث و گفتگو قرار می‌گیرد. براساس اصل ۷۷ قانون اساسی، عهدنامه‌ها، مقاوله‌نامه‌ها، قراردادها و موافقت‌نامه‌های بین‌المللی باید به تصویب مجلس شورای اسلامی برسد که این موضوع جایگاه ویژه مجلس را در این حوزه مشخص می‌نماید. مسائلی مانند پیوستن به معاهده پاریس، پیوستن به سازمان تجارت جهانی، پذیرش سند ۲۰۳۰ یا تعامل با گروه ویژه اقدام مالی (FATF) از مسائلی است که با گوش همگان آشناست.

رهبر معظم انقلاب در دیدار خود با نمایندگان مجلس در خردادماه ۱۳۹۷ رویکرد

خود را در مواجهه با معاهدات بین‌المللی این‌گونه شرح می‌دهند:

من اشاره کنم به این مسائل کنوانسیون‌ها و این معاهدات بین‌المللی. ببینید! این معاهدات بین‌المللی که به آن در لغت فرنگی گفته می‌شود کنوانسیون، در اصل در یک نقطه‌ای پخت و پز می‌شود که اطراف قضیه - من باب مثال، آن ۱۰۰ کشور یا ۱۵۰ کشور که بعداً به آن می‌پیوندند - هیچ تأثیری در آن پخت و پز اولیه ندارند. یک جایی بالأخره چند قدرت بزرگ در مجموعه‌های هیئت‌های فکری شان - به قول خودشان اتاق فکرشان - می‌نشینند برای یک منافع و مصالحی که برای خودشان تعریف کردند، یک چیزی را پخت و پز می‌کنند، بعد این را به وسیله دولت‌هایی که همسوی با آن‌ها هستند یا مرعوب آن‌ها هستند یا دنباله‌روی آن‌ها هستند و خیلی منفعی هم در این کار ندارند، تصویب می‌کنند. اگر یک دولت مستقلاً هم پیدا بشود - حالا مثل جمهوری اسلامی - که مثلاً بگوید «من این را قبول ندارم؛ این کنوانسیون را، این معاهده بین‌المللی را قبول ندارم»، سرش می‌ریزند که «آقا! ۱۲۰ کشور، ۱۵۰ کشور، ۲۰۰ کشور این را قبول کردند؛ شما چطور قبول نمی‌کنید؟» کنوانسیون‌ها غالباً این [جوراً] است.

اصل ۱۵۳ قانون اساسی نیز بر عدم پذیرش هرگونه قرارداد که موجب سلطه بیگانه بر منابع طبیعی و اقتصادی، فرهنگ، ارتش و دیگر شئون کشور باشد تأکید دارد.

به صورت کلی معاهدات بین‌المللی برای ایجاد یک نظم واحد در حوزه‌ای خاص ایجاد می‌شوند. از آن جایی که کشورهای توسعه‌نیافته غالباً مبتکر و ایجادکننده این معاهدات نیستند، با پیوستن به این معاهدات عموماً محدودیت‌های معاهده را پذیرفته، ولی نمی‌توانند از فرصت‌های آن استفاده کنند. از طرفی نپیوستن به بعضی سازمان‌ها نیز با با جریمه‌هایی همراه است یا فرصت‌هایی را از کشور سلب می‌کند. در داخل کشور نیز عده‌ای همواره در آرزوی پیوستن به تمامی معاهدات موجود بوده و عده‌ای دیگر نیز هرگونه ارتباط با هر سازمانی را نفی می‌کنند. خلأ جدی یک استراتژی هوشمند در مواجهه با سازمان‌های بین‌المللی و استفاده از فرصت‌ها و نفی تهدیدات به خوبی در ساختار کشور حس می‌شود.

استراتژی کشور در مواجهه با تحریم

از ابتدای انقلاب اسلامی، ایران همواره با تحریم‌های یک‌جانبه آمریکا مواجه بوده است و به مرور زمان بر شدت این تحریم‌ها افزوده شده است تا این‌که در سال‌های ۱۳۹۲-۱۳۹۰ تحریم‌های اعمالی به اوج خود رسید. اکنون نیز جامعیت تحریم‌ها روزه‌به‌روز بیشتر می‌شود. باید توجه داشت که به دلیل دشمنی آمریکا با اصل انقلاب اسلامی و دائمی بودن مبارزه انقلاب با استکبار، تحریم به عنوان یک ابزار فشار اقتصادی، همواره مورد استفاده آمریکا برای تغییر رفتار جمهوری اسلامی قرار خواهد گرفت. از طرفی ایده رفع تحریم از طریق مذاکره و حل مسائل در لایه کلان سیاسی نیز با دستاوردهای اندک برجام و در نهایت خروج آمریکا از این توافق با شکست مواجه شد؛ بنابراین هم‌اکنون که با خروج آمریکا از برجام، کشور تحت تحریم‌های مجدد قرار گرفته است، ضروری است جمهوری اسلامی در رویکرد کلان خود نسبت به تحریم‌ها بازنگری اساسی نماید.

به صورت کلی دو رویکرد مشخص در سال‌های اخیر در مواجهه با تحریم‌ها پیگیری شده است. یک رویکرد به دنبال دورزدن تحریم‌ها و یک رویکرد نیز به دنبال رفع تحریم‌ها به واسطه مذاکره با کشورهای غرب بوده است، اما راه سوم و سیاستی که علی‌رغم تأکیدات رهبری مغفول مانده است، سیاست تکیه بر توان داخلی و ظرفیت داخلی با رویکرد بی‌اثرکردن تحریم‌ها است. رهبر معظم انقلاب در دیدار خود با تولیدکنندگان، کارآفرینان و فعالان اقتصادی می‌فرمایند:

با شناختی که از مسائل جبهه استکبار داریم، تحریم‌ها حالا حالاها وجود دارد؛ بنابراین برای نجات اقتصاد کشور نباید منتظر پایان تحریم‌ها و بودن یا نبودن فلان شخص یا اقدام فلان کشور بود. البته دورزدن تحریم‌ها به عنوان یک تاکتیک خیلی خوب است، اما کار و راهبرد اساسی را باید بر مصون‌سازی کشور از آسیب تحریم‌ها متمرکز کرد.

باید توجه داشت که گره‌زدن استراتژی مقابله با تحریم به افراد یا جناح‌های حاکم در آمریکا یا سایر کشورهای غربی یک خطای استراتژیک بوده و موجب معطلی کشور و تضعیف اقتصادی و امنیتی روزافزون کشور خواهد شد؛ از این رو می‌بایست

استراتژی کشور به صورت مشخص در مقابله با تحریم، تدوین و پیاده سازی شود. برای پیاده سازی این مسیر می بایست مقوله تحریم به عنوان یک کارویژه مستقل تعریف شده و در مقابل اتاق فکر وزارت خزانة داری آمریکا، برای مقابله با تحریم به صورت یکپارچه بسته جامعی ارائه شده و بر اجرای دقیق آن توسط دستگاه های ذی ربط نظارت کافی صورت گیرد تا در کوتاه مدت با تاکتیک دورزدن تحریم و در بلندمدت با استراتژی بی اثرکردن تحریم، با این مقوله برخورد شود.

مطالعه بیشتر

- سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، دکتر سید جلال دهقانی فیروزآبادی؛
- مقاله «دیپلماسی اقتصادی، راهبرد مقابله با تحریم های اقتصادی در منظومه اقتصاد مقاومتی»
- تحریم نفت، عبور در کوتاه مدت، بی اثرکردن در بلندمدت، اندیشکده سیاست گذاری امیرکبیر؛
- اصول سیاست خارجی در قانون اساسی؛
- بیانات رهبری در دیدار با تولیدکنندگان، کارآفرینان و فعالان اقتصادی؛
- بیانات رهبری در دیدار نمایندگان و کارکنان مجلس شورای اسلامی؛
- بیانات رهبری در دیدار با مجمع عالی فرماندهان سپاه؛

کمیسیون انرژی

حوزه‌های فعالیت کمیسیون

نفت

گاز

برق

سدها و نیروگاه های آبی و برقی

انرژی اتمی

انرژی نو

در حال حاضر ایران، بزرگ‌ترین دارنده ذخایر هیدروکربوری دنیا (مجموع ذخایر نفت و گاز) به حساب می‌آید. مطابق آمار رسمی و تأییدشده مراجع معتبر بین‌المللی، ایران حدود ۱۵۸ میلیارد بشکه نفت (۹۰۳ درصد از کل منابع نفتی دنیا) و حدود ۳۴ هزار میلیارد مترمکعب گاز (۱۸ درصد منابع دنیا) در اختیار دارد. این در حالی است که ایران از نظر شدت مصرف انرژی^۱ نیز در رتبه اول بوده و انرژی به صورت بهینه در کشور مصرف نمی‌شود. امروزه انرژی به یک ابزار استراتژیک اقتصادی، امنیتی و سیاسی تبدیل شده که نقش تعیین‌کننده‌ای در روابط بین کشورها دارد. در حال حاضر نفت و گاز از تعیین‌کننده‌ترین عوامل تأثیرگذار بر اقتصاد ایران هستند. یکی از مطالبه‌های همیشگی رهبرانقلاب نیز در این حوزه ایجاد اقتصاد بدون نفت است. ایشان می‌فرمایند:

این یک بلای بزرگی است برای کشور؛ یک راه درآمد راحتی است که نفت را از چاه بکشیم بیرون و برویم به یک قیمتی بفروشیم؛ یک درآمد مفت و آسان. از اوّل -از دوران قبل- به این شیوه عادت کرده‌ایم؛ این به ضرر ما تمام شده، واقعاً به ضرر ما تمام شده. کشورهایی هستند که یک قطره نفت هم در آن‌ها تولید نمی‌شود، [ولی] گشتند، راه‌های دیگری را پیدا کردند، راه‌های بهتری را پیدا کردند، به نفعشان تمام شد. نفت اختیارش دست ما نیست، دست تولیدکننده نفت نیست، می‌بینید دیگر؟ نه فقط [هنگام] مسئله تحریم -حالا تحریم یک چیز عارضی است- [حتی] آن وقتی هم که تحریم نیست، نفت در اختیار مصرف‌کننده‌های گردن‌کلفت متعارف دنیا است؛ اختیار نفت دست آمریکا و اروپا و اتباع این‌ها است. قیمت‌گذاری دست آن‌ها است؛ بنابراین ما باید این را در کشور حل کنیم.

با توجه به وجود پتانسیل‌ها و منابع عظیم انرژی در کشور، لزوم پیگیری جدی

۱. مقدار مصرف انرژی به تولید ناخالص داخلی.

اولویت‌های این بخش از طریق فعالان این حوزه بسیار ضروری است که در ادامه به مهم‌ترین مسائل حال حاضر این صنعت از دیدگاه کارشناسان مختلف اشاره شده است.

تشکیل وزارت انرژی برای یکپارچه‌سازی تصمیم‌گیری

در حال حاضر مدیریت بخش انرژی کشور بر عهده چندین نهاد اجرایی مانند وزارت نفت، وزارت نیرو، وزارت صنعت، معدن و تجارت و سازمان انرژی اتمی است که همین عامل باعث ایجاد چالش‌های مختلفی از جمله وجود تلفات غیرقابل قبول در بخش تبدیل، انتقال و توزیع حامل‌های انرژی (به خصوص در شبکه برق کشور)، عدم تدوین برنامه بلندمدت انرژی و نداشتن دیپلماسی انرژی در مقابل کشورهای دیگر شده است. وضعیت نامناسب این عدم تمرکز باعث شد تا بعضاً وزارتخانه‌های نفت و نیرو در صادرات انواع انرژی مانند گاز یا برق به کشورهای همسایه به سمت رقابت مخرب پیش بروند. از طرف دیگر، در روابط وزارت نفت و شرکت ملی نفت، وزارت نفت باید نقش یک نهاد حکمران و تنظیم‌گر را ایفا کند، اما در سال‌های اخیر به دلایل مختلف از جمله روابط مالی وزارت نفت و شرکت ملی نفت، وزارت نفت نقش خود به عنوان یک نهاد حکمران را از دست داده که این موضوع نتایج نامبارکی را برای صنعت نفت کشور در پی داشته است. با این که از لحاظ ساختاری شرکت ملی نفت ذیل وزارت نفت تعریف شده، اما وزارت نفت هنوز به صورت واقعی شکل نگرفته و وزارت موجود چیزی جز یک نام نیست و به طور کامل تحت سیطره شرکت ملی نفت ایران قرار دارد؛ به عنوان مثال، حقوق مدیران این وزارتخانه نیز توسط شرکت ملی نفت تأمین می‌شود که خود گویای نقص این روابط است. بنابراین تشکیل یک وزارتخانه با نام «وزارت انرژی» به عنوان یک نهاد حکمرانی با هدف تعیین نقشه راه، یکپارچه‌سازی تصمیم‌گیری در بخش انرژی و نظارت بر شرکت‌های وابسته در کشور ضروری است.

ساخت پالایشگاه و استفاده از پتانسیل صادرات فرآورده

کشورهای غرب آسیا با داشتن ۴۸ درصد منابع نفتی جهان، تنها ۹ درصد از نفت جهان را مصرف می‌کنند. این در حالی است که کشورهای سازمان همکاری و توسعه اقتصادی^۱ با مصرف ۶۲ درصد از نفت جهان و در اختیار داشتن تنها ۷ درصد از ذخایر نفت، نیازمندترین کشورها به انرژی این منطقه هستند. بخش قابل توجهی از این مصرف در کشورهای پیشرفته، ناشی از اقداماتی است که در راستای تبدیل نفت خام به فرآورده انجام می‌شود. یکی از موضوعاتی که سال‌های اخیر بیشتر در مورد آن صحبت شده، توجه به ساخت پالایشگاه و استفاده از پتانسیل بازار داخلی و خارجی فرآورده‌های نفتی به جای خام‌فروشی است. صادرات فرآورده به جای نفت خام در کنار ارزش افزوده‌ای که به واسطه آن ایجاد می‌شود، یکی از راه‌های دورزدن تحریم‌های نفتی علیه کشور است؛ از این رو با پالایش و فرآوری نفت خام و گاز طبیعی علاوه بر تأمین نیاز داخل به فرآورده‌های نفتی و محصولات پتروشیمی (خوراک مایع و گاز)، امکان صادرات این مواد به سایر کشورها و بهره‌بردن از ارزش افزوده حاصل از این کار میسر می‌شود.

از طرفی می‌بایست از خام‌فروشی نفت بدون ایجاد ارزش افزوده به خصوص در شرایط تحریمی فعلی پرهیز کرد، زیرا صادرات فرآورده‌های نفتی به دلیل کوچک بودن حجم محموله‌ها و برد کوتاه بازار آن و همچنین گسترده بودن بازار فروش، یکی از گذرگاه‌های تحریم است؛ بنابراین استفاده از این پتانسیل در حالت کلی به نفع کشور بوده و در شرایط کنونی نیز بسیار حیاتی است. بررسی‌های کارشناسی نشان می‌دهد که تبدیل نفت خام به فرآورده، علاوه بر فوایدی نظیر اشتغال‌زایی، رونق اقتصادی، خروج از رکود سایر صنایع و کم‌اثر شدن تحریم‌های نفتی، موجب سودآوری حداقل دو برابری نسبت به خام‌فروشی نفت و ورود ارز به میزان دو برابر به کشور می‌شود. البته یکی از مشکلات پالایشی کشور، بهینه نبودن زنجیره محصولات پالایشی است؛ بدین معنا که فرآورده‌های سنگین مانند نفت کوره نسبت به فرآورده‌های سبک مانند بنزین حجم بیشتری را تشکیل می‌دهد؛

۱. Organisation for Economic Co-operation and Development – OECD

از این رو بهبود سبد پالایشی کشور یکی از اولویت‌های اصلی این حوزه محسوب می‌شود. طبق گفته‌های عضو هیئت مدیره بانک مرکزی، نقدینگی کشور امسال از مرز ۲۰۰۰ هزار میلیارد تومان عبور کرده است. بنا بر نظر کارشناسان مرکز پژوهش‌های مجلس، تأمین مالی داخلی برای افزایش دو میلیون بشکه در روز به ظرفیت پالایش و پتروپالایش نفت کشور، نیازمند حدود چهل میلیارد دلار معادل چهارصد هزار میلیارد تومان سرمایه است که با توجه به نقدینگی موجود در جامعه، طی یک بازه زمانی مشخص قابل هدایت و جمع‌آوری است. بنابراین با توجه به تصویب طرح حمایت از پالایشگاه‌ها در تابستان ۱۳۹۸ توسط مجلس شورای اسلامی، نظارت بر اجرای این قانون جهت دستیابی هرچه سریع‌تر به اهداف ذکر شده و برطرف‌سازی مشکلات احتمالی موجود در این مسیر از جمله وظایف نمایندگان مجلس شورای اسلامی است.

صادرات گاز

دیپلماسی انرژی به معنای استفاده از انرژی به عنوان ابزاری برای رسیدن به قدرت سیاسی است. در واقع با کمک منابع عظیم هیدروکربنی داخل کشور و موقعیت ژئوپلیتیک بسیار حساس ایران در منطقه خاورمیانه، با تنظیم یک برنامه جامع با دیدگاه دیپلماسی انرژی در کشور می‌توان از این ابزار برای دستیابی به اهداف سیاسی منطقه‌ای و جهانی استفاده کرد. متأسفانه غفلت از این جنبه مهم انرژی در کشور موجب شده تا در شرایط بحرانی که کشور در مسائل سیاسی منطقه‌ای و جهانی به یک پشتوانه قوی نیاز دارد، امتیاز کافی در اختیار نداشته باشد و حتی در مسائل مربوط به تحریم نیز دشمن بتواند با بستن راه‌های موجود، کشور را با مشکلات جدی مواجه کند. یکی از نمونه‌های آشکار این حوزه، استفاده از صادرات گاز در کنار صادرات نفت است. مطابق پیش‌بینی مراکز معتبر انرژی جهان، گاز طبیعی تا سال ۲۰۳۵ بیشترین رشد مصرف را در بین سوخت‌های فسیلی خواهد داشت و به لحاظ میزان مصرف در جایگاه دوم پس از نفت قرار خواهد گرفت؛ از این رو بسیاری از کارشناسان، قرن حاضر را قرن گاز می‌نامند. صادرات گاز طبیعی همواره موجب

ایجاد پیوند راهبردی بین کشور صادرکننده و واردکننده می‌گردد. در این بین ایران با در دست داشتن ۱۸٪ از ذخایر گاز جهان و همچنین موقعیت استراتژیک خود در بازار گاز می‌تواند به عنوان یکی از بازیگران اصلی این بازار نقش آفرینی کند و به کمک صادرات گاز طبیعی پیوندهای راهبردی بلندمدت با کشورهای طرف تقاضا ایجاد کند. مطابق سند چشم‌انداز ۱۴۰۴ ایران می‌بایست سهمی ۸ تا ۱۰ درصدی از بازار گاز جهان به دست آورد، درحالی‌که اکنون سهم ایران از بازار صادرات گاز طبیعی کمتر از ۲٪ است.

منطقه‌ای بودن و بلندمدت بودن قراردادهای صادرات گاز، وابستگی امنیتی ایجادشده در کشور مقصد و همچنین تجارت‌ناپذیری این محصول برخلاف نفت، از ویژگی‌های خاص این محصول است که موجب تحریم‌ناپذیری آن شده است. در سال‌های گذشته نیز علی‌رغم تمام تحریم‌ها علیه ایران، صادرات گاز به کشورهای همسایه از جمله ترکیه و عراق همچنان ادامه یافت. بنابراین می‌بایست مسئولان کشور توجه ویژه‌ای به توسعه صادرات گاز از طریق خط لوله به کشورهای همسایه داشته باشند. نمایندگان مجلس شورای اسلامی باید با در نظر گرفتن این جنبه مهم حوزه انرژی به بررسی قوانینی که موجب افزایش قدرت چانه‌زنی ایران در فضای بین‌الملل می‌شود پرداخته و در تصویب سایر قوانین مانند اساسنامه شرکت‌های تابعه وزارت نفت نیز به این بخش توجه ویژه‌ای داشته باشند.

بهره‌برداری از مخازن مشترک در زمان تحریم

تولید صیانتی به معنای تولید پایدار از مخازن نفت و گاز است که با حداکثر میزان ممکن برداشت از این مخازن همراه باشد. با توجه به اهمیت مخازن نفت و گاز در کشور، لازم است موضوع تولید صیانتی از مخازن به طور کامل در نظر گرفته شود، اما در مورد مخازن مشترک شاید موضوع کمی متفاوت باشد، چراکه رقابت در برداشت از میادین مشترک - به ویژه در زمانی که به دلیل تحریم‌ها تولید ایران از این میادین کم شده و همسایگان باید این کاهش تولید را جبران کنند - می‌تواند تولید صیانتی از این مخازن را با چالش مواجه کند؛ از این رو بهتر است در

زمان تحریم‌ها و کاهش تولید داخل، مخازن مشترک اولویت اصلی وزارت نفت برای تولید نفت مورد نیاز خود باشد. ضرورت دارد وزارت نفت پس از بررسی‌های کارشناسی، چهارچوب کلی تولید صیانتی از مخازن نفت و گاز کشور را به تفکیک میادین مستقل و میادین مشترک با ذکر جزئیات از جمله اولویت‌بندی تولید، در قالب لایحه‌ای از سوی هیئت وزیران برای تصویب به مجلس شورای اسلامی ارسال نماید. لایحه قانونی تدوین شده باید اقدامات تنبیهی کافی برای متخلفان احتمالی اجرای این امر پیش‌بینی نماید. در غیر این صورت، مجلس شورای اسلامی می‌تواند این مسئله را از وزارت نفت پیگیری کرده و شرایط لازم برای تدوین لایحه قانونی تولید صیانتی از مخازن نفت و گاز را ایجاد کند.

قیمت‌گذاری انرژی

اجرای قانون هدفمندی یارانه‌ها با مکانیسم بازتوزیع درآمدها صورت گرفت و یکی از ملزومات آن نیز اصلاح قیمت حامل‌های انرژی بوده است. در بحث قیمت‌گذاری انرژی علاوه بر مقایسه قیمت انرژی با قیمت‌های جهانی، دو موضوع را باید در نظر گرفت؛ موضوع اول، نسبت قیمت‌ها با سطح درآمد خانوار است که در حال حاضر در ایران به صورت میانگین ۱٫۵ درصد هزینه خانوار را هزینه انرژی تشکیل می‌دهد و این عدد برای کشوری مانند انگلیس حدود ۴ درصد است. موضوع دیگر نیز قیمت نسبی انرژی است؛ به این معنی که نسبت قیمت انرژی با دیگر کالاها در تعادل باشد؛ به عنوان مثال وقتی قیمت بنزین در چند سال ثابت می‌ماند و قیمت حمل‌ونقل عمومی افزایش می‌یابد، عدم استفاده از حمل‌ونقل عمومی منطقی به نظر می‌رسد. اکنون با گذشت بیش از یک دهه، نه تنها قیمت حامل‌های انرژی از جمله بنزین روند طبیعی افزایش را در راستای ابزاری برای کاهش مصرف طی نکرده، بلکه به سطح قیمت‌های فوب خلیج فارس نیز نزدیک نشده و به‌واقع قانون اصلاح الگوی مصرف انرژی به عنوان قانون مکمل هدفمندی یارانه‌ها نادیده گرفته شده است تا علاوه بر این‌که یارانه‌ها عادلانه توزیع نشود، مصرف نیز مهار نشود. طبق آمارهای رسمی در سال ۱۳۹۷، در بخش یارانه سوخت

۱۲۳ هزار میلیارد تومان تنها به عنوان یارانه بنزین، ۱۳۰ هزار میلیارد تومان به عنوان یارانه گازوئیل و ۲۸۰ هزار میلیارد تومان برای گاز طبیعی یارانه پرداخت شده و در مجموع تنها یارانه این سه نوع انرژی ۵۳۳ هزار میلیارد تومان بوده است (البته مبنای محاسبه این اعداد و نحوه برآورد آن قابل مناقشه است و نظرات مختلفی وجود دارد). از طرفی حفظ قیمت پایین انرژی و پرداخت یارانه های کلان، بیشتر یک مُسکن تلقی می شود، نه یک راه حل درازمدت و پیش گیرانه. اگرچه اثرات منفی تعیین قیمت های پایین برای انرژی های برپایه نفت و گاز به طور وسیعی درک شده است، اما از آن جا که حامل های انرژی در قلب اجماع اجتماعی قرار دارد، اصلاح قیمت آن ها در صورتی می تواند اتفاق بیفتد که در آن برای شرایط گذار به حالت جدید، برنامه ریزی شده و با یک دید جامع نگر، امنیت اجتماعی را حفظ کند. باید توجه داشت اصلاح قیمت ها یک موضوع اغلب بحث انگیز است، زیرا بر معیشت بسیاری در جامعه تأثیرگذار است و منجر به اعتراض می شود. اگرچه این اصلاحات در قیمت گذاری انرژی ضروری است، ولی به طور مؤثری اقدامات ریاضتی هستند که هزینه زندگی برای خانواده ها و هزینه کسب و کار را برای شرکت ها افزایش می دهند. بنابراین علاوه بر هماهنگی داخلی حکومت در اجرا، ارائه اقدامات جبران خسارت یک شرط مهم برای اجرای موفقیت آمیز موضوع اصلاح قیمت انرژی است. بنابراین نمایندگان مجلس شورای اسلامی باید در کنار توجه به موضوع پراهمیت اصلاح قیمت های انرژی، در خصوص نحوه اجرای آن نیز تصمیمات جدی اتخاذ کنند تا اتفاقاتی مانند وقایع آبان ۱۳۹۸ دوباره تکرار نشده و بی تدبیری ها موجب هزینه برای کشور و نظام نشود.

مطالعه بیشتر

- مرکز پژوهش‌های مجلس (گزارش اولویت‌های انرژی)
- گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس با عنوان «تزریق گاز به میادین نفتی، لازمه تحقق تولید صیانتی»
- گزارش اندیشکده سیاست‌گذاری امیرکبیر با عنوان «اساسنامه گاز، گزارش بررسی ساختار نفت و گاز کشورهای نروژ و روسیه»
- گزارش‌های حوزه فرآورده و منطقه در سایت مرجع دیپلماسی انرژی ایران
- گزارش «دیپلماسی انرژی و منافع ملی جمهوری اسلامی ایران»
- گزارش خبرگزاری فارس با عنوان بررسی آیین‌نامه ایجاد پتروپالایشگاه‌ها با سرمایه‌گذاری مردمی در دولت

کمیسیون برنامه، بودجه و محاسبات

حوزه‌های فعالیت کمیسیون

برنامه و بودجه

نظارت بر برنامه و بودجه

نظارت دیوان محاسبات و امور مالی مجلس

کمیسیون برنامه، بودجه و محاسبات مجلس شورای اسلامی یکی از کمیسیون‌های تخصصی است که برای انجام وظایف محوله در محدوده برنامه، بودجه، نظارت برنامه و بودجه و دیوان محاسبات، امور مالی مجلس و آمار و خدمات عمومی فنی، نظارت و مراقبت بر اجرای مقررات بودجه و امور مالی مجلس و نحوه هزینه‌کردن آن‌ها، رسیدگی به عملکرد بودجه سالیانه مجلس و ارائه گزارش آن تشکیل می‌گردد. در ایران چند سالی است که اهمیت نظام اطلاعاتی بودجه و لزوم رفع نارسایی‌های آن مورد توجه و تأکید مدیریت بخش عمومی قرار گرفته است. بودجه دولت در ایران توسط لایحه‌ای که پیشنهاد مستقیم دولت است، به صورت سالانه و معمولاً در پاییز هر سال برای عملکرد سال بعد به مجلس شورای اسلامی تقدیم می‌شود و پس از تصویب، این لایحه حکم قانون را داشته و قانون بودجه سالانه کشور توسط همه دستگاه‌های اجرایی کشور لازم‌الاجراست. بودجه کشور دارای دو دسته عمده منابع و مصارف است. منابع نفتی، درآمدهای مالیاتی، منابع حاصل از خصوصی سازی و منابع حاصل از افزایش قیمت حامل‌های انرژی منابع درآمدی دولت هستند. از طرفی هزینه‌های جاری و هزینه‌های عمرانی نیز عمده مصارف پیش‌بینی شده در بودجه دولت هستند. قطع وابستگی بودجه کشور از درآمدهای نفتی، یکی از اصلی‌ترین دغدغه‌های رهبرانقلاب بوده و ایشان در ابتدای سال ۱۳۹۸ دستور اصلاح ساختار بودجه کشور را صادر کردند. با توجه به بااهمیت‌تربودن بخش درآمدهای بودجه، در این گزارش به اولویت‌های مربوط به بخش مصارف بودجه و نحوه تخصیص آن پرداخته نشده است. هرچند در شرایط موجود، تخصیص بهینه منابع کشور به دستگاه‌ها با انجام ارزیابی صحیح عملکرد و کاهش بودجه نهادهای ناکارآمد، می‌بایست از اولویت‌های کشور باشد. تحول نظام مالیاتی کشور به عنوان یکی از محورهای هفت‌گانه طرح تحولات اقتصادی با هدف ارتقای جایگاه مالیات‌ها در تأمین مالی دولت و کاهش اتکای

بودجه دولت به عواید حاصل از صادرات نفت از طریق افزایش مشارکت عمومی و بدون تحمیل بار مالیاتی مضاعف بر پایه‌های موجود، فراهم آوردن بستر مناسب برای دسترسی و تجمیع اطلاعات مبادلات اقتصادی کشور، احصاء درآمدها به خصوص درآمدهای پنهان و در نتیجه ایجاد شفافیت اقتصادی و به تبع آن جلوگیری از فرار مالیاتی تدوین شده است.

جلوگیری از فرار مالیاتی، جبران کسری بودجه دولت

کسری بودجه دولت یکی از مهم‌ترین مشکلات در اداره کشور است که در سالیان اخیر دولت به شدت با آن دست و پنجه نرم می‌کند. راه‌های بسیار زیادی برای مرتفع کردن این مشکل وجود دارد که یکی از آن‌ها جلوگیری از فرار مالیاتی است. یکی از روش‌های محاسبه میزان فرار مالیاتی، بررسی شاخص «نسبت مالیات به تولید ناخالص داخلی» است. نسبت مالیات به تولید ناخالص داخلی یا تلاش مالیاتی در ایران حدود هفت درصد در سال‌های اخیر بوده است؛ در حالی که متوسط تلاش مالیاتی در میانگین جهانی معادل ۱۴ درصد (دو برابر ایران) و اروپا و آسیا معادل ۱۹ درصد (۲/۷ برابر ایران) است. همچنین این شاخص در کشورهای عضو سازمان همکاری و توسعه اقتصادی به ۲۵ الی ۳۰ درصد می‌رسد. فرار مالیاتی توسط چند گروه اساسی رخ می‌دهد؛ شرکت‌ها و اشخاص حقوقی، افراد و مشاغل صنفی و غیرصنفی، دو گروه اصلی متهم در فرار مالیاتی هستند. با یک حساب سرانگشتی و در نظر گرفتن سهم ۳۶ درصدی این دو گروه در GDP کشور و همچنین در نظر گرفتن مالیات فعالیت‌های زیرزمینی و قاچاق، رقم فرار مالیاتی از ۱۰۰ هزار میلیارد تومان عبور می‌کند که سهم بالایی از کسری بودجه در کشور است. پزشکان، وکلا و صنوف پردرآمد مانند تلافروشان و هتل‌داران از مخاطبان اصلی فرار مالیاتی هستند که ۷۰ هزار میلیارد تومان از فرار مالیاتی را به خود اختصاص داده‌اند. اصلاح ساختارهای مالیاتی، وضع قوانین و همچنین نظارت بر اجرای قانون به حل این مشکل کمک خواهد کرد. لازم به ذکر است که گرفتن مالیات زیادتروبی رحمانه‌تر از کسب و کارهای نوپا و خُرد، راه حل نیست، بلکه فرار مالیاتی شرکت‌ها و نهادهایی که گردش مالی آن‌ها بسیار زیاد است، مدنظر است.

جلوگیری از معافیت‌های مالیاتی غیرضروری

معافیت مالیاتی و فرار مالیاتی، در واقع دو روی یک سکه هستند و پیامد آن، دست نیافتن به درآمدهای مالیاتی، تبعیض و وارد آمدن فشار به سایر مالیات‌دهندگان است. تفاوت معافیت مالیاتی و فرار مالیاتی در این است که فرار مالیاتی امری غیرقانونی شناخته می‌شود، اما معافیت مالیاتی تحت حمایت یک مصوبه قانونی صورت می‌گیرد. هدف اصلی اعطای معافیت‌ها و مشوق‌های مالیاتی در کشورهای مختلف، ترویج سرمایه‌گذاری و حمایت از روند تولید است؛ بدین ترتیب سیاست‌گذار با استفاده از این ابزار می‌تواند سرمایه‌گذاری‌ها را به سوی اهداف پیش‌بینی شده هدایت کند. همواره میزان معافیت‌ها و مشوق‌های مالیاتی مطابق با سیاست‌های کلان اقتصادی کشورها و طبق برنامه‌های مدون تعیین می‌شود که موقت بوده و دارای دوره زمانی محدودی است. سال‌های گذشته در ایران، معافیت‌های مالیاتی گسترده‌ای در بخش سود سپرده‌های بانکی، کشاورزی، درآمدهای فعالان اقتصادی مناطق آزاد تجاری-صنعتی، امور خیریه، شرکت‌های دانش‌بنیان، بخش‌های مختلف اقتصادی، بخش فرهنگ، مدارس غیرانتفاعی و... اعطا شده که نقش مثبتی در بهبود فعالیت‌های اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی نداشته و در واقع به ابزاری برای فرار مالیاتی و گسترش تبعیض مالیاتی تبدیل شده‌اند. در بسیاری از کشورها، نه تنها فعالیت‌های هنری از پرداخت مالیات معاف نیستند، بلکه با توجه به جایگاه و مقبولیت اجتماعی هنرمندان، از ظرفیت هنرمندان برای تشویق مردم برای پرداخت مالیات استفاده می‌شود. دستگاه مرجع، رقم دقیقی درباره حجم معافیت‌های مالیاتی اعلام نکرده، اما از برخورداری ۴۰ درصد از اقتصاد کشور از معافیت مالیاتی سخن گفته می‌شود. براساس برخی برآوردهای غیررسمی، میزان افزایش درآمدهای دولت در صورت حذف معافیت‌های مالیاتی غیرضروری حدود ۲۰ درصد درآمدهای مالیاتی کنونی خواهد بود.

اجرای قوانین مالیاتی

بسیاری از قوانین مالیاتی در کشور وجود دارند که به حل مشکلات زیادی همچون کاهش اختلاف طبقاتی و کنترل وضعیت دهک‌های بالا و پایین کمک می‌کنند. همچنین این قوانین باعث ایجاد درآمد برای دولت می‌شوند که دولت با اتکا بر آن‌ها می‌تواند بخشی از کسری بودجه را جبران کند.

از جمله مهم‌ترین قوانین، مالیات بر عایدی سرمایه و مالیات بر خانه‌های خالی می‌باشد که در بخش کمیسیون عمران همین کتاب به آن پرداخته شده است. با اجرای قوانین مالیاتی همچون مالیات بر خانه‌های خالی می‌توان از اشرافی‌گری و فساد جلوگیری کرد و همچنین به دهک‌های کم‌درآمد جامعه کمک کرد تا بتوانند از خانه مناسب و در شأن بهره‌مند شوند.

افزایش پایه‌های مالیاتی

یکی از ارکان رشد و توسعه کشور، جایگاه و کارآمدی نظام مالیاتی کشور است. در شرایط فعلی از طرفی لزوم کاهش وابستگی به درآمد نفتی و از طرف دیگر افزایش تحریم‌ها و افزایش فشار به درآمدهای دولت، توجه بیش از پیش به مالیات و درآمد مالیاتی را ایجاد می‌کند؛ بنابراین یکی از راه‌های افزایش درآمد مالیاتی، افزودن پایه‌های مالیاتی است. پایه‌های مالیاتی از دو منظر برای اقتصاد دارای اهمیت هستند:

• افزایش درآمد مالیاتی دولت

بررسی ساختار مالیاتی کشورهای مختلف در زمینه نسبت مالیات به تولید ناخالص داخلی^۱ نشان می‌دهد که بخش قابل توجهی از درآمدهای دولت از ناحیه اخذ مالیات محقق می‌شود. این نسبت در ترکیه به عنوان یکی از همسایگان رقیب ما، بالای ۲۰ درصد است، در حالی که در کشور ما ۷ درصد است. در صورتی که نسبت درآمدهای مالیاتی ما به میانگین کشورهای پیشرفته برسد، کل بودجه

۱. Gross domestic product – GDP

دولت را می‌توان با مالیات مدیریت کرد و درآمدهای نفت را نیز از بودجه حذف نمود.

• تضعیف بازارهای غیرمولد

نبود پایه‌های مالیاتی علاوه بر کاهش درآمد دولت، زمینه حیات بازارهای غیرمولد را نیز برقرار ساخته است و اقتصاد کشور را به راحتی در برابر حوادث مختلف آسیب‌پذیر ساخته است. هم‌اکنون بازارهای غیرمولد به دلیل بازدهی بالا، مانع ورود سرمایه به بازارهای مولد شده‌اند؛ به عنوان مثال، به دلیل نبود مالیات عایدی بر سرمایه، سرمایه‌گذاری در ملک، طلا و مسکن می‌تواند بسیار پربازده باشد؛ از این رو سرمایه‌گذاری به سمت تولید که دارای بازدهی کمتری نسبت به این بازارها است، نخواهد رفت.

ورشکستگی صندوق‌های بازنشستگی، عامل کسری بودجه

وضعیت صندوق‌های بازنشستگی و تأمین اجتماعی، یکی از اصلی‌ترین چالش‌های اقتصادی کشور است که حل آن نیازمند اتخاذ تصمیمات کلان و دشوار است؛ به عبارتی، وضعیت این صندوق‌ها به گونه‌ای است که اگر به آن توجه نشود، همچون بمب ساعتی منفجر خواهد شد. در لایحه بودجه ۱۳۹۹ بیش از ۸۰ هزار میلیارد تومان به صندوق بازنشستگی کشوری و سازمان تأمین اجتماعی نیروهای مسلح اختصاص یافته است (معادل ۱۷ درصد منابع عمومی دولت). پیش‌بینی می‌شود کمک دولت به این صندوق‌ها در سال ۱۴۰۴ به ۲۵ درصد از منابع عمومی دولت برسد و اگر این روند ادامه پیدا کند، در سال ۱۴۲۹ به ۸۳ درصد از بودجه عمومی دولت خواهد رسید. در کشور حدود هجده صندوق بازنشستگی وجود دارد که تعداد زیادی از این صندوق‌ها به دلایل مختلف در وضعیت نابسامان اقتصادی و منابع مالی قرار دارند. ورشکستگی صندوق‌های بازنشستگی در حال حاضر به عنوان یکی از سه آبر چالش کشور مطرح می‌شود.

اگر بخواهیم صندوق بازنشستگی پویا و کاملی داشته باشیم، باید در کشور

به ازای هر ۲۵ نفر شاغل، یک نفر بازنشسته وجود داشته باشد، اما در دهه های گذشته به دلایل مختلف از جمله مسائل سیاسی، سن بازنشستگی در کشور کاهش یافته است. در حال حاضر نسبت استاندارد ۲۵ نفر بازنشسته به یک نفر شاغل به حدود ۵.۵ به یک رسیده است و اگر این نسبت به ۳.۵ به یک برسد، صندوق های بازنشستگی دچار ورشکستگی خواهند شد که در حال حاضر در حال حرکت به سمت آن هستیم.

تکمیل پایگاه اطلاعاتی سازمان امور مالیاتی

سازوکار فعلی اخذ مالیات در کشور به دو دسته ممیزمحور و سیستماتیک تقسیم می شود. در حال حاضر سازوکار اخذ مالیات در کشور براساس قانون مالیات های مستقیم اجرا می شود. طبق این قانون، تأمین کننده درآمدهای مالیاتی به سه بخش ۱. شرکت ها ۲. مشاغل و افراد ۳. حقوق و دستمزدها تقسیم می شود. شیوه اخذ مالیات از گروه شرکت ها و گروه مشاغل و افراد به صورت ممیزمحور و اخذ مالیات از گروه حقوق و دستمزدها به صورت سیستماتیک است.

در سازوکار سیستماتیک، به دلیل این که اطلاعات مربوط به میزان درآمد کارکنان دولت به صورت شفاف موجود است، اخذ مالیات از کارمندان قبل از واریز حقوق آنان انجام می شود، اما در سازوکار ممیزمحور به دلیل نبود سامانه ای مشخص و عدم شفافیت، امکان زدوبند و فساد زیاد بوده، در نتیجه در این سازوکار، مالیات واقعی از گروه شرکت ها و مشاغل و افراد به دست نمی آید. راهکار اصلی جلوگیری از فرار مالیاتی این است که شیوه اخذ مالیات از روش سنتی و ممیزمحور به روش سیستماتیک تغییر کند، زیرا هرچه عوامل انسانی در تعیین و اخذ مالیات کمتر نقش داشته باشد، مقدار مالیات اخذ شده بیشتر خواهد شد. در نتیجه راهکار اصلی، ایجاد سامانه هوشمند برای تعیین و دریافت مالیات است که باعث ایجاد شفافیت در درآمدهای مشاغل و شرکت ها می شود. راه اندازی سامانه جامع مالیاتی باید با هدف رصد جریان پول در کشور از طریق ایجاد «شفافیت تراکنش های بانکی» انجام شود.

مطالعه بیشتر

- گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی با عنوان «بررسی زمینه‌های فرار مالیاتی در ایران»
- گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس با عنوان «بررسی تجارب کشورها در زمینه معافیت‌های مالیاتی، درباره معافیت مالیات بر درآمد فعالیت‌های هنری»
- گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس با عنوان «برنامه اداره کشور بدون نفت»
- چهارچوب اصلاح ساختاری بودجه با رویکرد قطع وابستگی مستقیم بودجه به نفت، سازمان برنامه و بودجه کشور، خرداد ۱۳۹۸
- گزارش خبرگزاری تسنیم «رقم واقعی فرارهای مالیاتی چقدر است؟»

کمیسیون بهداشت و درمان

حوزه‌های فعالیت کمیسیون

بهداشت

درمان

امداد

بهزیستی

تأمین اجتماعی و بیمه‌های اجتماعی

هلال احمر

کمیسیون بهداشت و درمان برای انجام وظایف محوله در زمینه بهداشت، درمان، امداد، بهزیستی، تأمین اجتماعی و بیمه‌های اجتماعی و هلال احمر مطابق ضوابط آیین‌نامه داخلی مجلس تشکیل شده است. نیاز همه اقشار جامعه به درمان در تمام زمان‌ها سبب اهمیت برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری برای بهداشت و درمان می‌شود. اهمیت حوزه بهداشت و درمان در بیانات رهبری نیز مشخص بوده و ایشان بهداشت و درمان را یکی از سه مسئله اساسی کشور می‌دانند. پیشگیری (بهداشت) و درمان دو مأموریت اساسی برنامه‌ریزان در این حوزه بوده که باید به هر دو حوزه توجه کافی شود. یکی از مهم‌ترین اهداف انقلاب اسلامی نیز ارتقای سطح سلامت و فراهم آوردن شرایطی برای دسترسی عادلانه آحاد جامعه به خدمات بهداشتی- درمانی مناسب بوده است. در حال حاضر بودجه درمانی کشور در حدود ۱۵۰ هزار میلیارد تومان است و بیش از ۱۳۰ هزار نفر پزشک، دندان‌پزشک عمومی، متخصص، فوق تخصص و یا در حال تحصیل برای تخصص در کشور وجود دارد که توزیع همین تعداد پزشک نیز محل بحث است.

نکته قابل توجه در مورد کمیسیون بهداشت و درمان مجلس این است که معمولاً اکثریت قریب به اتفاق اعضای این کمیسیون، پزشک هستند و بعضی در کلینیک‌های خصوصی فعالیت کرده و برخی نیز از وزارت بهداشت و سازمان علوم پزشکی حقوق دریافت می‌کنند.

رفع مسئله تعارض منافع در حوزه بهداشت و درمان

در تعاریف بین‌المللی، تعارض منافع به عنوان تعارضی میان وظایف دولتی و منافع خصوصی مأموران دولتی بیان شده است؛ به طوری که این منافع بتواند به صورت ناصحیحی وظایف آن‌ها را تحت تأثیر قرار دهد. کمیسیون بهداشت و درمان مجلس نیز یکی از نهادهایی است که دچار پدیده تعارض منافع بوده و

می‌بایست برای تصمیم‌گیری‌های صحیح و خردورزانه، تعارض منافع موجود در این کمیسیون به‌گونه‌ای حل شود.

یکی از مسائل مهم نظام سلامت، حضور پزشکان در نهادهای حاکمیتی و تصمیم‌گیر است. از وزارت بهداشت تا کمیسیون بهداشت مجلس، مجمع تشخیص مصلحت، بیمارستان‌ها و مراکز درمانی دولتی در سال‌های اخیر تحت نفوذ و تأثیر پزشکان قرار گرفته‌اند. در کشور ما این غفلت وجود دارد که علم درمان و پزشکی متفاوت از علم مدیریت نظام سلامت است و مطالعه‌ی مربوط به وزرای بهداشت دو نمونه از دولت‌ها در ۲۰ کشور نیز نشان می‌دهد که فقط سه مورد از میان ۴۰ وزیر، پزشک بوده‌اند. این در حالی است که در ایران تاکنون تنها یک وزیر غیرپزشک سکانتار این مسئولیت بوده است. همچنین بسیاری از نمایندگان منتخب مردم در مجلس شورای اسلامی پزشک هستند؛ به‌نحوی که در مجلس کنونی (مجلس دهم) ۳۵ نفر از نمایندگان مردم را پزشکان تشکیل می‌دهند. این در حالی است که تعداد پزشکان در کل کشور حدود ۱۳۰ هزار نفر و کل جامعه‌ی بهداشت و درمان کشور شامل یک و نیم میلیون نفر است. در نتیجه تمامی اعضای کمیسیون بهداشت و سلامت از جامعه‌ی پزشکی بوده و این نقطه‌ای است که تعارض منافع را به‌وجود می‌آورد، زیرا بعضی از این نمایندگان پزشکی هستند که در این حوزه منتفع می‌شوند و دارای کلینیک‌های خصوصی هستند و از وزارت بهداشت حقوق دریافت می‌کنند و از طرفی نیز برای حوزه‌ی بهداشت و سلامت قانون‌گذاری و سیاست‌گذاری می‌کنند.

حضور پزشکان در جایگاه حاکمیت و تصمیم‌گیر موجب شده نظام سلامت فعلی در جهت منفعت پزشکان (که در مراجعه‌ی بیشتر بیماران به پزشک است) حرکت کند. در واقع محور نظام سلامت به جای «بهداشت و پیشگیری»، «درمان» قرار گرفته که یکی از دلایل کثرت تجویزهای غیرضروری یا ارجاع مکرر بیماران به پزشک نیز همین جهت‌گیری اشتباه است. از طرفی دیگر، حضور پزشکان در این جایگاه‌ها موجب عدم پیشرفت در مسائلی چون قانون مالیات بر پزشکان یا افزایش تعداد پزشک در کشور نیز شده است.

رسیدن به شفافیت با پرونده الکترونیک

نظام سلامت نیز مانند سایر بخش‌های کشور نیازمند شفافیت است. در نظام سلامت دو چیز باید شفاف بشود؛ اولاً خدماتی که ارائه می‌شود، ثانیاً جریان مالی. در نظام سلامت کنونی در واقع بیمار، خریدار و دکتر، فروشنده خدمت است. با توجه به این‌که خدمتی که ارائه می‌شود دارای اضطراب است، فرد نمی‌تواند آن را به تعویق بیندازد. از طرفی خدمت ارائه شده توسط پزشک قابل لمس کردن نیست و به اصطلاح، عدم تقارن اطلاعات وجود دارد. در نتیجه خریدار یا بیمار چاره‌ای جز اطاعت محض از فروشنده یا دکتر ندارد. این سبب می‌شود که زمینه برای سوء استفاده و عدم تشخیص درست برای دکتر فراهم شود. در بسیاری از کشورها برای حل این معضل، دفترچه‌ای تحت عنوان راهنمای بالینی (گاید لاین) تنظیم شده تا امکان ارزیابی سوء استفاده و تشخیص اشتباه فراهم شود. این بازرسی عموماً توسط بیمه‌ها صورت می‌گیرد. در کشور ما متأسفانه بیمه سلامت متعلق به وزارت بهداشت و درمان است و این امر باعث می‌شود که بازرسی به نحو مطلوب انجام نگیرد. بقیه بیمه‌های بزرگ کشور نیز دولتی بوده و این امر مانع از نظارت بیمه‌ها می‌شود. وجود پرونده الکترونیک، امکان بررسی دقیق نحوه تشخیص پزشک را برای بیمه فراهم کرده و از لابی‌ها و سوء استفاده‌ها جلوگیری می‌کند. حجم بالای بودجه عمومی صرف شده در حوزه بهداشت و درمان و هزینه بالایی که مردم برای استفاده از خدمات این بخش می‌پردازند، اهمیت شفافیت هرچه بیشتر در این حوزه را روز به روز نمایان‌تر می‌سازد.

پیگیری نظام ارجاع و پزشک خانواده

پزشک خانواده، پزشکی است که مسئولیت دارد خدمات سلامت را بدون تبعیض سنی، جنسی، ویژگی‌های اقتصادی- اجتماعی و ریسک بیماری در اختیار افراد تحت پوشش خود قرار دهد. پزشک خانواده، سرپرست یک تیم سلامت نیز هست و جمعیتی مشخص را تحت پوشش خود دارد. در این سیستم، بیماری و نیاز فرد به درمان توسط پزشک خانواده تشخیص داده می‌شود و به

متخصصین مرتبط ارجاع داده می‌شود و مراجعه بی‌مورد به متخصص کاهش می‌یابد. پیگیری این سیستم چندین بار در کشور اتفاق افتاده ولی به نتیجه‌ای نرسیده است.

نظام سلامت ما اکنون به‌نحوی شکل گرفته که هرچه میزان بیمار بیشتر باشد، پزشکان درآمد بیشتری کسب می‌کنند. این در حالی است که سیستم پزشک خانواده به‌گونه‌ای تنظیم شده است که هرچه سلامت افراد بیشتر شود، پزشکان درآمد بیشتری کسب می‌کنند و هرچه بیماران بیشتر شوند، درآمد آنان کمتر می‌شود. پیگیری عدالت سلامت در این سازوکار بیشتر خواهد بود و همچنین مراجعه بی‌مورد به پزشکان متخصص کمتر خواهد بود.

رفع مسئله کمبود پزشک و انحصار

تعداد پزشک در ایران به‌ازای هر هزار نفر حدود ۱,۵۹ نفر است و همین شاخص درباره پزشکان متخصص به کمتر از ۰,۶ نفر می‌رسد، اما در کشورهای اروپایی این تعداد ۲ تا ۳ برابر بیشتر است. ظرفیت محدود پذیرش دانشجوی رشته‌های پزشکی به‌طور عام و پزشک متخصص به‌طور خاص، از مهم‌ترین دلایل کمبود پزشک در سطح کشور است. فقدان عدالت در توزیع پزشکان هم مسئله دیگری است و این نسبت‌ها در مناطق کم‌برخوردار بسیار کم‌تر است؛ به‌طوری‌که در سیستان و بلوچستان سرانه پزشک کمتر از ۰,۵ به ازای هر هزار نفر است. سهولت فعالیت در کلان‌شهرها و سختی حضور در دیگر مناطق کشور، از جمله دلایل بروز این وضعیت هستند که سیاست‌گذاری کلان می‌تواند این عدم توازن را اصلاح کند. این توزیع نامتوازن و شرایط نامناسب فعالیت در سایر نقاط کشور، موجب بیکاری و حتی مهاجرت بخشی از پزشکان در سال‌های اخیر شده است. کمبود پزشک، زمینه انحصار برخی تخصص‌ها توسط تعداد معدودی از پزشکان و بروز فسادهایی همچون زیرمیزی را نیز تشدید کرده است.

مطالعه بیشتر

- سیاست‌های کلی سلامت، ابلاغ شده توسط مقام معظم رهبری
- گزارش «مروری بر برنامه پزشکی خانواده و نظام ارجاع»
- مقاله «ارزیابی حقوقی تعارض منافع در حقوق نظام سلامت ایران»

کمیسیون صنایع و معادن

حوزه‌های فعالیت کمیسیون

صنایع

پست و مخابرات

معادن

پتروشیمی

صنایع هوافضا

ارتباطات

با توجه به آمارها، بخش صنعت و معدن یکی از مهم‌ترین بخش‌های اقتصادی و بزرگ‌ترین بخش مولد (در کنار بخش کشاورزی) کشور به شمار می‌رود؛ به طوری که این بخش، سهمی معادل ۱۷ درصد از تولید ناخالص داخلی کشور را به خود اختصاص داده است. همچنین این بخش با توجه به گستردگی فعالیت‌ها و تعدد مراکز تولیدی توانسته است ۶۳ درصد از اشتغال بخش مولد و ۳۳ درصد از اشتغال کل کشور را تأمین کند که با این موضوع نقش مهمی را در تولید و اشتغال کشور ایفا می‌کند؛ از این رو، این بخش به دلیل اهمیت و نقشی که در اقتصاد دارد، اصلی‌ترین حوزه به منظور تحقق اهداف در نظر گرفته شده برای سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی محسوب می‌شود، زیرا از کانال‌های متعددی زمینه‌های تحقق سیاست‌های یادشده را فراهم می‌سازد. رهبرانقلاب در بیانات خود در جمع خودروسازان می‌فرمایند:

معتقدیم که صنعت، تأثیر بسیار اساسی‌ای دارد در پیشرفت کشور؛ یعنی در واقع عنصر اصلی پیشرفته محسوب شدن یک کشور و لوازمی که دارد، پیشرفت در صنعت است.

بسیاری از صاحب‌نظران، توسعه صنعتی را لازمه توسعه و رشد اقتصادی پایدار می‌دانند. به دلیل آثار چشمگیر بخش صنعت بر متغیرهای کلان اقتصادی از جمله تولید، مصرف، سرمایه‌گذاری، اشتغال، صادرات و به طور کلی نقش کلیدی صنعت در فرایند توسعه ملی، ضروری است حمایت مؤثر و مناسبی برای افزایش قدرت رقابتی و ارتقای بهره‌وری این بخش و دستیابی به اهداف رشد اقتصادی به عمل آید.

کمیسیون صنایع و معادن برای انجام وظایف محوله در محدوده صنایع، پست، مخابرات، معادن، پتروشیمی، صنایع هوافضا و ارتباطات، مطابق ضوابط آیین‌نامه داخلی مجلس شورای اسلامی تشکیل می‌شود. در این بخش بنا به اهمیت

موضوعات موجود در صنایع و معادن، مباحث در دو بخش مجزای صنعت و معدن بیان خواهد شد.

مسائل اولویت‌دار حوزه صنعت

بسیاری از مسائل موجود در صنعت کشور ریشه در معضلات موجود در فضای کلان اقتصادی کشور دارد که از جمله آن‌ها می‌توان به وجود تحریم‌ها و محدودشدن دسترسی به بازار مواد اولیه و فروش، وجود تورم مزمن، قدرت خرید پایین مردم، سود بالای بانکی، قاچاق کالا و... اشاره نمود، اما گذشته از موارد ذکرشده، نارسایی‌های دیگری نیز وجود دارند که به‌طور مختصر به برخی از آن‌ها که عمومیت بیشتری دارند، پرداخته می‌شود:

حمایت از تولید با ممانعت از فعالیت‌های نامولد رقیب تولید

شاید بتوان مهم‌ترین مشکل موجود در کشور را که مانع از رونق‌گرفتن تولید صنعتی می‌شود، وجود بازارهای نامولدی^۱ دانست که مانع از هدایت منابع سرمایه‌ای به سمت بخش تولید می‌شود. در شرایطی که یک فعال اقتصادی می‌تواند با سرمایه‌گذاری در بخش‌های غیرمولد در مدت زمان اندک، با ریسک‌های بسیار پایین و حتی صفر، بدون دغدغه رقابت با بخش خصوصی و بدون درگیری با نهادهای مختلف دولتی، سودهای کلان نصیب خود کند، واضح است که فعالان اقتصادی زحمت پذیرش ریسک و درگیرشدن به فعالیت‌های سخت و پُرریسک تولید را به خود ندهند. مهم‌ترین اقدام برای حرکت به سمت رونق تولید، تمرکز بر کنترل بازارهای نامولد کشور است و در صورت کنترل‌نشدن این بازارها، صحبت‌کردن از تولید صنعتی و مسائل مربوط به آن معنایی نخواهد داشت. از مهم‌ترین مصادیق فعالیت‌های اقتصادی نامولد می‌توان به این موارد اشاره کرد:

- کسب سود از خرید و فروش سوداگرانه املاک (زمین، واحد مسکونی، تجاری و...)
- کسب سود از معاملات ارز، طلا و فلزات گران‌بها (سکه و شمش)

۱. هر فعالیتی که در سطح خرد برای اشخاص سود یا منفای ایجاد کند، اما در سطح کلان، ارزش افزوده ایجاد نکند و تولید ملی را افزایش ندهد، نامولد است.

- کسب سود از سپرده‌گذاری بانکی
- بخشی از سود واسطه‌گری (دلالی) و توزیع کالا

مهم‌ترین دلیل ایجاد چنین بازارهای نامولدی، در مرحله اول نبود شفافیت اطلاعات و در مرحله دوم اعمال نکردن مالیات‌های تنظیمی است که چنین فضای پُرسودی را برای سوداگران به وجود آورده است. شکل‌گیری چنین بازارهایی نه تنها از ورود سرمایه به بخش تولید جلوگیری می‌کند، بلکه با گردش نقدینگی هنگفت در این بازارها و ایجاد تورم‌های سرسام‌آور، هزینه قیمت تمام شده کالاها افزایش می‌یابد. این مسئله در کنار کاهش قدرت خرید مردم که در اثر سقوط ارزش پول ملی رخ می‌دهد،^۱ باعث کاهش شدید تقاضا و محدود شدن بازار و در نهایت ورشکستگی صنایع می‌شود. با وجود چنین شرایطی، انتظار شکل‌گیری صنایع جدید و رشد آن‌ها، تصویری خوش‌بینانه است. به همین دلیل لازم است تانسیب به ایجاد زیرساخت‌های لازم جهت تجمیع و شفاف‌سازی اطلاعات و وضع مالیات‌های تنظیمی جهت کنترل این فعالیت‌ها اقدام شود.^۲

اجرای قانون بهبود مستمر محیط کسب‌وکار

شاخص سهولت کسب‌وکار، یکی از شاخص‌های بین‌المللی است که براساس آن، بانک جهانی سالانه ۱۹۰ کشور جهان را با شاخص‌های «شروع کسب‌وکار»، «اخذ مجوز ساخت‌وساز»، «ثبت مالکیت»، «اخذ مالیات»، «تجارت فرامرزی»، «دسترسی به برق»، «اخذ اعتبار»، «ورشکستگی و پرداخت دیون»، «حمایت از سهامداران خرد» و «اجرای قراردادها» مورد ارزیابی قرار داده و براساس آن کشورها را رتبه‌بندی می‌کند که در سال ۲۰۱۹ رتبه ایران ۱۲۹ بوده است^۳ و از این منظر، فضای کسب‌وکار کشور برای رونق واحدهای صنعتی در وضعیت نامناسبی قرار دارد.

۱. که آن هم به دلیل وجود تقاضاهای سوداگرانه در بخش نامولد رخ می‌دهد.

۲. برای اطلاعات بیشتر رک به الگوی راهبردی حمایت از تولید، فعالیت‌های نامولد رقیب تولید مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.

۳. گزارش‌های سالانه بانک جهانی.

• چالش در صدور مجوزهای کسب و کار

سختی و پیچیدگی در دریافت مجوزهای شروع فعالیت و کسب و کار، یکی از چالش‌های بخش صنعت در کشور است. صدور مجوزها عمدتاً با صرف زمان طولانی، هزینه‌های زیاد و گاهی مستلزم طی فرایندهای پیچیده است. این مشکلات نیز عمدتاً به دلیل عدم وجود نهادی واحد برای مدیریت و پایش عملکرد مراجع صدور مجوز است.

• بی‌ثباتی سیاست‌ها و مقررات و رویه‌های اجرایی ناظر به کسب و کار

به دلیل نبود برنامه‌های بلندمدت (و در مواردی که برنامه بلندمدت وجود دارد، به دلیل عدم پایداری به آن)، تغییرات ناگهانی و غافلگیرکننده‌ای در قوانین و مقررات رخ می‌دهد؛ مانند وضع تعرفه‌های واردات و ممنوعیت‌های ناگهانی صادرات یا واردات، ابلاغ آیین‌نامه‌های متعدد و... که این امر باعث از بین رفتن پیش‌بینی‌پذیری در وضعیت صنایع شده است. در چنین شرایطی حفظ ساختار تولیدی برای تولیدکنندگان بسیار دشوار می‌شود و سرمایه‌گذاران نیز از سرمایه‌گذاری در این بخش اجتناب می‌کنند.

• تأمین امنیت سرمایه‌گذاری و حقوق مالکیت و قراردادها

اگر دولت، نرم‌افزارهای توسعه را فراهم آورد و حقوق مالکیت را تضمین کند، بخش خصوصی وارد میدان کسب و کار می‌شود و نه تنها سخت‌افزارهای توسعه جاده، نیروگاه و... را با هزینه خود خواهد ساخت و عده بیشتری را استخدام خواهد کرد، بلکه مالیات بیشتری را نیز به دولت خواهد پرداخت. از نظر فعالان اقتصادی سراسر کشور، بدترین مؤلفه‌های امنیت سرمایه‌گذاری در ایران عبارتند از اعمال نفوذ و تبانی در معاملات ادارات حکومتی، عمل نکردن مسئولان ملی و استانی به وعده‌های داده شده، عدم تعهد به اجرای قراردادهای کتبی یا شفاهی توسط دستگاه‌های اجرایی و بخش خصوصی، فرایند بسیار طولانی، پیچیده، وقت‌گیر و پرهزینه دادرسی و پیگیری حقوق مورد تعدی و در نهایت، قابل تفسیر

بودن قوانین و مقررات و دقیق نبودن حقوق فعالان اقتصادی و نحوه استیفای آن‌ها که مطالبه جدی اجرای قانون «بهبود مستمر محیط کسب و کار» می‌تواند در کم کردن مشکلات مؤثر باشد.

تدوین راهبرد مشخص برای توسعه صنعتی

• مشخص نبودن نقش دولت در مسیر توسعه صنعتی

در حال حاضر، جایگاه دولت در توسعه صنعتی کشور به طور دقیق مشخص نیست. عده‌ای نقش دولت را در حد فراهم کردن محیط باثبات اقتصاد کلان و بهبود فضای کسب و کار می‌دانند و عده‌ای دیگر علاوه بر موارد مذکور، به اولویت‌گذاری و انتخاب صنایع برتر، سازوکار هدایت و تقویت صنایع و در یک کلمه حمایت و هدایت (نه تصدی) معتقدند. عدم انسجام نگاه حاکمیت به این مسئله باعث چندپارگی سیاست‌ها و کم‌اثر شدن آن‌ها می‌شود.

• مشخص نبودن صنایع پیشرو

بسیاری از کشورهای دنیا به صنعت و یا صنایع معدودی در جهان شناخته می‌شوند و با برندهای معتبر خود، سهم بزرگی از بازارها را در اختیار گرفته‌اند. مشخص نبودن صنایع پیشرو در کشور باعث می‌شود تا تمرکز سرمایه‌گذاری اتفاق نیفتاده و توسعه صنعتی شکل نگیرد.

• ناکارآمدی ابزارها در جهت‌دهی صنایع

اعطای تسهیلات، تعیین تعرفه، وضع مالیات، صدور مجوز، تعیین استاندارد و... ابزارهایی هستند که دولت برای هدایت صنعت در اختیار دارد. فقدان راهبرد مشخص و جامع برای توسعه صنعتی باعث شده است تا این ابزارها به درستی و در جهت اهداف مدنظر به کار گرفته نشوند و در برخی موارد حتی کارکرد آن‌ها معکوس شود.

جلوگیری از رانت فراگیر و پایدار برخی صنایع

فراگیربودن و پایداری رانت‌های ارائه‌شده به برخی از صنایع (همچون تعرفه اعمال‌شده بر واردات کالاهای صنعتی اعم از خودرو، لوازم خانگی و...)، باعث شده تا اهداف اولیه مدنظر برای ارائه این رانت‌ها (که حمایت از تولید داخلی و تشویق تولیدکنندگان برای افزایش رقابت‌پذیری تولیدات خود بوده است) به فراموشی سپرده شده و کارکرد این رانت‌ها تشویق به تلاش نکردن برای توسعه شود. به بیانی دیگر، برخی از صنایع سود خود را نه از محل توسعه صنعت، بلکه از محل تغییرات رانت کسب می‌کنند. سطح و مراحل فرآوری پایین در این صنایع نشان می‌دهد هدف، تولید محصولات متکی به نیروی کار و نوآوری نیست و بیشتر کسب رانت از ثروت‌های ملی مدنظر است؛ به عنوان مثال، بیش از نیم قرن است که در مرحله تولید آهن و فولاد خام درجایم‌زینم و هنوز زنجیره صنعت فولاد ایران موفق به تولید محصولات و کالاهای نهایی کاربر و نوآور با ارزش افزوده بالا نیست و فقط بر تولید آهن و فولاد خام تمرکز می‌شود.

آمایش سرزمینی در روند توسعه صنایع

مکان‌یابی نادرست صنایع در کشور موجب افزایش هزینه‌های تولید، آسیب به محیط‌زیست منطقه و حتی از بین بردن اشتغال بومی برخی مناطق شده است. دلیل شکل‌گیری این صنایع، عمدتاً تصمیماتی است که پشتوانه کارشناسی کافی ندارند یا تحت تأثیر ملاحظات سیاسی گرفته شده‌اند؛ مانند احداث واحدهای پتروشیمی (که جزء صنایع آب‌بر محسوب می‌شوند) در مناطق کم‌آب کشور یا احداث تعداد زیادی از فرودگاه‌ها در شهرهایی که از نظر جمعیتی کشش لازم برای احداث یک فرودگاه را ندارند. به عنوان یک مثال واقعی، پتروشیمی بروجن که بیش از ۱۲ سال از آغاز عملیات اجرایی آن می‌گذرد، در حال حاضر به یکی از طرح‌های غیرفعال پتروشیمی کشور تبدیل شده است. تعریف این پتروشیمی در منطقه‌ای صعب‌العبور، غیرممکن بودن احداث خط لوله و دوری از منابع تأمین پایدار آب، سبب شده است پیشرفت این طرح از ۵ درصد فراتر نرود. با وجود تأکید

مدیران صنعت پتروشیمی بر توقف این طرح، برخی از مسئولان استانی مخالف توقف آن هستند و مدعی شده‌اند این طرح مصوب هیئت دولت است و کسی حق مخالفت با آن را ندارد؛ از این رو باید مقوله «آمایش سرزمینی» قبل از هرگونه تصمیم به اجرای یک طرح صنعتی در یک منطقه مورد بررسی دقیق قرار گیرد و با تدوین یک سند حاوی قوانین تنظیمی، از استقرار صناعی که با ظرفیت‌های یک منطقه تناسبی ندارند، جلوگیری شود؛ به عنوان مثال، استقرار صنایع آب‌بر در مناطق خشک و نیمه‌خشک کشور ممنوع شود.

مسائل اولویت‌دار حوزه معدن

معدن یکی از اصلی‌ترین منابع خدادادی کشور بوده و جایگاه ویژه‌ای در اقتصاد کشور دارد. رهبر معظم انقلاب در بیانات خود در دیدار با اعضای هیئت دولت، معدن را از ظرفیت‌های مهم کشور دانسته و آن را بهترین جایگزین نفت برشمردند و بر استفاده از بخش خصوصی در شکوفا کردن ظرفیت معادن و جلوگیری از خام‌فروشی نیز تأکید کردند. در ادامه به مهم‌ترین مسائل این حوزه پرداخته می‌شود.

اصلاح قانون و توجه ویژه به عملیات اکتشافی

با توجه به این‌که امور اکتشافی مهم‌ترین و در عین حال پریسک‌ترین و هزینه‌برترین فعالیت معدن‌کاری به شمار می‌آید، قانون معادن مصوب ۱۳۷۷ در ماده ۵، دولت را رأساً مکلف بر شناسایی و اکتشاف ذخایر معدنی نموده بود، اما در ماده ۵ قانون اصلاح قانون معادن مصوب ۱۳۹۰، قانون‌گذار، دولت را فقط مکلف بر فراهم کردن بستر مناسب جهت اکتشاف افراد حقیقی یا حقوقی می‌داند که در واقع با این کار، وظیفه اصلی حاکمیت را در بخش اکتشاف ساقط کرده است و تمام خطر و هزینه هنگفت این بخش را متوجه بخش خصوصی نموده است. علاوه بر این، به علت ذکر شدن بخش اکتشاف معادن در قسمت هزینه‌های لایحه بودجه سالانه، دولت مردان را بر آن داشته است که کم‌ترین بودجه ممکن را به این بخش تخصیص دهند. برآیند این مسائل و چند مورد دیگر باعث شده است که درصد

کار اکتشافی در کشور برای سطوح مختلف بسیار پایین باشد. از جمله نتایج این مورد می‌توان به عدم رغبت سرمایه‌گذار جهت ورود به حوزه معدن‌کاری به علت بالابودن درصد خطرپذیری در این بخش اشاره نمود.

ایجاد پنجره واحد حاکمیتی در حوزه معدن کاری

ماده ۲۴ قانون اصلاح قانون معادن، وزارت صمت را مکلف به استعلام از نهادهای مختلف برای انجام فعالیت‌های معدنی در محدوده مورد نظر نموده است. همچنین این نهادها موظف شده‌اند که در مدت دو ماه، پاسخ استعلام را اعلام کنند، ولی نگاه بخشی هر مسئول به حیطه مسئولیت‌های خود و همچنین دیدگاه سوء به فعالیت‌های معدنی در جهت تخریب محیط زیست، باعث شده است که این نهادها در پاسخ بسیاری از استعلام‌های صورت گرفته، در همان چند روز اول بدون بررسی‌های لازم پاسخ منفی به استعلام داده و مانع شکل‌گیری فعالیت‌های معدنی در محدوده شوند. درحالی‌که در بسیاری از کشورهای سبز دنیا، تعدادی از معادن در جنگل‌ها و مراتع سبز با حفظ اصول و قوانین زیست محیطی فعالیت می‌کنند. همچنین تعداد این دستگاه‌ها و نبود پنجره واحد برای استعلام، موجب شده است که فرایند ثبت یک معدن برای متقاضی تبدیل به یک رویه فرسایشی شود. در نتیجه تجربه ثابت کرده است این سیستم برای حوزه معدن فسادزا است، چراکه معدن‌دار جهت کسب مجوز از این سازمان‌ها، دست به دامان رشوه و رانت‌های کلان شده است.

تضییع حقوق دولتی و انفال

طبق قانون معادن، حقوق دولتی براساس میزان ذخیره ثبت شده در گواهی کشف، اخذ می‌شود؛ بنابراین بسیاری از معدن‌داران تمایل دارند میزان ذخیره معدن خود را به میزان کمتری اظهار نمایند تا در هنگام پرداخت حقوق دولتی متحمل هزینه کمتری بشوند. ابزار دولت برای جلوگیری از این کار، مسئولان فنی اکتشاف هستند که به عنوان نماینده وزارت صمت از طرف سازمان نظام مهندسی

بر فعالیت‌های اکتشافی نظارت دارند، اما به علت تعارض منافع، در بسیاری از مواقع تأیید این مسئولان مطابق واقعیت نیست، چراکه پرداخت حق الزحمه‌ی برعهده‌ی معدن‌دار است که همین امر موجب شکل‌گیری تعارض منافع می‌شود. از دیگر مسائلی که باعث تضییع انفال می‌شود، صیانتی نبودن رفتار معدن‌دار با منابع معدنی است، از آن‌جا که منابع معدنی در سرتاسر ذخیره‌ی کشف‌شده دارای عیار و کیفیت برابر نیست، معدن‌دار جهت افزایش سود خود فقط اقدام به بهره‌برداری از باارزش‌ترین قسمت‌های معدن نموده و باقی را یا به صورت باطله درمی‌آورد و یا بدون بهره‌برداری رها می‌کند. از جمله دلایل این رفتار معدن‌دار می‌توان به تخصیص حقوق دولتی فقط به مواد معدنی خارج‌شده از معدن اشاره نمود؛ به این معنا که اگر بسیاری از منابع معدنی به صورت باطله در معدن باقی باشد، دولت از این مواد، حقوق دولتی اخذ نمی‌کند.

مورد دیگر که در تضییع انفال قابل اشاره است، احتکار معادن توسط اشخاص سودجو است. این افراد تلاش می‌کنند در بازه‌های زمانی که قیمت مواد معدنی افت کرده است، معادن را خریداری نموده و چند سال بدون بهره‌برداری کردن از معدن آن را متوقف نموده و در زمان افزایش قیمت مواد معدنی آن را بفروشند. سازوکارهای ضعیف نظارتی از دلایل این مسئله می‌باشند.

مشکل تأمین مالی در حوزه معدن‌کاری

با توجه به نیاز فعالیت‌های معدن‌کاری به سرمایه‌ی اولیه، تأمین مالی از جمله معضلات معدن‌کاران است. قانون معادن برای رفع این مشکل به بانک‌ها دستور داده است که پروانه بهره‌برداری را به عنوان وثیقه پذیرفته و با اعطای وام‌های کم‌بهره به فعالان این حوزه کمک نمایند، اما بسیاری از بانک‌ها پروانه بهره‌برداری را به عنوان وثیقه معتبر قبول نکرده و از دادن وام به معدن‌دار خودداری می‌کنند. از دیگر مسائل موجود جهت تأمین مالی معادن، عدم آشنایی فعالان معدن‌کاری با سازوکارهای بورس است. سازگار نبودن فعالیت‌های معدن‌کاران با سازوکار بورس این فرصت را از آن‌ها برای بهره‌بردن از سرمایه‌ی در انتظار بورس گرفته است. مورد

دیگر، عدم وجود یک مدل صحیح مالی جهت تعامل سرمایه‌دار بخش خصوصی با فعالان معدنی است. به علت یک سری تجربه‌های تلخ در گذشته، فضای اعتماد در حوزه معدن کاری از بین رفته است و نیازمند ایجاد یک مدل همکاری قابل اعتماد در این بخش است.

تأمین امنیت جانی کارگران

در طی سالیان متمادی، حوزه معدن شاهد اتفاقات و حوادث تلخ زیادی در معادن به خصوص ذغال سنگ بوده که منجر به داغ‌دار شدن خانواده‌های معدنی شده است.

کارفرمای معدن جهت حداکثر نمودن حاشیه سود خود، چون توان نقش‌آفرینی در افزایش درآمدها را تا حد خیلی زیادی ندارد (به علت پایین بودن کیفیت ذغال سنگ اکثر معادن و انحصار در خریداران و سازوکار فعلی قیمت‌گذاری محصولات این معادن که به قیمت شمش فولاد خوزستان وابسته است)، بالا جبار سعی در حداقل نمودن هزینه‌های سرمایه‌ای و جاری معدن خود دارد. به همین دلیل، بهترین محل برای تحقق این امر را عدم هزینه برای خرید تجهیزات مدرن و وسایل ایمنی خواهد یافت، چراکه سیستم نظارتی معادن نیز همان‌طور که گذشت، توانایی اعمال حاکمیت برای اجبار کارفرما در خرید تجهیزات را نداشته و در صورت اعتراض، حکم اخراج وی توسط کارفرما صادر خواهد شد. همچنین اصرار دولت بر ادامه فعالیت این معادن برای حفظ اشتغال افراد ساکن در مناطق محروم، انگیزه را از معدن‌دار برای تجهیز معدن خود گرفته است. مجموع این دست از مسائل، باعث عدم تأمین امنیت کافی برای کارگران شده است که در بسیاری مواقع به خاطر محروم بودن صنف کارگران معدنی از رسانه قوی، این موضوع از نظر حکمرانان مغفول می‌ماند.

مطالعه بیشتر

- گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس با عنوان «اولویت‌ها و راهبردهای مجلس شورای اسلامی در دوره دهم»
- گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس با عنوان «الگوی راهبردی حمایت از رونق تولید، فعالیت‌های نامولد رقیب تولید»
- گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس با عنوان «چالش‌ها و راهکارهای رونق تولید در سال ۱۳۹۸، برنامه‌های راهبردی و عملیاتی در حوزه‌های فرابخشی اقتصاد»
- گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی با عنوان «چالش‌ها و راهکارهای رونق تولید در سال ۱۳۹۸، بخش معدن و صنایع معدنی»
- گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی با عنوان «ضرورت اصلاح نظام حقوق دولتی معادن در ایران»
- کتاب «از سیاست اقتصادی تا سیاست صنعتی»، مرکز مطالعات تکنولوژی دانشگاه صنعتی شریف
- گزارش‌های عملکرد شرکت ملی صنایع پتروشیمی
- ترازنامه هیدروکربوری کشور، مؤسسه مطالعات بین‌المللی انرژی، سال ۱۳۹۵
- قانون اصلاح قانون معادن مصوب ۱۳۹۰

کمیسیون عمران

حوزه‌های فعالیت کمیسیون

راه و ترابری

مسکن

عمران شهری

عمران روستایی

امور عمرانی شهرداری‌ها و دهیاری‌ها

شبکه مسائل حوزه عمرانی کشور شامل تمامی امور مربوط به ایجاد زیرساخت های عمومی کشور و توسعه شهری و روستایی است. توسعه زیرساخت های مختلف شهری، منطقه ای و کشوری از محل بودجه های عمرانی و سرمایه گذاری های بخش خصوصی تأمین می شود و تأثیر مستقیمی بر رضایتمندی مردم دارد. از طرفی توسعه عمرانی از حیث ایجاد اشتغال نیز دارای اهمیت بوده و یکی از مهم ترین پیشران های اقتصاد برای اشتغال زایی پایدار است که این امر را به وسیله پیوندهای پیشین و پسین با سایر بخش های اقتصادی کشور شکل می دهد؛ به عنوان مثال، طبق بررسی های صورت گرفته به ازای هر ۱۰۰ مترمربع مسکن، ۱٫۴۴ شغل مستقیم و ۱ شغل غیرمستقیم ایجاد می شود. متأسفانه در سال های اخیر و در اثر کسری بودجه فعلی، اکثر بودجه به بخش جاری اختصاص یافته و شتاب توسعه عمرانی به شدت کاهش یافته است. از طرف دیگر، به دلایل مختلف عدم اطمینان در حوزه سرمایه گذاری در کشور، تأمین سرمایه از بخش خصوصی نیز دچار مشکل است.

در این بخش به دو مسئله عمده حوزه عمران؛ یعنی مسکن و حمل و نقل پرداخته شده است.

مسائل اولویت دار حوزه مسکن

براساس اصول ۳، ۳۱ و ۴۳ قانون اساسی، تأمین مسکن متناسب با نیاز برای اقشار مختلف و محرومان از مسکن، حق هر خانواده ایرانی است و دولت موظف است برای تحقق آن و رفع محرومیت در این زمینه با اولویت بخشی به آن هایی که نیازمندترند، تمام امکانات خود را به کار گیرد. حضرت امام خمینی علیه السلام در نخستین پیام اقتصادی خود پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران که در سال ۱۳۵۸ منتشر شد، با اشاره به فرارسیدن دوران چشیدن شکوه «عدل اسلامی» و ریشه کن کردن «فقر و استضعاف»، حل مسئله مسکن را برای رسیدن به این منظور عنوان

می‌کنند. حل موضوع مسکن تأثیر بسزایی در حل مسئله فقر اقتصادی خانواده‌ها در کشور دارد.

موضوع مسکن امروزه به یک موضوع استراتژیک در زندگی خانوارهای ایرانی تبدیل شده که سهم عمده‌ای در رفاه خانوار و بیشترین سهم را در سبد هزینه آن دارد. به صورت متوسط ۳۵٫۵ درصد سبد هزینه خانوارها در کشور به مسکن تعلق دارد. در کلان‌شهرهایی مثل تهران این عدد به ۴۷ درصد نیز رسیده و در بعضی خانواده‌ها در دهک‌های پایین درآمدی تا ۷۸ درصد از هزینه سبد خانوار را به خود اختصاص می‌دهد. از طرفی افزایش اجاره‌نشینی به ۳۶ درصد و تبدیل تقاضای مسکن به یک تقاضای سرمایه‌ای و غیرمصرفی و افزایش سوداگری در بازار مسکن از دیگر مشکلات عمده مسکن در وضعیت موجود است.

براین اساس، دو راهبرد اساسی «افزایش تولید و عرضه متناسب با نیاز» و «کنترل و کاهش تقاضاهای سرمایه‌ای و سوداگرانه در بازار مسکن» می‌بایست پیگیری شود. در کنار این دو راهبرد اساسی، نوسازی و بازسازی بافت‌های فرسوده نیز از مسائل جدی قابل پیگیری در حوزه مسکن است.

افزایش تولید و عرضه متناسب با نیاز

براساس آخرین آمار موجود از سرشماری در سال ۱۳۹۵، به ازای ۲۴٫۱ میلیون خانوار در سال ۱۳۹۵ فقط ۲۲٫۸ میلیون واحد مسکونی در کشور وجود دارد؛ بنابراین شاخص تراکم خانوار که نسبت خانوار موجود به واحد مسکونی را ارزیابی می‌کند، ۱٫۰۶ بوده که با حد مطلوب جهانی یعنی ۰٫۹۳ فاصله دارد. البته نسبت بالای اجاره‌نشینی در کشور نشان می‌دهد که درصد بالایی از واحدهای مسکونی در اختیار مالکانی است که صاحب بیش از یک واحد مسکونی هستند. از طرفی با افزایش تعداد خانوار در سال‌های آتی و نوسازی و بازسازی بافت‌های فرسوده، نیاز به مسکن در سال‌های آتی افزایش یافته و با در نظر گرفتن کمبود فعلی، با بررسی‌های به عمل آمده توسط کارشناسان، کشور به ۲۰ میلیون مسکن تا سال ۱۴۰۵ نیاز خواهد داشت. البته می‌بایست با اجرای سیاست‌های صحیح در عین تولید مسکن، آن

را به جامعه هدف و نیازمندان واگذار نمود و از ایجاد تقاضای سرمایه‌ای جلوگیری کرد. سیاست‌هایی از قبیل حذف قیمت زمین توسط دولت در مسکن‌های جدید، تبدیل واسطه مالکیتی به واسطه مدیریتی (در این مدل، سازنده حق الزحمه کار خود را دریافت کرده و برخلاف روش‌هایی مانند روش مشارکتی، در انتهای کار مالکیت ملک را نخواهد داشت) و کمک‌های بلاعوض به دهک‌های پایین از جمله سیاست‌های مطلوب برای افزایش عرضه مسکن هستند. متأسفانه در سال‌های اخیر در این زمینه کوتاهی شده و اجرای سیاست‌های غلطی همچون تولید مسکن به شیوه مشارکتی و اعطای وام خرید مسکن، منجر به عدم خانه‌دار شدن خانوارها به خصوص در دهک‌های پایین و همچنین افزایش قیمت مسکن و رکود در بازار مسکن در سال‌های آتی شده است.

کنترل و کاهش تقاضاهای سرمایه‌ای و سوداگرانه در بازار

برای دستیابی به این راهبرد، سیاست‌هایی وجود دارد که می‌بایست مجلس با ابزار تقنینی و نظارتی به اجرای آن کمک نماید.

• راه‌اندازی سامانه ملی املاک و اسکان کشور

ابزار اصلی دولت برای شناخت وضعیت موجود و برنامه‌ریزی، شناسایی خانه‌های خالی، اخذ مالیات‌های تنظیمی و اجرای هرگونه سیاستی بر املاک و اسکان کشور، راه‌اندازی سامانه جامع ملی املاک و اسکان کشور است. در تیرماه سال ۱۳۹۴، مجلس شورای اسلامی در جریان اصلاح قانون مالیات‌های مستقیم، دولت را مکلف به اجرای این سامانه در شش ماه کرد، ولی به دلیل عدم اراده کافی، اجرای این قانون تاکنون معطل مانده و می‌بایست پیگیری آن با ابزار نظارتی مجلس محقق شود.

• اجرای مالیات‌های تنظیمی

مالیات‌های تنظیمی اصولاً برای اصلاح رفتار اجرا می‌شوند، نه برای اخذ درآمد.

مالیات در اقتصاد مسکن با دو هدف بازتوزیع ثروتی که در فرایند سوداگری در اختیار عده محدودی قرار گرفته است و همچنین هدایت مالکان زمین و مسکن به تخصیص بهینه منابع خود، وضع می شود. البته باید به این نکته توجه کرد که در صورت عدم تولید و عرضه مناسب مسکن، اجرای مالیات های تنظیمی می تواند نتیجه نامطلوبی داشته و گاهی موجب افزایش قیمت شود.

• مالیات بر عایدی سرمایه (CGT)

مالیات بر عایدی سرمایه در سال ۱۳۶۶ از قانون مالیات های مستقیم حذف شده و در سال ۱۳۹۳ نیز از لایحه اصلاح این قانون در مجلس شورای اسلامی برداشته شد و تلاش ها برای تصویب آن در سال های اخیر نیز بی نتیجه مانده است. این مالیات که درصدی از مابه التفاوت قیمت خرید و فروش مسکن در هنگام نقل و انتقال است، در واقع از سود ناشی از فروش مایملک اخذ شده و از اصلی ترین عوامل جلوگیری از سفته بازی و سوداگری در بازار مسکن است، زیرا هزینه این کارها را افزایش می دهد.

• مالیات بر خانه ها خالی

طبق آمارهای موجود، در حال حاضر ۲,۵۸ میلیون خانه خالی در کشور وجود دارد که اخذ مالیات از آن ها می تواند منجر به افزایش عرضه آن ها و کاهش قیمت اجاره و بهای مسکن شود. آمار، حاکی از آن است که ۹۲ درصد از افرادی که در تهران اقدام به خرید خانه می کنند، خانه دار هستند و خانه دیگران ها صرفاً جهت حفظ سرمایه است. رکود بازار مسکن و عدم توانایی خرید منزل نیز مزید بر علت شده است. قانون مربوط به این مالیات در سال ۱۳۶۶ به تصویب رسیده و در سال ۱۳۸۰ به دلیل هزینه اجرایی لغو شد که این هزینه نیز به دلیل ماهیت تنظیم گری (نه درآمدی) این قانون است. این قانون مجدداً در سال ۱۳۹۴ تصویب شد، ولی نبود سامانه ملی املاک و اسکان منجر به عدم اجرای آن شده است.

• مالیات بر ارزش زمین (LVT)

این مالیات مبتنی بر درصدی از ارزش زمین (در این مالیات ارزش خود واحد مسکونی لحاظ نشده و ارزش زمین مبنای اخذ مالیات است) به صورت سالیانه اخذ شده و منابع موجود را به سمت استفاده و کاربری بهینه هدایت می‌کند، زیرا بین این‌که زمین بیهوده رها شده یا از آن استفاده بهینه شود، تفاوتی وجود ندارد. البته در نرخ‌گذاری آن نیز می‌توان سیاست‌های فرهنگی و اجتماعی (از جمله تعداد طبقات) را نیز اعمال کرد. این مالیات می‌تواند به جای عوارض فروش تراکم که توسط شهرداری‌ها گرفته می‌شود اخذ شده و هزینه تولید مسکن را به دلیل کاهش هزینه عوارض و افزایش عرضه زمین کاهش دهد.

• مالیات بر خانه‌های گران‌قیمت (SDLT)

این مالیات به صورت درصدی از کل ارزش املاک گران‌قیمت در هنگام نقل و انتقال، از خریدار اخذ می‌شود. این مالیات بیشتر جنبه درآمدی برای دولت داشته و به کنترل قیمت کمک خواهد کرد.

احیای بافت فرسوده و بازآفرینی شهری

یکی از مشکلات موجود در حوزه مسکن، وجود بافت‌های فرسوده با ویژگی عدم برخورداری مناسب از دسترسی به امکانات، داشتن ارزش نازل مکانی، محیطی و اقتصادی و ریزدانی (املاک، قطعات و پلاک‌هایی که ابعاد و مساحتی کوچک دارند و از طرفی دارای تراکم جمعیت بالا هستند) است. براساس بعضی از آمارهای ارائه شده توسط کارشناسان حوزه مسکن، حدود ۲۱ میلیون نفر از جمعیت کشور در حال زندگی در بافت فرسوده هستند. احیای بافت فرسوده از چند منظر ضرورت دارد. استفاده از مصالح غیراستاندارد و عدم مقاومت در برابر زلزله از منظر عمرانی، نامناسب بودن وضعیت دسترسی‌ها و سرانه‌های خدماتی (خدمات درمانی، آتش‌نشانی، فضای سبز و...)، شرایط زیست‌محیطی نامطلوب و نمای نامناسب شهری از منظر شهرسازی و معماری، وجود فعالیت‌های ناسازگار اقتصادی و

عدم توانایی اقتصادی مالکان برای احیای بافت فرسوده از منظر اقتصادی و وجود ناهنجاری‌های اجتماعی و فقدان عدالت در دسترسی به امکانات از منظر اجتماعی تنها گوشه‌ای از دلایل ضرورت احیای بافت فرسوده توسط حاکمیت است. البته در بازسازی و نوسازی بافت فرسوده، حفظ هویت اجتماعی بافت اهمیت ویژه‌ای دارد که عدم توجه به آن می‌تواند نتایج نامطلوبی در منطقه برای ساکنان جدید و قدیم داشته باشد. در حال حاضر عدم همکاری مالکان، وجود مشکلات حقوقی و مالکیتی و ضعف قوانین موجود از جمله قانون «سامان‌دهی و حمایت از تولید و عرضه مسکن» و قانون «حمایت از بهسازی و نوسازی بافت فرسوده و ناکارآمد شهری» از جمله موانع پیشرفت در این حوزه هستند و لازم است که مجلس به صورت جدی در این حوزه برای رفع مشکلات قانونی و کمک به ایجاد طرح‌های مناسب بازآفرینی شهری با استفاده از طرح‌های پیشنهادی کارشناسان، ورود نماید. روش‌هایی مانند بازتنظیم زمین از جمله روش‌هایی هستند که در مورد حل این مسئله توسط کارشناسان پیشنهاد شده‌اند.

مسائل اولویت‌دار حوزه حمل و نقل

سالانه حدود ۱۵۰۰۰ نفر در جاده‌های کشور کشته می‌شوند که حدوداً معادل روزانه ۵۰ نفر است. مسائلی نظیر نبود جاده‌های مناسب، فرسودگی ناوگان حمل بار، نبود یا یک خطه بودن بخش حمل و نقل ریلی، فرسودگی ناوگان حمل و نقل هوایی و عدم استفاده از پتانسیل‌های موجود در این حوزه مشکلاتی هستند که در حوزه حمل و نقل اهمیت دارند. ترانزیت و حمل و نقل از گذشته تاکنون و نیز در آینده نقش بسیار مهمی در کشور دارند. کشور ایران به علت موقعیت جغرافیایی بسیار عالی خود به لحاظ ترانزیت منطقه‌ای می‌تواند جایگاه بسیار بالایی داشته باشد که متأسفانه به دلایل مختلف از این فرصت استفاده درست به عمل نیامده است. شبکه مسائل حوزه حمل و نقل به صورت کلی در دسته‌بندی زیر قرار می‌گیرد:

۱. حمل و نقل ریلی؛

۲. حمل و نقل جاده‌ای؛

۳. حمل و نقل هوای؛

۴. حمل و نقل دریایی؛

۵. حمل و نقل درون شهری.

به علت قابلیت جریان سازی و به نتیجه رساندن بعضی مسائل، در ادامه به اختصار به چند مورد مهم و حیاتی اشاره خواهیم کرد، اما مسائل پراهمیت و مهم دیگری نیز در حوزه حمل و نقل وجود دارند که در قسمت منابع و مراجع برای مطالعه بیشتر به آن ها اشاره شده است.

تکمیل شبکه ریلی

در بخش حمل و نقل ریلی، پتانسیل های بسیاری وجود دارد که از آن ها غفلت شده است. کشورهای آسیای میانه و روسیه که به آب های گرم دسترسی ندارند یا چین و هند که برای صادرات خود نیاز به ترانزیت از کشور ایران دارند، فرصتی بسیار عالی برای کشور فراهم کرده اند که می تواند باعث کسب درآمد از راه ترانزیت منطقه ای در حوزه ریلی شود. به طور خاص، احداث و تکمیل خطوط زیر در رسیدن به اهداف ذکر شده بسیار مؤثرند:

- راه آهن چابهار- زاهدان- سرخس؛

- راه آهن رشت- آستارا؛

- راه آهن کرمانشاه- خسروی؛

- راه آهن شلمچه- بصره.

دوخطه سازی خطوط یک طرفه

بسیاری از خطوط موجود راه آهن، خطوط یک طرفه بوده و بهره برداری درستی از آن ها نمی شود. میانگین سرعت قطارهای باری در کشور ما (با احتساب توقف) ۵ کیلومتر بر ساعت است. یک طرفه بودن خطوط راه آهن در این مسئله نقش بسیار زیادی دارد و باعث شده است که افراد حقیقی و حقوقی، ترانزیت باری خود را بر روی حمل و نقل جاده ای متمرکز کنند که مصرف بیشتر سوخت، استهلاک بیشتر جاده ها و افزایش ترافیک از تبعات آن است.

برقی سازی خطوط

خطوط پُراستفاده در کشور ما که بار یا مسافر حمل می کنند، با برقی شدن قابلیت استفاده با راندمانی بسیار بیشتر از راندمان فعلی دارند. با برقی کردن قطارها می توان زمان سفرها را بسیار کاهش داد که طبعاً موجب روی آوردن مسافران به استفاده از حمل و نقل ریلی خواهد شد. حتی کم شدن زمان سفرها تا ۲ ساعت می تواند تمرکز جمعیتی از شهرهای بزرگ را کم و به شهرهای حومه ای انتقال دهد. از جمله خطوطی که برقی کردن آن ها در رسیدن به راندمان بالا و کاهش هزینه ها بسیار مؤثر است:

- برقی سازی خط تهران- مشهد؛
- برقی سازی محور جنوب؛
- برقی سازی و ایجاد قطار سریع السیر تهران- اصفهان.

قطارهای حومه ای-حمل و نقل شهری

قطارهای حومه ای نقش بسیار زیادی در تمرکززدایی و حمل و نقل مسافران در درون شهر دارند. اهمیت این موضوع در گران شدن بنزین و بررسی نقاط پراستهاب کاملاً قابل مشاهده است. همچنین افراد اگر توانایی خرید خانه در شهرهای بزرگ را نداشته باشند یا به هر علتی مجبور باشند روزانه به شهر بروند و برگردند، این موضوع در حل مشکل آن ها بسیار مؤثر است. از جمله خطوط قطارهای شهری که احداث آن ها می تواند به موضوعات مذکور رسیدگی کند، به شرح زیر است:

- تهران- اسلامشهر؛
- تهران- شهریار- ملارد؛
- تهران- پردیس؛
- مشهد- گلبهار؛
- شیراز- صدرا.

تکمیل شبکه آزادراهی- حمل و نقل جاده‌ای

در کشور ما محورهای جاده‌ای بسیار کمی به صورت آزادراه ساخته شده‌اند. این مسئله در موارد بحرانی و حساس یا در اوقات مسافرت‌های بین شهری خود را نشان می‌دهد. تکمیل شبکه آزادراهی فواید بسیار زیادی همچون کم شدن کشته‌های جاده‌ای، کم شدن فرسودگی خودروها و کمتر شدن زمان سفرها دارد. از جمله محورهایی که اضافه شدن آن‌ها به شبکه آزادراهی کشور بسیار اهمیت دارند، به شرح زیر است:

- اصفهان - شیراز - بوشهر؛
- حرم تا حرم؛
- نطنز - سیرجان - بندرعباس؛
- همدان - کرمانشاه - خسروی.

مطالعه بیشتر

- مقاله «مالیات بر عایدی سرمایه چیست؟»
- گزارش مرکز مطالعات تکنولوژی دانشگاه علم و صنعت با عنوان «وضع چهار مالیات بازار مسکن را وارد رونق غیرتورمی می‌کند»
- مقاله «تحولات مسکن در چهار دهه انقلاب اسلامی»
- فرمان تاریخی افتتاح حساب ۱۰۰ امام علیه السلام
- سند بالادستی طرح جامع حمل و نقل

کمیسیون فرهنگی

حوزه‌های فعالیت کمیسیون

فرهنگ و هنر

ارشاد و تبلیغات

صدا و سیما و ارتباطات جمعی

تربیت بدنی و جوانان

زنان و خانواده

اهمیت مسائل فرهنگی بر کسی پوشیده نیست و در کنار اقتصاد، از اصلی‌ترین مسائل کشور به شمار می‌آید. در دیدگاه مقام معظم رهبری نیز فرهنگ جایگاه ویژه‌ای دارد. ایشان می‌فرمایند:

فرهنگ، به معنای هوایی است که ما تنفس می‌کنیم؛ شما ناچار هوا را تنفس می‌کنید، چه بخواهید، چه نخواهید. اگر این هوا تمیز باشد، آثاری دارد در بدن شما؛ اگر این هوا کثیف باشد، آثار دیگری دارد. فرهنگ یک کشور مثل هوا است؛ اگر درست باشد، آثاری دارد. فرهنگ یعنی باورهای مردم، ایمان مردم، عادات مردم، آن چیزهایی که مردم در زندگی روزمره با آن سروکار دائمی دارند و الهام‌بخش مردم در حرکات و اعمال آن‌ها است؛ فرهنگ این است. فرهنگ، پاشنه آشیل جنگ نرم بوده و تبعات ناشی از غفلت آن روزبه‌روز بیشتر به چشم می‌خورد. در شرایط اقتصادی فعلی نیز غفلت از مسائل فرهنگی تشدید شده و می‌بایست نهادهای متولی توجه ویژه‌ای به آن نمایند. البته مسئله فرهنگ از آن دست مسائلی نیست که سامان آن صرفاً متوجه حاکمیت باشد، بلکه مردم و سازمان‌های مردم‌نهاد نقش ویژه‌ای در ساخت فرهنگ جامعه و جهت‌دهی آن دارند. نکته جالب توجه این است که کمیسیون فرهنگی در مجلس جزء کمیسیون‌هایی است که نمایندگان، اقبال بسیار کمی برای حضور در آن دارند. این موضوع شاید به جهت عدم وجود رانت کافی و امتیازات و لابی‌های گسترده مالی در حوزه فرهنگ است.

نهادسازی، عامل رشد فرهنگ

یکی از چیزهایی که در هر حرکت عمومی و در هر نهضت لازم است، این است که براساس تفکرات و مبانی پایه‌ای این نهضت و این جریان، هم بایستی «واژه‌سازی» بشود، هم بایستی «نهادسازی» بشود. در زمان کنونی، نظام فرهنگی کشور به بحث نهادسازی توجه نداشته است و

عموماً به افراد تکیه می‌زند. برای مثال در حوزه سینما، برای ساخت فیلم، غالباً تهیه‌کننده جایگاه دارد و به معنای کلی آن کمپانی و شرکت فیلم‌سازی جایگاهی ندارد، یا در مورد ورزش، باشگاه جایگاهی ندارد و آن چه اهمیت دارد، مدیرعامل است که فعالیت‌ها را مدیریت می‌کند. این موضوع قابل تعمیم به قسمت‌های دیگر در حوزه فرهنگ نیز هست.

سیاست‌گذاری عموماً در قالب یک نهاد معنا پیدا می‌کند. در این صورت است که با توجه به استراتژی سیاست‌گذاری می‌توان حمایت یا عدم حمایت را در مورد یک نهاد بررسی کرد و برای آن سیاست صحیح را اتخاذ نمود. موضوع اخذ مالیات یا عدم اخذ مالیات از هنرمندان مثالی واقعی از سیاست‌گذاری معیوب در قبال مسئله فرهنگ و هنر است که به هدف خود که حمایت از فرهنگ عمومی بوده منجر نشده است.

در صورتی که در کشور نهاد رسمی وجود نداشته باشد، فعالیت‌های فرهنگی به افراد وابسته شده و از طرفی افراد نیز در مورد فعالیتشان پاسخگو نخواهند بود. در نظامی که براساس نهادسازی شکل گرفته است، امکان شفافیت و پیگیری آن بیشتر خواهد بود و همه متصدیان نهاد در هر بخش، منتفع یا متضرر می‌گردند، نه عده‌ای خاص. پس قابلیت اصلاح بیشتر خواهد بود.

ایجاد پنجره واحد حاکمیتی در حوزه سیاست‌گذاری رسانه

در حوزه رسانه، به صورت کلی دسته‌بندی‌های مختلفی صورت می‌گیرد، ولی یکی از دسته‌بندی‌های مورد نظر کارشناسان، رسانه را به سه دسته رسانه‌های سنتی و چاپی، رادیو-تلویزیون و رسانه‌های اینترنتی و رسانه‌های اجتماعی تقسیم‌بندی می‌کند. نحوه سیاست‌گذاری کشور چه در لایه کلان و چه در لایه‌های پایین‌تر -بالأخص در حوزه رادیو-تلویزیون و رسانه‌های اینترنتی و اجتماعی- معیوب است و عدم وجود سیاست‌های کلان و راهبردی یکی از مشکلات این حوزه است؛ به عنوان مثال صداوسیما جمهوری اسلامی از ابتدای انقلاب هنوز دارای یک قانون مشخص و راهبرد کلان نبوده و همچنان به مسیر خود ادامه

می‌دهد، اما مشکل اصلی و ریشه‌ای این حوزه وجود چند نهاد متولی در حوزه رسانه است. نهادهایی که در هنگام صدور مجوز و ایجاد مانع برای رسانه‌ها و کسب و کارهای این حوزه، همگی به میدان می‌آیند، اما در هنگام ایجاد مشکلات، هیچ‌گونه مسئولیتی را متوجه خود نمی‌دانند. نهادهایی مانند وزارت ارتباطات، معاونت فضای مجازی صداوسیما، معاونت رسانه‌های دیجیتال وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و شورای عالی فضای مجازی و بعضی از نهادهای امنیتی از متولیان و سیاستگذاران حوزه رسانه در کشور هستند که چهارچوب وظایف و اختیارات آن‌ها در حوزه رسانه مشخص نبوده و فعالان این عرصه را دچار مشکل می‌نماید. در این میان حتی تصویب قوانین مناسب در حوزه‌های مختلف مانند حفاظت از اطلاعات (در حوزه بزرگ داده‌ها) و مسائل مربوط به مجوزدهی و رقابت و انحصار در حوزه کسب و کارهای رسانه‌ای نیز کارآمد نخواهد بود، زیرا اجرای آن با توجه به ساختار نامناسب موجود، دچار مشکل خواهد بود.

بسترسازی برای شفافیت مالی در حوزه فرهنگ

در حوزه فرهنگ، یکی دیگر از مباحث بسیار مهم، اقتصاد سیاسی است. به این نحو که اگر سرمایه‌ای در بخشی از هنر و فرهنگ ما ورود پیدا می‌کند، توسط چه جریان‌ات فکری و سیاسی و یا مذهبی است؟ این شفافیت اولاً سبب می‌شود که امکان مالیات‌گرفتن به نحو مطلوبی فراهم شود و از سوی دیگر توزیع ثروت در این حوزه عادلانه‌تر صورت گیرد و همچنین مقاصد برنامه‌ها در این حوزه واضح شود. در کشور ما پول‌شویی در قالب سازمان‌های فرهنگی بسیار ریشه دوانده است؛ به نحوی که بعضی از افراد که اموالی را از طرق نامشروع تحصیل کرده‌اند، پول‌های خود را در پروژه‌های سینمایی و سریال‌های نمایش خانگی سرمایه‌گذاری می‌کنند. ارتباط افراد محکوم در پرونده بانک سرمایه با بسیاری از فیلم‌های پرفروش سینما در سال‌های اخیر، گویای این مسئله است.

نقش مجلس در این حوزه می‌تواند قانون‌گذاری و نظارت بر سرمایه‌های وارد شده

در فرهنگ باشد تا کنترل بهتری بر جریان‌ات مالی موجود در عرصه فرهنگ شکل بگیرد.

جلوگیری از عملکرد جزیره‌ای و ارزیابی مبتنی بر عملکرد

قالب سازمان‌های فرهنگی، حوزهٔ بخصوصی را برای تأثیرگذاری انتخاب نمی‌کنند، به‌همین دلیل در بسیاری از موارد هم‌پوشانی به‌وجود می‌آید. این موضوع باعث شده است که بودجه‌های فرهنگی به بخش‌هایی اختصاص یابند که اثرگذاری موردنظر را نداشته و برعکس در بخش‌های رسانه‌های صوتی، تصویری و مجازی که بخش عمده‌ای از اثربخشی فرهنگی را شامل می‌شوند، سرمایه‌گذاری انجام نشود. باید کشور به سمتی پیش برود که گزارش عملکرد جای خودش را به ارزیابی عملکرد بدهد و اثربخشی برنامه‌های فرهنگی و کیفیت آن‌ها اهمیت بیشتری داشته باشد. از طرفی ارزیابی نهادهای فرهنگی و عملکرد آن‌ها مبنای اعطای بودجه و تسهیلات باشد.

سیاست‌گذاری در حوزهٔ زنان و خانواده

موضوع زنان و خانواده علی‌رغم اهمیت فراوان آن دچار چالش‌های جدی شده است که باید اقدامات مقتضی به‌سرعت شکل گیرد.

• عدم اقدام مناسب در راستای مدیریت پدیدهٔ طلاق

طبق آمارهای سازمان ثبت احوال و مرکز آمار کشور، نرخ طلاق طی ۱۰ سال گذشته حدود ۵۰ درصد رشد داشته و شمار طلاق در سال ۱۳۹۶ به بیش از ۱۷۰ هزار مورد رسیده است. برپایهٔ سرشماری سال ۱۳۹۵ مرکز آمار نیز، بیش از ۶۵۰ هزار زن مطلقه در کشور وجود داشت که این آمار با طلاق‌های سال ۱۳۹۶ به حدود ۸۰۰ هزار نفر رسیده است.

• عدم حمایت از فرزندآوری

حمایت از فرزندآوری یکی از تأکيدات اسناد حوزه خانواده در کشور به شمار می‌رود؛ به طوری که بند شانزدهم سیاست‌های کلی خانواده برای ایجاد سازوکارهای لازم برای ارتقای سلامت همه جانبه خانواده‌ها - به ویژه سلامت باروری و افزایش فرزندآوری - در جهت برخورداری از جامعه جوان، سالم، پویا و بالنده تأکید دارد. با این حال، طبق آمار بانک جهانی، نرخ باروری در ایران طی چند سال گذشته هیچ‌گاه سیر صعودی نداشته است.

طبق پیش‌بینی‌های صندوق جمعیت سازمان ملل، ایران تنها در صورتی به باروری بالای سطح جانشینی - مورد تأکید در سیاست‌های کلی جمعیت - می‌رسد که نرخ باروری را براساس سناریوی رشد بالا تجربه کند. براساس این پیش‌بینی‌ها با ادامه روند فعلی، رسیدن به باروری بالای سطح جانشینی مقدور نیست. علی‌رغم تأکيدات رهبری به فرزندآوری، نه تنها سیاست‌های تشویقی مشخصی در این حوزه وجود ندارد، بلکه به عنوان مثال، نحوه تخصیص یارانه معیشتی در سیاست بنزینی دولت، کاملاً مخالف سیاست‌های فرزندآوری است، زیرا با افزایش فرزند، نرخ سهم هر فرد در خانوار کم شده و خانوار بالای ۵ نفر نیز رسمیت ندارد.

برطرف کردن خلأهای قانونی در مورد نهادهای فرهنگی

از نظر کارشناسان، در حوزه‌های زیر خلأهای قانونی جدی وجود دارد که مجلس می‌بایست در این حوزه‌ها ورود پیدا کند و این خلأهای قانونی را اصلاح کند.

• نهادهای زیر نظر رهبری

سازمان اوقاف، سازمان تبلیغات اسلامی و کمیته امداد امام خمینی و سایر نهادهای زیر نظر رهبری از قوانین و محدوده فعالیت‌های دقیق برخوردار نیستند و نیازمند شفاف شدن محدوده اختیارات می‌باشند. از جمله دیگر نهادهای بسیار تأثیرگذار زیر نظر رهبری در حوزه فرهنگی، صداوسیما است که با بیش از پنجاه هزار

نفر کارمند، یکی از پرجمعیت‌ترین سازمان‌های خدماتی جهان است. با توجه به این‌که این سازمان بودجه خود را از دولت دریافت می‌کند، عمده مسئله‌ای که با آن دست‌وپنجه نرم می‌کند، عدم استقلال این سازمان است. در حوزه قانونی نیز این سازمان نیاز به اصلاح جدی دارد؛ از این جهت که باید این قانون‌ها هم استقلال این سازمان را در برگیرد، هم سبب اصلاح ساختاری در بخش‌های مختلف سازمان شود.

• ایجاد ظرفیت قانونی نظارت بر بودجه مؤسسات وابسته به وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

متأسفانه این مؤسسات که زیرمجموعه وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی هستند، قابل نظارت توسط سازمان بازرسی و دیوان محاسبات نیستند و شفافیت مالی در این مؤسسات وجود ندارد.

• اصلاح نظام اداره و تأمین مالی صندوق‌های حمایتی از جمله صندوق حمایت از هنرمندان

صندوق حمایت از هنرمندان یکی از زیرمجموعه‌های وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی است که در دولت نهم برای ارائه تسهیلات و نیز بیمه تأمین اجتماعی هنرمندان راه‌اندازی شد و هنوز به شکل هیئت‌امنایی به فعالیت خود ادامه می‌دهد. این طرح در دوره کنونی بسیار مغفول واقع شده است.

مطالعه بیشتر

- کتاب «با نمایندگان»، مرکز پژوهش‌های مجلس
- کتاب «اقتصاد فرهنگی» انتشارات دانژه
- مقاله «جامعه‌شناسی مخاطب در حوزه فرهنگی و هنری»؛ پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
- مقاله «تولید و مصرف محصولات فرهنگی و هنری، نگاهی به اقتصاد فرهنگ»؛ پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
- گزارش «پول‌شویی فرهنگی یا فرهنگ پول‌شویی»؛ سایت سراج

کمیسیون قضایی و حقوقی

کمیسیون قضایی و حقوقی مجلس شورای اسلامی یکی از کمیسیون‌های تخصصی و اثرگذار مجلس به خصوص در تصویب لوایح و طرح‌های مربوط به نظام قضایی کشور و اصلاح، به‌روزرسانی و بازنگری در قوانین مجازات کیفری و قوانین جامعی مانند قانون تجارت و دیگر قوانین است. همچنین از آن‌جا که مباحث حقوقی و قضایی، بسیار تخصصی است و سایر نمایندگان در دیگر کمیسیون‌ها توان اظهارنظر در این حوزه را ندارند، نظری که توسط کمیسیون حقوقی و قضایی مطرح می‌شود، عموماً در صحن مجلس نیز تصویب می‌شود.

امروزه در کشور، مردم به علل مختلفی با قوه قضائیه و دادگاه سروکار دارند. بسیاری از افراد از مشکلات فراوانی که در حوزه حقوقی و قضایی برایشان دردسرساز شده است، گله می‌کنند. قوه قضائیه نیز از مشکلاتی که در انجام وظایف و رسالت خود دارد، خبر می‌دهد. مجلس شورای اسلامی باید در حل مشکلات ریشه‌ای که در این حوزه وجود دارند ایفای نقش کند و با نصب قوانین صحیح و اصلاح ساختارهای قانون‌گذاری، مراجعه مردم به قانون و احقاق حق آن‌ها را تسهیل نماید.

نظم و شفافیت در ساختار قوانین و قانون‌گذاری-تنقیح قوانین

یکی از مشکلات پایه در حوزه حقوقی و قضایی کشور، عدم وجود نظم و شفافیت در ساختار قوانین و قانون‌گذاری کشور است. قوانین مربوط به هر بخش به صورت مناسب دسته‌بندی و کدگذاری نشده‌اند و به جوانب یک موضوع در قوانین متفاوتی پرداخته شده است. بسیاری از قوانینی که نصب می‌شوند، قوانین گذشته را نقض کرده یا کلاف سردرگمی را ایجاد می‌کنند. یکی از معضلاتی که در نتیجه این عدم انضباط به وجود می‌آید، همین است که مجلس برای پرداختن به هر موضوعی مجدداً تصویب قانونی را در دستور کار قرار می‌دهد، درحالی که قوانین گذشته را نسخ نکرده و ایجاد انبوهی از قوانین منجر به سوءاستفاده بعضی افراد در داخل یا بیرون دستگاه‌های اجرایی می‌شود. تنقیح قوانین یکی از اصلی‌ترین

دغدغه‌های مقام معظم رهبری نیز بوده است. ایشان می‌فرمایند:

منطق بعضی از قوانین تمام شده است؛ که همین مسئله تنقیح قوانین است که من قبلاً هم مکرر عرض کرده‌ام. بله چند سال قبل، قانونی در خود جمهوری اسلامی یا قبل از جمهوری اسلامی تصویب شده؛ قانون است لکن الآن این قانون منطقی ندارد، این قانون را حذف کنید؛ یعنی مجلس شورای اسلامی می‌تواند این کار را انجام بدهد، هیچ دستگاه دیگری نمی‌تواند.

از طرفی بعضی شوراها و عالی در کشور نیز دارای تداخل وظایف با دستگاه‌های اجرایی بوده و گاهی بعضی دستگاه‌های اجرایی نیز با یکدیگر تداخل وظیفه دارند که لازم است شرح وظایف و اختیارات دستگاه‌ها نیز واضح و شفاف شود. البته اقدامات مثبتی در حوزه تنقیح قوانین در دستگاه قضایی کشور در حال صورت گرفتن است که از آن جمله می‌توان به دستورالعمل تنقیح قوانین و مقررات قضایی در مهرماه ۱۳۹۸ اشاره کرد.

شاخص‌های نگران‌کننده پرونده‌ها در دستگاه قضایی

پرونده‌هایی که در قوه قضاییه وجود دارند، از ویژگی‌هایی برخوردار هستند که باعث نگرانی و چراغ زرد دستگاه‌های نظارتی می‌شوند. سه شاخص نگران‌کننده در رابطه با پرونده‌ها مدنظر است؛ اول این که پرونده‌ها تعداد بسیار زیادی دارند و حجم بسیار زیاد پرونده، کیفیت رسیدگی به آن را می‌کاهد؛ به عنوان مثال در سال ۱۳۹۶ حدود ۱۶ میلیون پرونده تکراری و ۶ میلیون پرونده یکتا وارد دستگاه قضا شده است. مشکل دوم، زمان رسیدگی به پرونده یا اطاله دادرسی پرونده‌ها است که نسبت به استانداردهای جهانی بسیار بالاتر است و بعضی از افراد از ترس زمان بالای رسیدگی به پرونده‌ها ترجیح می‌دهند وارد فرایند قضایی نشوند. مورد آخر در رابطه با موضوعاتی است که پرونده‌های مربوط به آن‌ها سالانه افزایش می‌یابد. در بعضی مسائل پرونده‌هایی وجود دارند که سالانه از تعداد آن‌ها کاسته می‌شود و سیر نزولی دارند. در مقابل، بعضی کانون‌ها وجود دارند که مسائل آن‌ها سال به سال در حال افزایش است.

جمع کل پرونده‌های حقیقی در ۵ سال اخیر ۹ درصد افزایش داشته است. در این میان پرونده‌های مربوط به ناتوانی مالی از پرداخت بدهی با ۲۴ درصد رشد، اجرای احکام مربوط به هیئت حل اختلاف کارفرما و کارگر، مطالبه وجه چک و الزام به تنظیم سند رسمی ملک بیشترین افزایش را تجربه کرده‌اند که می‌بایست اقدامات لازم چه به صورت پیشگیرانه و چه به وسیله اصلاح قوانین، برای کاهش این پرونده‌ها صورت پذیرد.

رفع معضلات مربوط به پرونده‌های حوزه سند عادی

در ماده ۱۲۹۱ قانون مدنی، شرایطی پیش‌بینی شده است که یک سند عادی در صورت اثبات امضای طرفین، در حکم سند رسمی باشد و اعتبار سند رسمی را داشته باشد. طبق اظهارات غیررسانه‌ای بعضی مقامات قضایی، درصد بالایی از مالکیت‌های اموال غیرمنقول در کشور، غیررسمی یا به اصطلاح عادی است. انتقال این نوع مالکیت نیز معمولاً به صورت عادی و بدون نظارت حکومت انجام می‌گیرد. فقدان نظارت حاکمیت بر این نقل و انتقالات علاوه بر بروز آسیب‌هایی چون معاملات معارض، زمین‌خواری و افزایش دعاوی قوه قضائیه، موجب راکدتر شدن فضای کسب و کار به دلیل تزلزل حقوق مالکیت شده است. رئیس سازمان ثبت اسناد کشور در دی ماه سال ۱۳۹۸ ادعا کرده است که ۲۵ درصد پرونده‌های قضایی به صورت مستقیم یا غیرمستقیم با اسناد عادی ارتباط دارند.

وجود این مسئله در حالی است که در چند سال اخیر، اجماع نخبگانی بر ضرورت تغییر رویکرد در این مسئله شکل گرفته، اما تلاش‌های مکرر مجلس برای تغییر قانون و مشروط کردن انتقال مالکیت به ثبت رسمی با مخالفت شورای نگهبان به دلیل چالش فقهی مواجه شده است. ماده ۶۲ احکام دائمی برنامه‌های توسعه کشور و همچنین ابطالیه شورای نگهبان بر مواد ۲۲ و ۴۸ قانون ثبت (هر دو در سال ۱۳۹۵) نمونه‌ای از این چالش فقهی است.

تسهیل صدور حکم برای تصادفات جرحی

آمار تصادفات جرحی بسیار بالاست؛ از طرفی به علت نقص عضو یا فوت و بالابودن دیه، این پرونده‌ها برای طرفین بسیار مهم هستند. در چندسال گذشته این پرونده‌ها آمار افزایشی بسیار زیادی داشته‌اند. پیگیری و به نتیجه رساندن این مسائل نیز شاید به چندسال وقت نیاز داشته باشد؛ درحالی که می‌توان بسیاری از این مسائل را در بدو تشکیل با کارشناسی بیمه و اصلاح بعضی قوانین حل کرد. در تعداد بسیار زیادی از این پرونده‌ها، نقص عضو صورت نمی‌گیرد و مشکل به وجود آمده حاد نیست؛ از این رو در بین طرفین مشکلی در رسیدگی به پرونده وجود ندارد و فقط باید حکم دادگاه صادر شود که بیمه خسارت وارده به شخص را پرداخت کند. در بسیاری دیگر از مسائل نیز می‌بایست فرایند صدور حکم تسهیل شده و صدور حکم به ریش سفیدان محلی یا ساختارهای حل اختلاف منطقه‌ای سپرده شود.

مبارزه قانونی با فساد در حاکمیت

طبق شاخص ادراک فساد که نشان‌دهنده میزان فساد است که مردم در جامعه احساس می‌کنند، ایران در بین ۱۸۰ کشور جهان، رتبه ۱۳۰ را در اختیار دارد. این یعنی وضعیت کشور از ۱۲۹ کشور دیگر دنیا از این نظر بدتر است؛ یعنی جایگاهی هم‌تراز کشورهای میانمار و گامبیا و پایین‌تر از کشورهای مالی، لیبیا، جیبوتی، گابون و مالدیو.

• تعارض منافع

تعارض منافع یکی از اصلی‌ترین ریشه‌های فساد در حاکمیت است و به شرایطی اطلاق می‌شود که در آن، یک فرد یا سازمان با منافع مختلف و متعارضی مواجه است (مالی، احساسی، خانوادگی، حزبی، ملی، و...). در وضعیتی که هر یک از آن منافع می‌توانند تصمیم صحیح آن فرد یا سازمان را فاسد نمایند. بنابراین ضرورت دارد در مقام بررسی قوانین به منشأ بالقوه بروز تعارض منافع به عنوان یکی

از مهم‌ترین محمل‌های فساد قانونی توجه شده و ریشه ایجاد فساد در دستگاه‌ها و نهادهای مختلف را خشکاند. همان‌طور که در این نوشتار نیز مشخص است، تعارض منافع یکی از مسائل ریشه‌ای است که در تمامی بخش‌های کشور از حوزه سلامت گرفته تا صنعت و فرهنگ و اقتصاد مشکلاتی را ایجاد کرده است؛ از این رو یک برنامه جامع مبتنی بر اصول مبارزه با تعارض منافع، نیاز فوری کشور است.

• گزارشگری فساد

یکی دیگر از نیازهای کشور، توسعه راه‌های مبارزه با فساد در قانون است. یکی از اصلی‌ترین راه‌هایی که در کشورهای پیشرفته حدود ۴۰ درصد مفاسد به واسطه آن شناسایی می‌شود، مبارزه مردمی با فساد یا سوت‌زنی است. جالب این‌جاست که در این کشورها نهادهای نظارتی حاکمیت (مانند سازمان بازرسی، نیروی انتظامی و...) تنها در افشای ۴ درصد از مفاسد نقش داشتند. در این روش، حاکمیت علاوه بر حمایت از فرد افشاکننده، در صورت به نتیجه رسیدن پرونده، بخشی از عایدی مالی آن را نیز در اختیار افشاکننده قرار می‌دهد. به این ترتیب هیچ فردی در هیچ نهادی برای انجام هرگونه اشتباهی احساس امنیت نخواهد کرد.

• شفافیت

ایجاد زیرساخت‌های لازم نرم‌افزاری، سخت‌افزاری و نهادی برای افزایش شفافیت معاملات و فعالیت‌های اقتصادی، منجر به این می‌شود که همگان خود را در برابر نظارت افکار عمومی ببینند. این موضوع بازدارندگی بسیار زیادی داشته و تقریباً هیچ مفسد اقتصادی نمی‌تواند در برابر چشم عموم مردم فساد کند. با ایجاد چنین سازوکارهایی، تمامی اطلاعات اقتصادی ثبت و ضبط شده و با رصد، مقایسه و تحلیل اطلاعات به روش تقاطع، می‌توان به بسیاری از مفاسد پی برد و فضا را برای مجرمان ناامن کرد. از طرفی با ایجاد شفافیت و در دسترس بودن اطلاعات اقتصادی، امکان فرار مالیاتی تا حد قابل توجهی کاهش می‌یابد. البته شفافیت علاوه بر حوزه اقتصادی به کاهش فساد در حوزه‌های دیگر نیز کمک می‌کند.

• مبارزه با پول‌شویی

بسیاری از فعالیت‌های مفسدانه که در قالب فرایندهای غیرقانونی انجام می‌شوند، در صورت وجود بسترها و سازوکارهای تشخیص و مبارزه با پول‌شویی قابل ردیابی هستند. ابزارهای مبارزه با پول‌شویی جهت تشخیص و ردگیری پول‌هایی که منشأ مشخصی ندارند طراحی شده است و عمده مفاسد مالی و اقتصادی نیز با جابه‌جایی چنین مبالغی همراه است. به‌همین دلیل، یکی از راهکارهای مهم برخورد با فساد، اجرای قانون مبارزه با پول‌شویی است.

مطالعه بیشتر

- گزارش اندیشکده سیاست‌گذاری امیرکبیر با عنوان «استفاده از ظرفیت‌های مردمی برای مبارزه و پیشگیری از فساد»
- گفتگو با رئیس سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
- گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس با عنوان «تعارض منافع؛ راه‌های پیشگیری و مدیریت»
- گزارش اندیشکده شفافیت برای ایران با عنوان «تعارض منافع چیست و چگونه با آن مقابله می‌شود؟»
- سایت سازمان شفافیت بین‌الملل
- مقاله «نقش عوامل حقوقی و قضایی در بهبود فضای کسب‌وکار»

کمیسیون کشاورزی، آب و منابع طبیعی

حوزه‌های فعالیت کمیسیون

کشاورزی

منابع آب

دام و طیور

شیلات

محیط زیست

کمیسیون کشاورزی، آب، منابع طبیعی و محیط زیست یکی از کمیسیون‌های مجلس شورای اسلامی است که برای انجام وظایف محوله در محدوده کشاورزی، منابع آب، دام و طیور، شیلات و هواشناسی تشکیل می‌شود.

در این نوشتار به دو حوزه کشاورزی و آب و محیط زیست که از اصلی‌ترین مسائل کشور هستند پرداخته می‌شود. مسائل این دو حوزه در نقاط مختلفی به یکدیگر گره می‌خورند و حل مسائل هر کدام از حوزه‌ها نیاز به حل مسائل در حوزه دیگر دارد؛ به عنوان مثال، ممکن است راهکارهایی برای حل بحران آب پیشنهاد شود که موجب ایجاد بحران در بخش کشاورزی شود و می‌بایست در این موضوع دقت فراوانی شود. سهم ۱۰ درصدی کشاورزی از تولید ناخالص داخلی به واسطه مصرف ۹۰ درصد از منابع آب کشور در این بخش حاصل شده است.

مسائل اولویت‌دار حوزه کشاورزی

تحقق امنیت غذایی در هر کشوری و با هر سیاستی، در اولویت برنامه‌ریزی کلان دولت‌ها قرار دارد و اغلب کشورهای پیشرفته اقتصادی توانسته‌اند در اکثر یا همه محصولات اساسی به خودکفایی برسند. به همین دلیل است که ضریب تولید غلات کشورهای ۵+۱ چندین برابر نیاز داخلی آنان است و سنای آمریکا هم در سال ۲۰۱۳ بودجه یارانه کشاورزی را برای یک دوره ده‌ساله نزدیک به هزار میلیارد دلار تصویب کرد. امنیت غذایی از طریق خودکفایی پایدار در تولید و تأمین نهاده‌ها و محصولات اساسی حاصل می‌شود. ایران در اغلب محصولات اساسی خود مانند گندم، برنج، شکر و دانه‌های روغنی نتوانسته به خودکفایی پایدار برسد و در سال‌های اخیر نهاده‌های تولید مانند بذر، کود، نژادهای دام و طیور، تخم ماهی و... نیز به همان سرنوشت دچار شده‌اند و حتی در برخی از آنان وابستگی شدیدی به کشورهای خارجی نیز وجود دارد. این وابستگی، پاشنه آشیل جمهوری

اسلامی بوده و هست که سایه تحریم و تهدید غذایی را بر سر ایران نگه می‌دارد. وجه دیگر اهمیت بخش کشاورزی، مربوط به سهم اشتغال و نقش پیشرانی آن در اقتصاد است. طبق گزارش مرکز آمار، هجده درصد اشتغال کشور مستقیماً با بخش کشاورزی مرتبط است که با احتساب بخش‌های وابسته و غیرمستقیم به سی درصد می‌رسد. از طرفی از آن‌جا که بخش کشاورزی به سلامت جامعه گره خورده است، اهمیت این بخش مضاعف می‌شود.

الزام اجرای طرح کاداستر و انجام دقیق آمایش

از ملزومات طرح اصلاح الگوی کشت ملی، اجرای طرح کاداستر^۱ است. هر ساله برای حدنگاری، فرایند پرهزینه و طولانی کاداستر طی می‌شود؛ حال آن‌که به کمک تکنولوژی‌های جدید ماهواره‌ای و پهباد می‌توان این فرایند را به سادگی انجام داد. در ضمن با این کار، لیست و جزئیات تمام اراضی کشاورزی، میزان تولید و نوع تولید هر زمین، نقاط آفت‌زدگی یا نیازمند به کود و سایر اطلاعات مفید تمامی اراضی کشاورزی کشور را می‌توان به صورت آنلاین به دست آورد. به کمک این کار هرگونه زمین‌خواری و آسیب به اراضی ملی قابل شناسایی است، اما اگر این طرح اجرا نشود، از آن‌جا که اطلاعات زمین‌های کشاورزی را به صورت دقیق نداریم، نمی‌توانیم برنامه‌ریزی صحیحی برای سال آیند داشته باشیم و مصرف کود و سموم نسبت به حالت قبل بیشتر می‌شود و در صورت آسیب‌رسیدن به جنگل‌ها و اراضی ملی از آن باخبر نمی‌شویم.

وجود حلقه‌های متعدد واسطه و دلالتان

یکی از مشکلات اصلی که در حوزه کشاورزی وجود دارد، این است که تعداد زیادی از حلقه‌های واسطه و دلالتان بین کشاورز و مصرف‌کننده وجود دارند که این امر باعث می‌شود قیمت تمام‌شده محصولات برای مصرف‌کننده زیاد باشد و از طرفی حداقل سود به کشاورزان برسد. در این راستا باید نظامات کشت قراردادی

۱. کاداستر یا حدنگاری آن نوع نقشه برداری است که ارزش حقوقی داشته باشد و بتوان براساس مرزهای آن سند مالکیت صادر کرد. کاداستر منبع اصلی داده‌ها در اختلافات و دعاوی بین مالکان زمین است.

توسعه یابند و اصلاحاتی در قانون خرید تضمینی گندم صورت پذیرد. از مشکلاتی که این قانون دارد این است که قیمت خرید تضمینی بسیار دیر اعلام می‌گردد.

استفاده از پتانسیل زمین‌ها و مراتع ملی

بسیاری از زمین‌ها و اراضی ملی پتانسیل این را دارند که از ظرفیت آن‌ها برای کشت دیم استفاده شود، بدون آن‌که کوچک‌ترین ضرری به آن‌ها برسد، اما با توجه به سیاست‌های سازمان جنگل‌ها، مراتع و آبخیزداری این امکان مهیا نیست. اراضی حاصل خیز و بزرگ مقیاس کنونی اغلب متعلق به خود دولت و سازمان جنگل‌ها، مراتع و آبخیزداری است و باید نمایندگان با تدوین سازوکارهایی که مالکیت دولت بر اراضی را حفظ کند و از تغییر کاربری زمین و افت سطح سفره‌های زیرزمینی جلوگیری نماید، حق بهره‌برداری از زمین را به بخش خصوصی برای ایجاد کشت و صنعت‌ها واگذار کند.

البته از طرفی در سیستم اداری کشور نیز مانند بقیه حوزه‌ها روند دست‌وپاگیری برای اخذ مجوزها وجود دارد که می‌بایست این مشکل نیز از سر راه استفاده از پتانسیل زمین‌ها و مراتع ملی برداشته شود.

ساختار مدیریت آب

وزارت نیرو که متولی اصلی آب در ایران است، برنامه‌ریزی خود را براساس تأمین آب شرب و ساخت سازه‌های بزرگ انجام می‌دهد و هیچ‌گونه مسئولیتی در قبال تولیدات کشاورزی ندارد و کشاورزان با اقدامات سلبی همچون پلمپ شدن چاه و قطع آب روبه‌رو هستند. از دیگر مشکلاتی که در کشور وجود دارد این است که هفتاد درصد از آب ورودی حاصل از باران تبخیر می‌شود که با انجام طرح‌های آبخیزداری می‌توان این میزان را کم کرد، ولی نود درصد اعتبارات فصل منابع آب به وزارت نیرو تخصیص داده می‌شود و رقم ناچیزی صرف آبخیزداری می‌شود. حال آن‌که کشورهایی مانند آمریکا و چین، بودجه کلانی را به آبخیزداری تخصیص می‌دهند. ریشه این مشکلات در منفک بودن مدیریت آب از بخش تولید و منابع

طبیعی است. اگر بخش آب وزارت نیرو به وزارت جهاد کشاورزی داده شود، بسیاری از مشکلات کشاورزی مرتفع می‌گردد. این‌گونه از اصلاحات در کشور استرالیا نیز صورت پذیرفته است. به این ترتیب می‌توان مدیریت جامع چرخه آب را در وزارت جهاد کشاورزی متمرکز کرد.

امنیت غذایی از طریق خودکفایی پایدار

واردات ۹۸ درصدی مرغ اجداد، واردات ۹۰ درصدی بذر مصرفی، وابستگی کامل به تخم ماهی قزل‌آلای فرانسوی، واردات اسپرم گاو از آمریکا، بهره‌وری پایین نژادهای بومی دام سبک و واردات نژادهای غیربومی و ده‌ها نمونه دیگر که ریشه در ضعف علمی و فناوری کشاورزی دارد، نتیجه ناکارآمدی و ضعف نظام تحقیقات است که منجر به عدم خودکفایی پایدار و آسیب‌پذیری امنیت غذایی کشور می‌شود. گام اول خودکفایی، خودکفایی در تولید نهاده‌های پایه و نهاده‌های ژنتیکی است. در شرایطی که تولید گوجه‌فرنگی از طریق واردات بذر صورت می‌پذیرد یا برای تولید مثل مجدد و افزایش شیردهی گاو نیاز به واردات اسپرم گاو نر از آمریکا وجود دارد، تولید انبوه گوجه‌فرنگی یا شیر و عدم واردات آن‌ها خودکفایی محسوب نشده و کشور نیز در وضعیت آسیب‌پذیری قرار می‌گیرد، زیرا اراده دشمنان در خارج کشور نیز بر خودکفایی موجود تأثیرگذار خواهد بود. با این شرایط، قیمت‌گذاری به موقع و مناسب محصولات مشمول خرید تضمینی، توسعه گلخانه‌ها، افزایش بهره‌وری کشاورزی، سیستم‌های آبیاری نوین و... همگی نسبت به این مسئله در رتبه‌های بعدی قرار می‌گیرند. با وجود بیش از ۴۵۰ هزار فارغ‌التحصیل، بیش از ۱۰ دانشکده و ده‌ها مرکز تحقیقاتی و سازمان‌های عریض و طویل دیگر در وزارت خانه‌های علوم و جهاد کشاورزی، هنوز در بخش تحقیقات و فناوری کشاورزی وضعیت نامطلوبی داریم. هم‌اکنون سازمان تحقیقات، آموزش و ترویج کشاورزی با دوازده هزار پرسنل، دو هزار هیئت علمی (بیشتر از بزرگ‌ترین دانشگاه ایران) و ۹۰ مرکز آموزشی و پژوهشی، سازمان تحقیقاتی کشور است، با بودجه سالانه بیش از ۴۰۰ میلیارد تومان که فقط صرف حقوق کارکنان این سازمان می‌شود. ریشه این مشکل نیز در دولتی بودن نظام تحقیقات کشاورزی است.

مسائل اولویت‌دار حوزه آب و محیط زیست

طی سی سال اخیر، توسعه نامتوازن و ناپایدار در کشور در زمینه‌های مختلف صورت گرفته است. عدم توجه به محیط زیست و پایداری توسعه، باعث اختلال جدی در ابعاد وسیع بهره‌برداری از منابع آب شده است. ضمن این که اشکالات اساسی موجود در قوانین وضع شده در بخش آب در ایجاد بحران کنونی این بخش نقش اساسی دارند. براساس پژوهش «گروه تحقیقاتی آینده‌بان» ۱۰۰ مشکل و مسئله اساسی جامعه ایران در سال ۱۳۹۶ فهرست شده‌اند که در میان این صد چالش، چهار چالش مربوط به حوزه آب است و دومین چالش مهم در گزارش ذکر شده، بحران تأمین آب است. براساس شاخص سازمان ملل برای بیان تنش آب، هر کشوری که بیش از ۴۰٪ منابع آب تجدیدپذیرش را در سال مصرف کند، با بحران شدید آب روبه‌رو است. این در حالی است که ایران با مصرف ۸۰٪ آب تجدیدپذیر خود در رتبه چهارم قرار می‌گیرد. در حوزه محیط زیست نیز کشور معضلات عمده‌ای را تجربه می‌کند؛ ویرانی ۱۲۵ هزار هکتار از جنگل‌ها، خشک شدن نزدیک به هفتاد درصد مساحت تالاب‌ها و بحران دائمی آلودگی هوا از جمله مسائل اصلی محیط زیست هستند. ایران از لحاظ شاخص عملکرد زیست محیطی در رتبه ۱۰۵ در بین ۱۸۰ کشور دنیا قرار دارد. برای مقابله با این چالش‌ها، کشور نیازمند بازنگری جدی در مباحث برنامه‌ریزی و مدیریت آب کشور براساس اصول توسعه پایدار با حفظ مؤلفه‌های محیط زیست است.

مدیریت تأمین محور آب

همان‌طور که در مقدمه اشاره شد، براساس داده‌های بانک جهانی، کشور سالانه ۸۰٪ از آب تجدیدپذیر خود را مصرف می‌کند. وزارت نیرو که متولی آب در ایران است، رویکرد تأمین محور دارد؛ یعنی همواره در پی آن است که یا منابعی از آب پیدا کند و یا با انتقال آب، نیاز به آب را برطرف کند. در صورتی که می‌شود بخش بزرگی از نیازمندی به آب را با مدیریت تقاضا مرتفع نمود و به بیانی دیگر، مصرف آب را کمتر کرد. کاری که کمتر دیده شده انجام شود یا برای آن برنامه‌ریزی شود.

برنامه‌ریزی جهت توسعه صنایع با جاهایی صحیح

با توجه به انجام ناصحیح آمایش آب محور سرزمین، بسیاری از صنایع در نقاطی احداث شده‌اند که یا از لحاظ تأمین آب با مشکل روبه‌رو هستند، یا از لحاظ زیست محیطی مشکل ساز شده‌اند. با توجه به نبود سندی جامع از آمایش آب محور کشور، صناعی مانند فولاد و کاشی که از جهتی بسیار آب‌بر نیز هستند، در فلات مرکزی - که بسیار خشک است - احداث شده‌اند. در حوزه سیاست‌گذاری نیز نه تنها جلوی این رویه گرفته نمی‌شود، بلکه هرروز به گوش می‌رسد که در گوشه‌ای دیگر از این سرزمین خشک (فلات مرکزی ایران) صنعت آب‌بر دیگری احداث شده است؛ به عنوان نمونه‌ای از صنایع پرمصرف می‌توان به صنعت کاشی در یزد و صنعت ذوب آهن و فولاد در اصفهان اشاره کرد. بسیاری از تصمیماتی که منجر به احداث این صنایع شده‌اند، تصمیماتی سیاسی بوده‌اند. در واقع احداث صنعت یک امتیاز سیاسی به یک منطقه، جناح یا حتی یک فرد بوده است.

فعال کردن دیپلماسی فعال آب در منطقه

منطقه غرب آسیا به دلیل کمبود منابع آب، هم‌زمان با افزایش روزافزون جمعیت، همواره در آستانه تنش و حتی بحران آب قرار داشته است. کمبود آب بر روابط سیاسی بین کشورهای منطقه نیز سایه افکننده و برخی اختلافات و حتی درگیری‌هایی را هم سبب شده است. کشور ایران نیز که شاهد کاهش منابع آبی در اثر مصرف فزاینده آب است، نیاز به مدیریت تعامل خود با همسایگان از منظر آبی دارد. عراق، ترکمنستان، پاکستان، افغانستان، جمهوری آذربایجان، ترکیه و ازمنستان کشورهای هستند که دیپلماسی آب در قبال آن‌ها باید به صورت جدی پیگیری شود. در این میان احداث سدهای خارجی در سال‌های اخیر باعث شده است میزان آب ورودی ایران از کشورهای همسایه کاهش یابد و این یکی از مسائل اساسی است. به عنوان مثال یکی از مشکلاتی که سدسازی در ترکیه بر روی رود دجله و فرات برای کشور ایجاد می‌کند، حاد کردن مشکل ریزگرد و همچنین مشکلات امنیتی ناشی از مهاجرت جمعیت جنوب غرب ایران است. علاوه بر این، امنیت کشورهای عراق و سوریه به عنوان متحد

ایران تحت الشعاع قرار می‌گیرد، زیرا غیر از خشک شدن آب رودخانه دجله و فرات، تا حد زیادی امکان زیرآب رفتن این دو کشور در اثر باز شدن این سدها نیز وجود دارد. مشکلات ایران با افغانستان بر سر استفاده از آب‌های مشترک (هیرمند)، آلودگی آب رودخانه ارس به واسطه فعالیت‌های صنعتی و معدنی ارمنستان در حاشیه رودخانه و مشکلات ناشی از سدسازی ترکیه، موضوعاتی هستند که در اسرع وقت می‌بایست با استفاده از دیپلماسی آب به سراغ حل آن‌ها رفت. ایران می‌تواند با ابزار دیپلماسی آب که در معاونت حقوقی و بین‌المللی وزارت خارجه وجود دارد، با این مشکلات روبه‌رو شود.

کنترل و کاهش عوامل آلاینده و تهدیدکننده محیط زیست

برای جبران آلودگی‌های هوا، آب و خاک به میلیون‌ها سال زمان نیاز است. گازهای خارج شده از منابع متحرک و غیرمتحرک؛ یعنی صنایع پالایشی، نیروگاه‌ها و وسایل نقلیه به واسطه عدم توسعه تکنولوژی و جانمایی غلط، در ایجاد آلودگی نقش بسزایی دارند. آلودگی آب، ناشی از نشت نفت، باران اسیدی و کانال و جوی‌های شهری است؛ درحالی‌که آلودگی هوا ناشی از گازها و سموم مختلفی است که توسط صنایع و کارخانجات و از ترکیب سوخت‌های فسیلی منتشر می‌شود و در کنار پدیده ریزگردها به یک بحران همیشگی در کشور تبدیل شده است. در شهرهای بزرگ، آلودگی هوا بر حدود ۳۵ تا ۴۰ میلیون نفر تأثیر می‌گذارد. گرد و غبار هم همین‌طور است و جمعیت بسیار زیادی از کشورمان به خصوص در استان‌های جنوبی و غربی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. از طرفی آلودگی خاک نیز عمدتاً ناشی از ضایعات صنعتی بوده که خاک را از مواد مغذی و ضروری محروم می‌سازد. دفن نامناسب زباله‌ها یا بازیافت ناصحیح آن‌ها منجر به دفن غیراصولی یا سوزاندن آن می‌شود که این موضوع نیز در آلودگی خاک و هوا مؤثر است. گنجاندن ملاحظات و رویکرد زیست محیطی در نظامات برنامه‌های توسعه و بودجه‌ریزی سالیانه، اصلاح ضعف‌های قانونی در فرایند ارزیابی محیط زیستی برای دستیابی به توسعه پایدار و پیگیری اصولی چالش‌های این حوزه از سازمان‌های ذیربط، از

اقداماتی است که مجلس شورای اسلامی قادر به انجام آن خواهد بود تا از تداوم این بحران جلوگیری نماید.

ساختار وزارت نیرو برای مدیریت آب

مدیریت به هم پیوسته و یکپارچه چرخه آب

توضیحات این دو مورد در بخش کشاورزی آورده شده است.

مطالعه بیشتر

- گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس با عنوان «عمده‌ترین مسائل کشور؛ اولویت‌ها و راهبردهای مجلس شورای اسلامی در دوره دهم»
- گزارش «بررسی تأثیرات برنامه‌های تنظیم آب کشورهای همسایه در حوضه‌های مشترک مرزی بر ایران»؛ سایت سازمان برنامه و بودجه کشور
- مقاله «چالش‌های مدیریت منابع آب ایران در برنامه ششم توسعه کشور»؛ سایت سیویلیکا
- مقاله «تحلیل موانع و مشکلات مدیریت آب کشاورزی در دستیابی به توسعه پایدار»؛ فصلنامه اقتصاد فضا و توسعه روستایی
- مقاله «دیپلماسی آب ایران در قبال همسایگان»؛ فصلنامه سیاست‌های راهبردی و کلان

منابع و مراجع

استفاده از کارشناسان ، آثار و پژوهش های ...

- اندیشکده تدبیر آب ایران
- اندیشکده حاکمیت شریف
- اندیشکده راهبردی تبیین
- اندیشکده سیاست‌گذاری اقتصادی تهران
- اندیشکده سیاست‌گذاری امیرکبیر
- اندیشکده شفافیت برای ایران
- اندیشکده محثا (مطالعات حکمرانی نرم ایران)
- پژوهشکده تحقیقات راهبردی مجمع تشخیص مصلحت نظام
- پژوهشکده سیاست‌پژوهی و مطالعات راهبردی حکمت
- پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
- شبکه تحلیلگران اقتصاد مقاومتی
- شبکه کانون‌های تفکرایران
- گروه تحقیقاتی آینده‌بان
- مجموعه توسعه تفکر روش‌آفرین
- مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی
- مرکز راهبری ورثه‌الانبیاء
- مرکز مطالعات تکنولوژی دانشگاه صنعتی شریف
- مرکز مطالعات تکنولوژی دانشگاه علم و صنعت
- مرکز ملی مطالعات راهبردی کشاورزی و آب
- مرکز همکاری‌های تحول و پیشرفت ریاست جمهوری
- مؤسسه مطالعات راهبردی تعلیم و تربیت برهان

مصاحبه با ...

- ابوالفضل ظهروند، سفیر سابق ایران در ایتالیا
- بادپا، کارشناس آموزش شبکه کانون‌های تفکر ایران
- آقای پورحیدر، کارشناس اجتماعی مجموعه توسعه تفکر روش‌آفرین
- مهندس افشین پروین‌پور، عضو سابق شورای عالی مسکن
- آقای حاجی‌زده، کارشناس حقوقی شبکه کانون‌های تفکر ایران
- حمید سینی‌ساز، کارشناس مرکز همکاری‌های تحول و پیشرفت
- دکتر احسان پرنیان، مسئول گروه مبارزه با فساد اندیشکده سیاست‌گذاری
امیرکبیر
- دکتر حبیب ظفریان، مسئول گروه انرژی اندیشکده سیاست‌گذاری امیرکبیر
- دکتر حسین درودیان، کارشناس اقتصادی
- دکتر حسین شمالی، کارشناس حوزه سلامت
- دکتر دادجوی توکلی، کارشناس اقتصادی
- دکتر رضایتی، کارشناس اجتماعی پژوهشکده سیاست‌پژوهی و مطالعات
راهبردی حکمت
- دکتر عبدالله‌پور، کارشناس حوزه حمل‌ونقل
- دکتر علی سرزعیم، کارشناس اقتصادی
- دکتر علی سعدوندی، کارشناس اقتصادی
- دکتر محمدرضا عربی مزعه‌شاهی، مدیر سابق صندوق بیمه سرمایه‌گذاری
فعالیت‌های معدنی
- دکتر مقداد همتی، مشاور وزیر مسکن و شهرسازی در دولت نهم و دهم
- دکتر میثم پیله‌فروش، کارشناس مرکز پژوهش‌های مجلس
- دکتر هادی عباسی، مشاور وزیر مسکن و شهرسازی در دولت دهم
- دکتر هجری، کارشناس فرهنگی - اجتماعی پژوهشکده سیاست‌پژوهی و
مطالعات راهبردی حکمت
- روح‌الله فرازی، کارشناس حکمرانی نرم مرکز همکاری‌های ریاست جمهوری

- علیرضا بلیغ، کارشناس فرهنگی
- آقای غلامی، مدیر کارگروه مسکن شبکه کانون‌های تفکر ایران
- آقای فراهانی، کارشناس فرهنگی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی
- آقای قمی، کارشناس شبکه کانون‌های تفکر ایران
- محمد آزین، مسئول مؤسسه مطالعات راهبردی تعلیم و تربیت برهان
- مهندس حیدری، کارشناس انرژی مجمع تشخیص مصلحت نظام
- مهندس رضا محتشمی‌پور، معاون عملیات و نظارت بر بازار بورس کالا و رئیس سابق دفتر توسعه صنایع پایین‌دستی شرکت ملی صنایع پتروشیمی ایران
- مهندس علی بابایی، کارشناس انرژی اندیشکده سیاست‌گذاری امیرکبیر
- مهندس علی حسن‌زاده، کارشناس سابق مرکز همکاری‌های تحول و پیشرفت نهاد ریاست جمهوری
- مهندس میلاد بیگی، مدیر گروه صنعت اندیشکده سیاست‌گذاری امیرکبیر
- آقای نظری، کارشناس فرهنگی پژوهشکده سیاست‌پژوهی و مطالعات راهبردی حکمت
- حجه الاسلام سیفایی، کارشناس امور بین‌الملل

منابع کتابخانه‌ای و اینترنتی

- ابوالقاسم مهدوی، آثار متغیرهای حقیقی و پولی - مالی برنخ سود سپرده بانکی ایران، نشریه دانشگاه آزاد اسلامی؛
- احسان پرنیان، استفاده از ظرفیت‌های مردمی برای مبارزه و پیشگیری از فساد، اندیشکده سیاست‌گذاری امیرکبیر؛
- احسان پرنیان، الگوی راهبردی حمایت از رونق تولید، فعالیت‌های نامولد رقیب تولید، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی؛
- احسان پرنیان، نقش عوامل حقوقی و قضایی در بهبود فضای کسب‌وکار، اندیشکده سیاست‌گذاری امیرکبیر
- احمد مظفری، مالیات بر عایدی سرمایه چیست؟
- اصول سیاست خارجی در قانون اساسی؛
- اعسار پنهان در نظام بانکی ایران، چیستی، ابعاد و ریشه‌ها؛ مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی؛
- امور اقتصاد کلان، بررسی تحلیلی روند تحولات طلاق در کشور، عوامل و پیامدها؛ سازمان برنامه و بودجه کشور؛
- امیرحسین تبیانیان، تزریق گاز به میادین نفتی لازمه تحقق تولید صیانتی، مرکز پژوهش‌های مجلس؛
- آمار بانک جهانی؛
- بررسی آیین‌نامه ایجاد پتروپالایشگاه‌ها با سرمایه‌گذاری مردمی در دولت، گزارش خبرگزاری فارس؛
- بررسی زمینه‌های فرار مالیاتی در ایران، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی؛
- برنامه اداره کشور بدون نفت، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی؛
- برنامه پزشکی خانواده و نظام ارجاع؛
- بهنام رضاقلی‌زاده، نقش رسانه‌ها در پیشگیری از سوء مصرف مواد مخدر، پایگاه مجلات تخصصی نور؛
- بیانات مقام معظم رهبری در حوزه‌های مختلف؛

- پول شویی فرهنگی یا فرهنگ پول شویی، سایت سراج؛
- تحولات مسکن در چهار دهه انقلاب اسلامی، اقتصادنیوز؛
- ترازنامه هیدروکربوری کشور، مؤسسه مطالعات بین‌المللی انرژی، سال ۱۳۹۵؛
- تعارض منافع چیست و چگونه با آن مقابله می‌شود؟ اندیشکده شفافیت برای ایران؛
- تولید و مصرف محصولات فرهنگی و هنری، نگاهی به اقتصاد فرهنگ، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی؛
- جامعه‌شناسی مخاطب در حوزه فرهنگی و هنری، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی؛
- چهارچوب اصلاح ساختاری بودجه با رویکرد قطع وابستگی مستقیم بودجه به نفت، سازمان برنامه و بودجه کشور؛
- چالش‌ها و راهکارهای رونق تولید در سال ۱۳۹۸، بخش معدن و صنایع معدنی، گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی؛
- چالش‌ها و راهکارهای رونق تولید در سال ۱۳۹۸، برنامه‌های راهبردی و عملیاتی در حوزه‌های فرابخشی اقتصاد، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی؛
- حسین پوراحمدی، دیپلماسی انرژی و منافع ملی جمهوری اسلامی ایران، نشریه دانش سیاسی؛
- حسین درودیان، چرا تجویزهای ضد خلق پول گمراه‌کننده است؟ سخنی با مروجان پیشنهادات ضد خلق پول، مؤسسه مطالعات و تحقیقات مبین؛
- درسنامه اعتیاد و راه‌های پیشگیری از آن، دانشگاه ایلام؛
- روح‌الله فرازی، حضور استادان در نظام تصمیم‌گیری، روزنامه دنیای اقتصاد؛
- سایت سازمان شفافیت بین‌الملل؛
- سایت گروه تحقیقاتی آینده‌بان؛
- سایت مؤسسه مطالعات بین‌المللی انرژی؛
- سند بالادستی طرح جامع حمل و نقل؛
- سیاست‌های کلی ایجاد تحول نظام آموزش؛

- سیاست‌های کلی سلامت، ابلاغ‌شده توسط مقام معظم رهبری؛
- سیدعباس پرهیزکاری، بررسی لایحه بودجه سال ۱۳۹۹ کل کشور- نکات مهم و محورهای تصمیم‌گیری (ویرایش اول)، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی؛
- صحیفه امام خمینی (علیه‌السلام)؛
- ضرورت اصلاح نظام حقوق دولتی معادن در ایران، گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی؛
- علیرضا میلانی‌فر، ارزیابی حقوقی تعارض منافع در حقوق نظام سلامت ایران، اخلاق و تاریخ پزشکی؛
- عنوان رقم واقعی فراهای مالیاتی چقدر است؟ گزارش خبرگزاری تسنیم؛
- فائزه طاهرآبادی، تحلیل موانع و مشکلات مدیریت آب کشاورزی در دستیابی به توسعه پایدار، فصلنامه اقتصاد فضا و توسعه روستایی؛
- فرحناز حسام، بررسی سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی؛
- فرزام پوراصغر، چالش‌های مدیریت منابع آب ایران در برنامه ششم توسعه کشور، سیزدهمین همایش ملی ارزیابی اثرات محیط زیستی ایران؛
- فرمان تاریخی افتتاح حساب ۱۰۰ امام (علیه‌السلام)؛
- قانون اصلاح قانون معادن مصوب ۱۳۹۰؛
- کتاب از سیاست اقتصادی تا سیاست صنعتی، مرکز مطالعات تکنولوژی دانشگاه صنعتی شریف؛
- کتاب اقتصاد فرهنگی، انتشارات دانژه؛
- کتاب با نمایندگان، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی؛
- کتاب تحریم نفت، عبور در کوتاه‌مدت، بی‌اثرکردن در بلندمدت، اندیشکده سیاست‌گذاری امیرکبیر؛
- کتاب سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، دکتر سید جلال دهقانی فیروزآبادی؛
- گزارش‌های حوزه فرآورده و منطقه، سایت مرجع دیپلماسی انرژی ایران؛

- گزارش‌های عملکرد شرکت ملی صنایع پتروشیمی، شرکت ملی صنایع پتروشیمی؛
- مجید شاکری، سیاست‌گذاری هدایت اعتبار، MMT، و اقتصاد حرکت‌کننده با سرمایه‌گذاری، پایگاه خبری-تحلیلی اقتصاد آنلاین؛
- محسن یزدان‌پناه، درس‌های دوران طلایی سرمایه‌داری برای تلاطم‌های اجتماعی امروز ما؛ نظام اعتباری، هم‌ریشه بحران و هم‌ابزار حل آن، مؤسسه مطالعات و تحقیقات مبین؛
- محمد زاهدی اصل، مسائل و مشکلات فقر در ایران، فصلنامه برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی؛
- محمدجعفر مجرد، رقابت‌پذیری مبتنی بر نرخ ارز مؤثر واقعی در ایران، پژوهشنامه اقتصادی؛
- محمدرضا دهشیری، دیپلماسی آب ایران در قبال همسایگان، فصلنامه سیاست‌های راهبردی و کلان
- مرتضی نیکخواه، بررسی ساختار نفت و گاز کشورهای نروژ و روسیه، اندیشکده سیاست‌گذاری امیرکبیر؛
- مرکز پژوهش‌های توسعه و آینده‌نگاری، بررسی تأثیرات برنامه‌های تنظیم آب کشورهای همسایه در حوضه‌های مشترک مرزی بر ایران، سازمان برنامه و بودجه کشور؛
- مصطفی سمیعی‌نسب، دیپلماسی اقتصادی، راهبرد مقابله با تحریم‌های اقتصادی در منظومه اقتصاد مقاومتی، فصلنامه علمی-پژوهشی آفاق امنیت؛
- معاونت پژوهش‌های اقتصادی، تعارض منافع، راه‌های پیشگیری و مدیریت، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی؛
- معاونت پژوهشی، گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس، عمده‌ترین مسائل کشور؛ «اولویت‌ها و راهبردهای مجلس شورای اسلامی در دوره دهم»، گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس؛

- مهدی ادیب‌پور، تأثیر نااطمینانی نرخ ارز بر تقاضای پول در ایران، نشریه اقتصاد پولی و مالی؛
- نسرين پرستش، پدیده فقر و نابرابری اجتماعی، مجله اقتصادی وزارت امور اقتصادی و دارایی؛
- هادی ترابی‌فر، بررسی تجارب کشورها در زمینه معافیت‌های مالیاتی ۲. درباره معافیت مالیات بر درآمد فعالیت‌های هنری، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی؛
- وضع چهار مالیات بازار مسکن را وارد رونق غیرتورمی می‌کند، مرکز مطالعات تکنولوژی دانشگاه علم و صنعت

از نظر من هیچ کس مصونیت آهین ندارد
همه در مقابل قانون و مسئولیت‌های
خودشان پاسخگو هستند و باید جواب
دهند. همیشه این ملت نیاز دارد به اینکه
مسئولان او پاسخگوی مسئولیت‌های بزرگ
خودشان در مقابل ملت باشند و روح پرسش
و مطالبه‌گری در مردم وجود داشته باشد.

مقام معظم رهبری (دام ظلّه العالی)

دانشگاه صنعتی امیرکبیر

۱۳۷۹ / ۱۲ / ۲۲



سازمان
پژوهش و فناوری

معاونت پژوهش و فناوری

